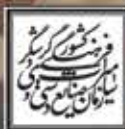


۵

ماهنامه تخصصی میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری
مهر ۹۶

تاریخچه‌ی مدرسه در زابل
زاهدان: چهارراه علیشاه
مسجد جامع دزک سیمای معماری مسجد
پیامبر (ص) در بلوچستان

پیشینه تاریخی گردشگری و آموزش در ایران
روش آموزش کیفی در گردشگری
مشکلات عمده آموزش در حوزه گردشگری
گردشگری آموزشی کودکان و نوجوانان در نواحی روستایی



سیستان و بلوچستان
معاونت پژوهشی



ماهنامه تخصصی اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان سیستان و بلوچستان



صاحب امتیاز:

پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری

مدیر مسئول: کامبیز مشتاق گوهری

مدیر اجرایی: فرشید فیروزان

سردبیر: کلثوم بڑی

ویراستار و ناظر چاپ: گیتی کشیان

صفحه آرا: محمد محتشمی (شرکت ایوان آبی جنوب شرق)

طراحی جلد: امین کیخا

سرویس عکس: نصرالله کوهکن

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

نشانی:

زاهدان، بلوار شهید مطهری، خیابان امداد، موزه ی منطقه ای جنوب شرق، معاونت پژوهشی، مجله ی کاو

تلفن:

۰۵۴۳۳۲۵۳۰۲ داخلی ۲۷۵

۰۹۳۹۴۴۹۱۴۸۷

پست الکترونیکی:

kavmagazineinfo@gmail.com



(کاو در ویرایش و خلاصه کردن مطالب آزاد است)

- مقالات پژوهشی لازم است با فرمت مقالات کاو که در سایت اداره ی کل بارگذاری شده است، نگاشته شود.

- مطالب درج شده در مقالات لزوما دیدگاه گردانندگان کاو نیست.

- مجله ی کاو در مجموعه معاونت پژوهشی اداره ی کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان سیستان و بلوچستان و زیر نظر این معاونت تهیه و تنظیم می شود.



مجله ی کاو برای هرچه بهتر شدن محتوای مطالب نشریه، پذیرای انتقادات و پیشنهادات خوانندگان محترم است.



طرح جلد: سراوان، روستای ناهوگ
عکاس: نصرالله کوهکن



موزه تخصصی شهر سوخته

این مجموعه پژوهشی، اداری، رفاهی مقابل شهر سوخته قرار دارد و مطالعه فاز ۱ و ۲ آن از ۱۳۸۵ آغاز و عملیات اجرایی از آبان ۱۳۸۷ در زمینی به مساحت ۲۰ هکتار شروع شد. ساختمان آن دارای زیربنای ۲۵۰۰ مترمربع و شامل بخشهای مختلفی میباشد : بخش اداری و کتابخانه، بخش پژوهشی، موزه، سالن آمفی تئاتر، سالن پذیرایی، سرویس بهداشتی.

موزه در دو سالن به مساحت ۳۷۴ متر مربع در مجتمع گردشگری شهرسوخته قرار گرفته است. بیرون ساختمان به مساحت ۳ هکتار محوطه سازی شده که شامل ۲۰ آلاچیق، بلوک زنی و مسیر دستیابی آسان، پارکینگ عمومی و مسقف، فضای سبز و پارک بازی و لوازم ورزشی و سرویس بهداشتی عمومی.

در این موزه یافته‌های سایت شهر سوخته شامل اشیای سفالی، سنگی، پیکرک‌ها، مهره‌ها در ویتترین‌هایی به نمایش گذاشته شده‌اند. همچنین نمونه‌هایی از قبرهای به دست آمده از این محوطه باستانی با استفاده از اسکلت‌های باقیمانده در آن بازسازی شده و به نمایش گذاشته شده‌اند.

علاقمندان برای بازدید از این موزه میتوانند در ۵۶ کیلومتری زابل- زاهدان به مجتمع پژوهشی، اداری، رفاهی شهر سوخته مراجعه کنند.

محتوای موزه: باستان شناسی

ساعات بازدید:

شش ماهه اول سال ۷ و نیم تا ۱۹ و شش ماهه دوم سال ۷ و نیم تا ۱۸

روزهای تعطیل:

تاسوعا و عاشورای حسینی، شهادت امام جعفر صادق(ع)، ۲۱ ماه مبارک رمضان، ۱۴ خرداد

نشانی:

زابل،جاده زاهدان، ۵۵کیلومتری زابل

تلفن: ۰۹۱۵۹۶۰۹۸۹۴

۱۷

تاریخچه ی آموزش گردشگری

گاه گردشگری را به عنوان پدیده‌ای نو در تاریخ بشر در نظر می‌گیرند حال آنکه تحرک، جزء لاینفک زندگی انسان‌ها بوده است و ...

۳۰ مشکلات عمده آموزش گردشگری

۳۳ گردشگری آموزشی کودکان و جوانان در نواحی روستایی

۴۰ آموزش گردشگری در استان

۱۱

سال ۱۳۹۶

سیستان و بلوچستان، مقصد گردشگری ایرانیان

۴۲

روستای دزک

پس از بازدید ناظران خارجی در مردادماه گذشته از روستای جهانی سفالگری کلپورگان سراوان، کوشش می‌نمائیم تا روستاها، مناطق و آثار ارزشمند تاریخی مسیر گردشگری ...



۱۰



۳۳



۲۲

آموزش کیفی گردشگری

تاریخچه ی مدرسه در سیستان

سیستان امروز، اینک بخش شمالی استان سیستان و بلوچستان را تشکیل می‌دهد که مطابق تقسیمات جغرافیایی تا سال ۱۳۱۶ شمسی جزئی از استان خراسان بزرگ بود.

۸

چهارراه علিশاه

علیشاه داستان یک زندگی ساده و معمولی است. مثل همه ی زندگی‌ها پر از فراز و نشیب و پر از اتفاقات مبهم روزگار یک آدم که حرف. شهر پر است از نام ها و نشانه‌هایی ...

۱۰

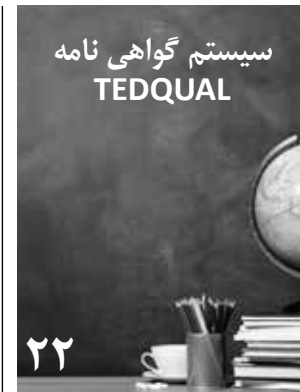
مسجد جامع دزک

دو شبستان در ضلع شرقی و غربی صحن وجود دارد که متصل به دهانه‌های شرقی و غربی شبستان بوده است. پوشش فضای شبستان‌ها به طور کامل تخت بوده ...

۱۶

آرزوهای کوچک گردشگری

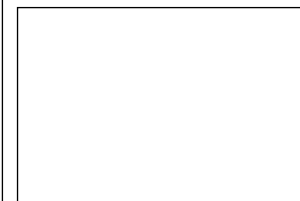
غروب، آخرین برگ‌های نخلستان‌ها را تیره کرده است که به دهک رسیده‌ایم... روستایی بعد از موزه ی زنده ی سفال کلپورگان و در جنوب شرق سراوان.



۲۲



۸



۱۶



فراخوان عکس
مجله تخصصی میراث فرهنگی،
صنایع دستی و گردشگری
سیستان و بلوچستان



موضوع آزاد | طبیعت | مردم شناسی
آداب و رسوم | صنایع دستی | و ...
استقبال از سبک های مختلف عکاسی و زوایایی
که کمتر دیده شده یا دیده نشده است!
تاملی حقوق مادی و معنوی عکس‌ها متعلق به
عکاس می‌باشد و مجله‌کاو تنها با اجازه و بانام
عکاس، نسبت به چاپ آثار اقدام خواهد کرد

ارسال آثار به:

kavmagazineinfo@gmail.com

شماره ی تماس:

۰۵۴۳۳۲۲۵۳۰۲

(داخلی ۳۰۹)

کلیپورگان

روستای جهانی سفال امتداد هنر زنان در بلوچستان

باری کاو در حد وسع، نگاهی گذرا به تاریخ آموزش گردشگری داشته است. روش آموزش کیفی گردشگری را مورد بررسی قرار داده، بعضی از مشکلات آموزش در گردشگری به شکل بسیار خلاصه بیان شده است و گردشگری آموزشی کودکان و نوجوانان در نواحی روستایی که از دیگر مباحث خواندنی این شماره است.

اما شهر زاهدان و پرداختن به اتفاقاتی ساده مثل نام‌گذاری خیابانها و زندگی روزمره مردم در کنار اتفاقات تاریخی مهم، موضوعی است که ظاهراً علاقمندان خود را یافته است. برای کسانی که ساکن شهری هستند و یا به هر ترتیب با کوچه و خیابان و رستوران و پارکها و سینماها و کتابفروشی‌هایش خاطره دارند، پرداختن به این امور و دنبال کردن آن جذاب است. بخصوص که شهر نوپای زاهدان به آن سنی رسیده‌است که بتواند برای اولین نسل ساکنانش در هرجای جهان که نفس بکشند، نوستالژیک باشد. پس در این شماره به یکی از چهارراه‌های آشنای زاهدان رفتیم و با فرزند علیشاه در باب چهارراه علیشاه، هم کلام شدیم.

معرفی اماکن تاریخی و باستانی استان از دیگر دغدغه‌های کاو است، بسیار علاقمندیم تا مقالات مخاطبان جدی و پژوهشگران دغدغه‌مند در این حوزه را منتشر نماییم از این‌رو در این شماره مقاله‌ای که به طور مفصل مسجد جامع دزک سراوان را مورد کنکاش قرار داده است، خواهید خواند.

کاو خود را از نقد و نظر دلسوزان بی‌نیاز ندانسته و از همه‌ی پژوهشگران و عکاسان در حوزه‌های کاری میراث فرهنگی، صنایع‌دستی، گردشگری، مردم‌شناسی دعوت به همکاری نموده و پذیرای نقد و نظر ایشان است.

کاو در روزهایی منتشر می‌شود که مردم ما روستای کلیورگان را با عنوان روستای جهانی سفال می‌شناسند و این باعث شادمانی و خرسندی همگان است و شادباش فراوان به همه‌ی دلسوزان و علاقمندان فرهنگ و هنر که این راه ناهموار را تا رسیدن به مقصود طی کردند.. متأسفانه این اتفاق خوشایند زمانی رخ داد که شماره ۵ کاو در مراحل نهایی تهیه بود و نشد تا به طور شایسته به موضوع کلیورگان جهانی بپردازیم. در این شماره تنها به انتشار یکی دو پوستر از آخرین تصاویر کلیورگان قناعت می‌کنیم و بحث مفصل هر سه اثر ثبت جهانی ایران یعنی روستای سفال کلیورگان در سیستان و بلوچستان، گلیم شبریکی پیچ در کرمان(سیرجان روستای دارستان) و گیوه‌ی مریوان در استان کردستان را در شماره آبان ماه کاو پی خواهیم گرفت.

اما در این شماره که قرار بود همزمان با هفته‌ی گردشگری منتشر شود، بنا داشتیم در قالب پرونده‌ای مفصل به موضوع آموزش گردشگری بپردازیم. از این رو کار برنامه‌ریزی پرونده از تیرماه ۱۳۹۶ آغاز شد. برای رسیدن به شرایط آموزش در استان، استاندارد روش‌های آموزشی مطلوب و به‌روز در جهان و نمونه‌های برتر و کتابهای مناسب و ایده‌های خلاق، مکاتبات جدی را با دانشگاه‌ها، مراکز تخصصی آموزش و خدمات گردشگری و سازمان‌های مرتبط با گردشگری و مسئولین آموزشی آنها انجام دادیم، زمان گذشت و از این همه تنها مطالب و نظراتی از سوی معاونت گردشگری استان‌های زنجان و خراسان شمالی دریافت کردیم و باقی، محبت دوستان که قدردان هردو خواهیم بود.





تاریخچه‌ی مدرسه در سیستان

غلامرضا عمرانی نسب

در این نقشه استان سیستان و بلوچستان را در جنوب شرقی ایران می‌بینیم:



سیستان امروز، اینک بخش شمالی استان سیستان و بلوچستان را تشکیل می‌دهد که مطابق تقسیمات جغرافیایی تا سال ۱۳۱۶شمسی جزئی از استان خراسان بزرگ بود. در آن سال، بلوچستان از مکران جداشد و

با سیستان تشکیل یک استان جدید داد؛ استانی با نام تازه‌ی «سیستان و بلوچستان». در این نقشه موقعیت سیستان را در استان فعلی سیستان و بلوچستان می‌بینیم.

از دوران تکوین اسطوره‌های ایرانی تاکنون هرگاه نام زابل به میان می‌آمد، هم تمام منطقه‌ی سیستان امروز و دیروز را دربر می‌گرفت که از یک سو به کویر لوت و از سویی به کشمیر و آن سوتر از کشمیر می‌انجامید و هم شهری خاص به نام زابل بود که پیش از جمشید جم و گرشاسب وجود داشت و شرح آن در شاه‌نامه و گرشاسب‌نامه آمده‌است.

در برابر، از همان دوران وقتی نام سیستان یا سکستان هم به‌میان می‌آمد، باز هم از یک سو تمام همان محدوده را شامل می‌شد و از سویی شهری ویژه را که بانی آن گرشاسب است و کتاب‌های اسطوره‌ای و تاریخی از بنای آن به دست وی سخن می‌راندند.

اما امروز، تعریف زابل و سیستان دیگر شده‌است؛ همان که در نقشه نشان دادیم.

اگر زابل شهر نمی‌شد...!

اگر زابل شهر نمی‌شد، امروزه شاید وضعیت آموزش و پرورش کل منطقه‌ی سیستان داستانی دیگر می‌داشت؛ زیرا سیستان تاریخی از دیرگاه در تاریخ به مرکزیت مدارس مهم ایران نام‌بردار بوده‌است و به وفور دانشمندان نامی صاحب افتخار؛ این مطلب را نویسنده‌ی نکته‌سنج تاریخ سیستان چنین بیان می‌کند:

«... و دیگر که علماء بزرگ

خاستند از سیستان اندر باب فقه و ادب و قرائت و تفسیر چنان که به حرمین و شام و عراقین محتاج ایشان بودند و کتب ایشان خواندند و کنون می‌خوانند که اگر نام هریکی بگویم، کتاب تطویل گیرد؛ و هرگز نبود که خالی بود از علماء و فقهاء بزرگ؛ که در طبع هواء او موجودست که آن جا ناچار علماء بسیار باید که باشد؛ و عامهٔ سیستان علم‌دوست باید که باشد...» (تاریخ سیستان، ۱۳۱۴: ۱۳)؛ یک صف طولانی از نام‌ها و نشان‌های دانشمندان سیستان گواه صادق این مدعاست؛ اما ناگهان این نهضت برچیده می‌شود؛ این تشنگی فرومی‌نشیند و دیگر کم‌تر نشانی از دانش و دانشمندی و وفور دانشمند در سیستان به چشم می‌خورد. این ضربه را نادانی و ناآگاهی مردی– که هنوز نفرین تاریخ را با خود یدک می‌کشد– بر پیکر استوار سیستان فرود می‌آورد و قامت بلند آن را درهم می‌شکند و شاید بتوان گفت به‌معنای واقعی، طومار مدنیت را در این پربارترین و سرشارترین حوزه‌ی فرهنگی جهان آن روزگار درهم می‌پیچد. تیمور لنگ را می‌توان، جدای از تبه‌کاری‌هایش در سایر نقاط ایران و جدای از تبه‌کاران پیش و پس از او، در این سرزمین، به‌ویژه «جنایت‌کارترین» خواند که او و فرزند خلفش، شاهرخ، با تخریب سدهای باستانی سیستان راه را بر شکوفایی تمدن سیستان تا امروز بستند.

سیستان یک‌پارچه، سیستان آباد، سیستان آزاد از پس آن جنایت فراگیر با یک‌پارچگی و آبادی بدرود کرد؛^۲ این خورشید شرق ایران با این ترفند ناجوان‌مردانه هزار پاره شد و هر پاره‌اش در گوشه‌ای بر خاک افتاد. کم‌و بیش در سیستان پراکنده و پری‌پرده حدود هزار روستا جوانه زد؛^۳ بسیار بیش از بیشترین تعداد روستایی که یک شهر می‌تواند داشته‌باشد؛^۴ شهری که هفت هشت قرن بعد قرار است از دل تاریخ بروید!

معنای دیگر این سخن آن است که سیستان یک‌پارچه هزار پاره شد و در یک کلام، شهرنشینی از فرهنگ و اقتصاد و

۱ نگارنده در مقدمه‌ی جلد سوم گویش سیستان نام و نشان ده‌ها نویسنده و آثارشان را در سه چهار قرن نخست اسلامی آورده‌است که اگر نیاز به نمونه باشد، می‌توان به آن مراجعه کرد. (عمرانی، ۱۳۸۹: ۶۹).

۲ از شگفتی‌های روزگار آن است که سایر شهرهای محدوده‌ی سیستان هم‌زمان با این ایرشهر نیز اگرچه نه به‌یک‌باره، اما به‌تدریج به تاریخ پیوستند؛ گویا تکانه‌ای که توانست این آبادترین شهر را ازپای دراندازد، ارکان دیگر شهرهای آن دوران را نیز سست کرد؛ تا آن جا که پس از مدتی یکانی‌کان به تاریخ پیوستند یا به‌تدریج بدل به روستاهایی کم‌اهمیت شدند یا از صفحه‌ی روزگار برافتادند. تعدادی از این شهرها عبارتند از: حصارِ تاق، پیشاوران، ترقون، راشکک، جارونک، قرنین، کرکویه، کندرک و ...؛ امروزه از این شهرها تنها خرابه‌هایی برجای مانده یا چنان محو شده‌اند که حتی مکان جغرافیایی آن‌ها را نیز امروزه نمی‌توان مشخص کرد.

۳ بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۰ تعداد روستاهای سیستان امروز ۸۵۰ پارچه اعلام شده؛ اما شرکت آب و فاضلاب سیستان، در حال حاضر به تعداد ۹۴۴ روستا خدمات آب‌رسانی را ارائه می‌کند؛ پس با احتساب معدود روستاهایی که آب‌رسانی نشده است، عدد ۹۵۰ صحیح‌تر به نظر می‌رسد.

۴ اگر بر این موضوع تأکید می‌کنیم، از آن روست که حضور این همه روستا در یک منطقه بسیار غیرطبیعی است؛ مثلاً در گذشته، یعنی پیش از حمله‌ی ناجوان‌مردانه‌ی تیمور– که شهرنشینی در منطقه معمول بود– حداکثر روستاهای یک شهر بزرگ در حد پنجاه و شست بود نه بیشتر؛ به این نکته درباره‌ی یکی از شهرهای سیستان قدیم توجه کنیم:

«فره شهری بزرگ است و شصت پاره دیه و روستا دارد» (اصطخری، ۱۳۶۸: ۱۹۸). از لحن نوشته برمی‌آید که به نظر نویسنده‌ی کتاب این موضوع، یعنی تعداد روستاهای شایان دقت است.

جغرافیای خطه‌ی سیستان رخت برپست و از آن پس در این سرزمین شهری نروید^ه که توانایی کشیدن بار تمدن را داشته‌باشد؛ تمدن را مدینه‌ها می‌سازند و بر پایه‌ی مدینه/ شهر است که مدنیت شکل می‌گیرد و علل و اسباب آن به‌ظهور می‌رسد؛ آن گاه که پایه‌های شهر متزلزل گشت، رواج علل و اسباب شهرنشینی و پی‌آمدهای آن ناممکن می‌شود- چنان که در سیستان شد-.

این وضعیت شش هفت قرن به درازا کشید؛ به جای شهرهایی برآمده از مدنیت پیشینه‌دار سیستان روستاهایی از دل خاک برآمد که تلاش تمام‌وقت باشندگان آن‌ها مصروف سیرکردن شکم می‌گشت و نه بیشتر!

و چنین شد که موضوع آموزش تنها منحصر ماند در دست چند نفر ملای معمولی که ساکنان روستاهای تانندازه‌ای بزرگ‌تر بودند و طبیعتاً حقوق‌بگیر سر خرمن اهالی از جیره‌ی زراعت آنان.

برای چنین نوعی از زندگی، سواد و تحصیل و یادگیری فرع بسیار بی‌اهمیتی است در کنار اصل اساسی خوراک و تاحدی پوشاک- که از این آخری می‌شد به حداقل قناعت کرد- ولی سیرنکردن شکم ناممکن بود؛ چون تولید مجدد وابستگی بی‌چون و چرا به آن داشت.

در این میان روستاهایی که امکان بهتری برای بهره‌گیری اساسی از آب هیرمند و هامون داشتند، اندک‌اندک رشد کردند و به آبروستا بدل گشتند. این توفیق ازجمله شامل چندین روستای زیر شد:

جزینک، دوست‌محمد خان، گوری، ، قلعه‌نو، بَزّی، بنجار، سدکی، سه‌کوهه، جلال‌آباد، نورمحمدخان، کَچیان، پلگی، رنده، آس قاضی، چلنگ، علی‌آباد و دولت‌آباد.

آبرُروستاهای نام‌برده در سایهٔ آرامش نسبی و برخورداری تقریبی از مواهب طبیعی و دست زدن به کشاورزی و دامداری مطمئن و تا حدودی نیز نساجی، یعنی تنها مشاغل ممکن در سیستان آن روز، فرصت آن را یافتند که اندکی نیز به وضعیت فرهنگی

خویش سروسامان بدهند؛ بنابراین حوزه‌ها و حلقه‌های درسی در همین روستاهای سیستان تشکیل شد که بزرگانی نظیر پدر آیت‌الله مظهری، پدر آیت‌الله زابلی و خانوادهٔ آیت‌الله سیستانی، آیت‌الله سید علی‌علی‌آبادی، حجت‌الاسلام سید حسین حسینی چلنگی، میر سید علی صدر حسینی طباطبائی و فرزندان ایشان(صدرحسینی، ۱۳۸۸، ص۶۳) ، آیت‌الله‌العظمی سید صدرالدین محمدعلی مجتهد حسینی طباطبائی(همان، ۱۵۸) و آیت‌الله حاج سید اقبالزrk حسینی طباطبایی و سید بهاءالدین حسینی طباطبایی و حاج سید نصرالدین حسینی طباطبایی و حاج سید معین‌الدین حسینی طباطبایی و آیت‌الله سید علی خداداد حسینی(همان، ۳۵۳) و خواهرزادهٔ ایشان، حجت‌الاسلام سید محمدتقی حسینی طباطبایی و شیخ محمدرضا مجتهد سیستانی حکیمی (قائمی) (سیاسر، ۱۳۹۲،ص ۷۵) و آیت‌الله شیخ محمدعلی شریعتی شریفی (همان، همان جا) و فرزند ایشان آیت‌الله حاج میرزا ابراهیم شریفی از همین حوزه‌ها برخاستند.

نخستین روستا از این سنخ روستاها «علی‌آباد» بود که به همت آیت‌الله سید علی‌علی‌آبادی صاحب حوزهٔ علمیه شد (شهید حجت‌الاسلام …، ۱۳۸۸، ص نه) و گویا دومین روستا بنجار (محمودی، ۱۳۹۴، ص ۲۵) باشد که شمار زیادی از اسل و دیگر حوزهٔ در دامان خویش پرورده است و دیگر حوزهٔ علوم دینی شهر زابل که بعدها به‌وسیلهٔ آیت‌الله‌العظمی سید صدرالدین محمدعلی مجتهد حسینی طباطبائی نوۀ آیت‌الله سید علی‌علی‌آبادی تأسیس شد. پس‌ازاین حوزه نوبت به حوزهٔ علمیهٔ دیگر شهرستان زابل به سرپرستی آیت‌الله حاج میرزا ابراهیم شریفی می‌رسد.

با توجه به این پیشینه‌ی مختصر که بیان شد، فضل تقدم در تعلیم و تربیت از آنِ روستاهای بزرگ سیستان بود.

گفتیم که این روستاها پیشینه‌ی پانصد ششصد ساله داشتند؛ اما شهر زابل که می‌بایست برای بار دوم^۷ مرکز سیاسی و اداری^۸ سیستان باشد، هنوز متولد نشده‌بود که سرانجام شد!

پیدایش محیطی به نام زابل، شهر نوپای زابل- که امروز در نقشه ی جغرافیایی ایران جای مشخصی دارد و دیروز نداشت- آن قدرها هم که می‌نماید، روشن نیست؛ حتی در همین یک قرن نیز تفاوت آرا و اقوال بسیار است که در این جا با حذف اطلاعات نادقیق و نالازم به‌کوتاهی به آن می‌پردازیم.

نگارنده بنای حوزه‌ی جغرافیایی ویژه‌ای را به نام شهر زابل برآمده از یک ضرورت اداری می‌داند که تا کنون هم درمورد آن تحقیق جامعی صورت نگرفته؛ اما این قدر هست که گزینش هریک از آبرُروستاهایی که شمردیم، برای این منظور، ممکن بود با یکی از هدف‌ها یا ملاحظات سیاسی- اجتماعی جاری در منطقه تعارض داشته‌باشد؛ یکی از این تعارض‌های ممکن و شاید مهم‌ترین آن‌ها به نظر نگارنده رقابتی بود که بعداً می‌توانست میان این مراکز مستعد برای حاکم‌نشین شدن بروز کند و در این میانه باز هم ممکن بود جانب‌داری یکی از دو دولت فخیمه‌ی روس و انگلیس هم- که

سیستان را لقمه‌ی آماده و لذیذی برای بلعیدن دیده‌بودند- از این با آن قطب به نتیجه‌ای ناخوشایند بینجامد که جای تفصیل موضوع در این جا نیست. هرچه بود، اندکی پیش از سال ۱۲۸۳ هـ.ق. مطابق ۱۲۴۵ هـ ش. و برابر با ۱۸۶۶ م. در همان جایگاه که بعدها مرکز اعمال مستقیم و بی‌شرمانه‌ی دیدگاه‌های این دو قدرقدرت وقت قرار گرفت، از ترکیب دو روستای کوچک کم‌اهمیت نصرآباد^۹ و حسین آباد در ۲۱۶ کیلومتری مرکز استان سیستان و بلوچستان و ۱۸۲۳ کیلومتری تهران ملغمه‌ای به نام شهر پیدا آمد و نیرویی نظامی در آن مستقر گردید که تا سال‌ها به «شهر» نام‌بردار بود و آن گاه در شه‌ریور سال ۱۳۱۴شمسی به‌موجب تصویب‌نامه‌ی هیئت وزیران، «زابل» نام گرفت.

تاسیس این شهر^{۱۰} آغازی بود بر اعمال حاکمیت استوارتر یا حاکمیت نهایی ایران بر سیستان، به رغم ادعاهای افغانستان نوپا بر این منطقه و به رغم خواست ناجوان‌مردانه‌ی انگلیس که اراده کرده‌بود برای ادامه‌ی حاکمیت خود بر هندوستان، بخش باقی‌مانده از غارت پیشین خود را از سیستان بزرگ نیز به‌رسم

پیشکشی به افغانستان واگذارد تا به‌وسیله‌ی تأسیس یک منطقه‌ی حایل میان روس و هند ادامه‌ی تسلط خود را بر هند تضمین نماید.

مأموران و جاسوسان ریز و درشت انگلیس به پهانه‌های واهی، مرتب در این منطقه حضور می‌یافتند و تقریباً آنچه از تأسیس این شهر تازه می‌دانیم، از یادداشت‌های آنان است. در این زمینه نوشته‌های مأموران بارز و مخفی انگلیسی خواندنی است.^{۱۱}

در این سال‌ها که اوج رواج شهرنشینی از نوع جدید است و بازار و قلعه و برج و بارو و استحکامات شهر شکل می‌گیرد و به روایتی حدود ۵۰ تا صد باب مغازه در شهر ایجاد می‌شود، خبر قابل ملاحظه‌ای از دگرگونی سبک تعلیم و تربیت در شهر به چشم نمی‌خورد و هنوز گویا مکتب‌های سنتی عهده‌دار امر تعلیم و تربیتند.

دو نکته نیز در این میان گفتنی است؛ یکی آن که روستاها و به‌ویژه ابرروستاهایی که تا این جا از آن‌ها نام بردیم، به‌دلیل احداث شهر و افزونی روزبه روز اهمیت آن، باید اهمیت و مرکزیت خود را برای تعلیم و تربیت از کف داده و این مهم را برعهده‌ی شهر تازه‌تأسیس گذاشته‌باشند که به هر حال دارای نظام و شکل و شیوه‌ی زندگی شهری است و باید بتواند برای آینده نیروی لازم دیوان‌سالاری موردنیاز خود را تأمین نماید.

نکته‌ی دوم این که وجود حدود صد مغازه در شهر خبر از رونق تجارت و وفور رفت‌وآمد و حضور انبوه باشندگان می‌دهد و ناگزیر برای چنین حجم عظیمی از مردم باید آموزشی نظام‌مند پی‌ریزی شود؛ اما نمی‌شود؛ شاید بتوان این موضوع را از لابه لای برخی از مطالب ثبت شده در تاریخ روشن کرد. ابتدا به این پرسش اساسی می‌پردازیم که پیشرفت علمی و فرهنگی زابل، این شهر تازه از دل تاریخ برخاسته به سود که و به زیان کیست.

پاسخ منطقی این پرسش باید آن باشد که به نفع همه است؛ چون زندگی آسان‌تر و خردمندانه‌تر می‌شود؛ اما آیا در یک زندگی کاملاً خردمندانه و عقلایی جایی برای سوء استفاده‌ی فرصت‌طلبان باقی می‌ماند؟

پاسخ این پرسش هم مطمئناً منفی است؛ پس بیاییم از این منظر نگاه کنیم و برگردیم به آنچه پیش از این گفتیم؛ انگلستان می‌خواهد سیطره‌اش را بر هند حفظ کند و باید برای امنیت خودش، این سیطره را تا درون ایران گسترش دهد تا از خطر نفوذ روس در این مناطق بکاهد و درنتیجه از دوام و بقای خود مطمئن باشد؛ از آن سو هم روس‌ها- که قرن‌هاست

سودای دست‌اندازی به آب‌های آزاد را در سر می‌پرورانند- با تسخیر مناطق سنتی ایران، ماوراءالنهر و ترکمنستان کم‌کم دارند به سوی جنوب سراریز می‌شوند و البته بهترین گذرگاه برای آنان دالان خراسان و سیستان است. برای این منظور هردو، به وسایلی که می‌انگیزند، جای پای خود را در سیستان محکم می‌کنند؛ انگلستان- که پیش‌تر بخش عظیمی از شرق ایران را جدا کرده و کشوری به نام افغانستان تشکیل داده- اینک درصدد است که مدیریت آب هیرمند را نیز در دست بگیرد و با این ترفند گلوگاه اقتصادی ایران را برای گرفتن امتیاز بفشارد؛ بنابراین باوجود مخالفت‌های مکرر مردم، گام به گام در داخل ایران پیشروی می‌کند و در شهر جدید زابل ارگ و بارگاهی می‌سازد که طبق پیش‌بینی عمال وی باید بدل به بزرگ‌ترین محل استقرار انگلیسیان در ایران گردد.

روس‌ها که احساس می‌کنند قافیه را باخته‌اند، طاعون را علّم می‌کنند و به مقامات ایرانی اخطار می‌دهند که طاعون از سمت شرق به سوی ایران در حال پیشروی است و زودا که تهران را نیز درنوردد. چاره‌ی کار این است که ما مرزهای شرقی ایران را امن نگه داریم؛ حکومت درمانده‌ی ایران هم به این امر رضایت می‌دهد و درنتیجه به‌همت روسیان دل‌سوز همنوع‌نواز، به سرعت باد و برق پانزده ایستگاه فرظینه در مرزهای شرقی ایران برپا می‌گردد؛ هدف نهایی و نقطه‌ی آخر، سیستان است. این هر دو رقیب به آرزوی دیرینه‌ی خود، یعنی استقرار در سیستان می‌رسند.

دو کنسولگری پر و پیمان روس و انگلیس تقریباً نزدیک به هم؛ یکی در این سوی میدان و دیگری در آن سو، به‌فاصله‌ی تقریباً ۵۰۰ متر از هم، یک‌دیگر را، زیر نگاه‌های تیزبین ارزیابی می‌کنند و درست، مثل تیغه‌های قیچی- که مخالف همد- برای بریدن ریشه‌های فکر و علم و دانش و استقلال درحال رشد مردم زابل همسو عمل می‌کنند. روش‌ها هم آن چنان زیرکانه و ماهرانه است که مردم بی‌پناه میان این دو قطب متضاد گاهی به این سو و گاهی- بی آن که بخواهند- به آن سو جذب و جلب می‌شوند و آن‌گاه که این دو قطب منفی سیاست، منافعشان هم‌سو شود یا به تقسیم عادلانه‌ی منافع با هم توافق کنند، آن چنان با هم دل یک‌دله می‌کنند و از هم تعریف می‌کنند که خواندنی است:

«ساختمان کنسولیاری روسیه با دیوارهای بلند و گلی به رنگ مات … داخل ساختمان بسیار راحت است. صاحب این خانه، آقای میلر، کنسول روس، به‌راستی مردی باهوش، لایق و زبان‌شناس فوق‌العاده‌ای می‌باشد و در عین حال افسری کارآمد و لایق برای کشورش محسوب می‌شود». (هنری ساوج

لندور، به نقل از احمدی، ۱۳۷۸: ۵۹۸).

مردم بی‌پناه و بی‌اطلاع سیستان از مقاصد سوء این دو، گاهی به دامن این می‌افتند و گاهی به دامن آن؛ سیاست ناموزون و بی‌مسئولیت داخلی نیز- که خود باعث آن همه عقب‌ماندگی است- خواسته یا ناخواسته با انتصاب حاکمان بی‌مسئولیت بر این منطقه‌ی خطیر ایران، اوضاع را آشفته‌تر می‌کند. جنگ قدرت میان حاکمان دست‌نشانده‌ی حکومت قانئات که ده‌ها سال است سرنوشت سیستان در کف باکفایت آنان است و فقط خون‌ریزی‌ها و خرابی‌های بی‌شمار بر سر تصاحب مقام و موقعیت برای این مردم بی‌پناه به ارمان آورده، مدام در جریان است. در حالی که خود حاکمان، سری در پای‌تخت آشوب‌زده‌ی معلق میان مشروطه و استبداد دارند و برای به‌دست آوردن حاکمیت منطقه یا تثبیت آن، به دامن این و آن روسوفیل و انگلوفیل یا سفارت‌خانه‌هایشان چنگ می‌اندازند، این عوامل موجب شده‌است که از ارتقای فکری و علمی مردم خوش‌حال نباشند؛ از آن استقبال نکنند و روی خوش به آبادانی نشان ندهند؛ تنها به آوردن یک سند در این مورد بسنده می‌کنیم که از خلال آن می‌توان به درجه‌ی مکاری سلطه‌گران و سیه‌روزی مردم بی‌پناه پی برد:

«در دوره‌ی حکومت رکن‌الدوله بر خراسان، قایبات و سیستان، وی تصمیم گرفت برخی تأسیسات عمومی را در سیستان ایجاد کند؛ به همین دلیل میرزا حسین را به سیستان فرستاد تا در آن جا مسجد، حمام و بازار ایجاد کند؛ لیکن ابراهیم‌خان- که از بزرگان سیستان بود- وی را از این کار منع کرد و حتی او را تهدید به مرگ نمود؛ حشمت‌الملک دوم نیز به او پیام داد:

شنیده‌ام می‌خواهید کارهای عمرانی در سیستان انجام دهید؛ اگر حقیقت داشته‌باشد، سیستان را خراب خواهیم کرد!

چون میرزا حسین این پیام را دریافت کرد، از انجام اقداماتش منصرف شد؛ در بخشی از این پیام به حشمت‌الملک اعلام کرد:

سیستان مسجد، حمام و بازار نیاز ندارد؛ به این بهانه می‌خواهند ولایت ما را صاحب شوند و ما را تحت فرمان خود درآورند». (پیری، ۱۳۸۹: ۲۲۵).

مانع دیگر در راه گسترش معارف، بلایی است که دقیقاً نمی‌توان تعیین کرد به تدبیر آمده‌است یا به تقدیر؛ شیوع طاعون و پراکندن این جمع بی‌پناهی که از بد حادثات در شهر نوپایی به نام زابل گرد آمده‌بود و امان و پناهی می‌جست.

^[1] نگارنده سیاه‌های از این مدارک را در پیش‌گفتار جلد نخست کتاب گویش سیستان آورده‌است. می‌توان به آن جا مراجعه کرد

به این مطلب توجه کنیم:

درست چهل سال پس از شکل‌گیری شهری نیم‌بند به نام زابل، براساس مدارک موجود، در سال۱۹۰۶ مطابق با ۱۲۸۵ ش. ناگهان بالای خانمان‌سوز همه‌گیر طاعون شهر را درنوردید؛ به‌نجوی که از ۷۰۰۰ نفر جمعیت این شهر در آن بحوحه «از جمعیت حسین‌آباد فقط ۲۰۰۰ نفر مانده‌بود؛ اما از نصرت‌آباد تقریباً کسی نمانده‌بود. در آن جا فقط حدود ۱۰۰ نفر دیگر به سر می‌بردند که بیشترشان یا سرباز بودند یا گدا. شهر خالی از مأمور دولتی بود. همه‌ی دکان‌ها و بازارها بسته‌بودند و خیابان‌ها خالی و ویران». (هدین، ۱۳۸۱: ۶۷۰).

سال‌ها باید در انتظار بمانیم تا شهر بازسازی شود؛ جمعیتی نو در آن فراهم آید و لزوم برقراری پایگاهی برای نشر علم و معارف احساس گردد.

حادثه‌ی دل‌خراش دیگری که موجبات عقب‌ماندگی این شهر نواخته‌است را رقم زد، درگیری میان خانواده‌ی سران حاکم بر زابل بود که موجبات خرابی‌ها و ویرانی‌های بسیاری را در شهر فراهم آورد و تأسیس مدارس در گیرودار این قضایا باز سال‌ها به‌تأخیر افتاد.^{۱۲}

در هرحال تحصیل علم– که برخی از اقتصار جامعه در هر شرایطی خود را از آن ناگزیر می‌بینند– در سیستان نیز با همه‌ی مشکلات موجود طرف‌دارانی دارد و پایگاه‌هایی نیز. این پایگاه‌ها معمولاً به دو دسته تقسیم می‌شوند: حوزه‌های علمیه و

مکتب‌خانه‌های سنتی. از آن جا که تحصیل در حوزه‌های علمیه شرایط و مقررات ویژه‌ای داشت و هرکسی نمی‌توانست به آن‌ها وارد شود، مکتب‌خانه‌های متعددی در روستاها و شهر زابل این مهم را برعهده داشتند و این وظیفه را کماکان انجام می‌دادند که در زمان مورد مطالعه‌ی ما نیز رواج داشتند و طرفه آن که نخستین مکتب از این نوع– که در آن زمان شناسایی شده– درست هم‌زمان با شیوع طاعون، یعنی ۱۲۸۵ ش. همان سال دربدری و مرگومیر فراگیر مردم سیستان دایر است.^{۱۳}

با وجود این شاید مکتب‌خانه‌های سنتی دیگر از عهده‌ی انجام وظیفه برنمی‌آمد که در سال ۱۲۸۷ مدرسه‌ی علمیه‌ی «صمصامیه» به همت محمدرضاخان خزیمه ملقب به صمصا م ا لد و له ^{۱۴}، نایب ا لحکومه ی سیستان پایه‌گذاری شد و منازعاتی که از آن پس تا حدود سال ۱۲۹۹یعنی تا پایان دوره‌ی قاجار بر سر تصاحب سیستان میان اعضای خانواده‌های حاکم سنتی خزیمه و علم جریان داشت، احداث مدارس واقعی را به‌عهده‌ی تعویق انداخت و تنها در سال اخیر است که نخستین مدرسه به سبک و شیوه‌ی جدید به نام «مدرسه‌ی احمدیه» با مسئولیت سید محمد فرزانه^{۱۵} در شهر زابل گشایش می‌یابد. این مدرسه در ابتدا بدون دریافت

صمصام‌الدوله حاکم سیستان

کمک‌های دولتی اداره می‌شود^{۱۶}. در سال ۱۳۰۱ اداره‌ی معارف سیستان تشکیل می‌شود و رئیس مدرسه‌ی احمدیه همزمان ریاست اداره‌ی معارف را نیز برعهده می‌گیرد. نام مدرسه‌ی احمدیه از سال ۱۳۰۴ به «مدرسه‌ی پهلوی» تغییر می‌یابد و از سال ۱۳۰۵ دولتی می‌شود و هزینه‌ی آن را دولت برعهده می‌گیرد.

سید محمد فرزانه از این پس در پی تأسیس مدارس دیگری از نوع مدرسه‌ی دولتی پهلوی است؛ اما کارشکنی‌هایی که در این مسیر می‌شود، امکان احداث مدارس تازه را تا سال‌ها از وی می‌گیرد.

سید محمد فرزانه

آگاهی ما از سرگذشت یا تاریخچه‌ی آموزش و پرورش سیستان تا این جا مدیون و مرهون یک برگ سندی است که در سال ۱۳۸۶ش یافت شد.^{۱۷} این سند متن سخنرانی میرزا علی خان محمودی، حکمران وقت سیستان و رئیس هیئت متحنه‌ی مدرسه‌ی پهلوی زابل در سال ۱۳۱۲ ش. است، در این سخنرانی آمده‌است که:

«در بیست و چار سال قبل (یعنی در سال ۱۲۸۸) که این بنده به سیستان آمدم، یک مدرسه‌ی سه کلاسه در حسینیه‌ی فعلی شهر زابل^{۱۸} دارای قریب شش نفر محصل بی‌بضاعت و دو نفر معلم موظف بود که حقوق معلمین و مصارف تحصیل محصلین

را آقای امیر محمدرضا خزیمه، حاکم سابق برعهده گرفته، دوسه نفر از مأمورین ادارات دولتی که برحسب تقاضای بانی محترم، دروس تاریخ، جغرافی و حساب را افتخاراً عهده‌دار بودند و حقیقتاً همان مؤسسه‌ی مختصر برای آن اوقات این محل که اهالی آن به‌کلی از خواندن و نوشتن محروم بودند؛ به‌منزله‌ی یک دارالعلم عالی بود. تدریجاً همان مدرسه درائر مجاهدت فکری و عملی چند نفر از مأمورین ذی‌علاقه تحت هدایت و حمایت آقای امیر خزیمه از حسینیه به منزل وسیعی منتقل و عده‌ی محصلین و ضروریات تحصیلی توسعه داده‌شد. برای تکافو و تأمین مصارف آن نیز تجار را حاضر کردند. از هر عدلی مال‌التجاره که برای مصرف محل یا عبور به نقاط دیگر وارد گمرک بشود، پنج شاهی به نام اعانه پیردازند و چون همین مبلغ ماهیانه از سیصد تومان تجاوز و موجبات امیدواری به رونق مدرسه را فراهم می‌نمود، وجود مدیرو معلم لایقی را ایجاب می‌کرد؛ بنابراین آقای حاج میرزا سید محمد فرزانه از تربیت‌یافتگان ممتاز و فارغ‌التحصیل‌های عالی مدرسه‌ی متوسطه‌ی شوکتیه‌ی بیرجند– که مستغنی از تعریف و چند و چون است– برحسب خواهش دوستان خود، شاید زندگی در سیستان را قبول نموده، نمایندگی معارف و مدیریت مدرسه را بر دمت همت گرفته به‌اتفاق سه نفر معلم میرز از نجبای تکمیل‌شده‌ی مدرسه‌ی شوکتیه به سیستان وارد و درحقیقت ستاره‌ی اقبال سیستانیان را طالع فرمودند. این سید اصیل که علاوه بر معلومات جدید، از حیث علوم قدیم نیز فقهی حکیم و در فضایل نفسانی و امتیازات روحانی دارای مقامی ارجمند بود، بدون ترس از غوغای شریعت و سیاست لدی‌الورود با یک شور و عشق سرشاری که بی‌خردان

۱۹ سیاسر و رخشانی، همان.

۲۰ سه‌کوهه یکی از همان ابرروستاهایی است که از آن‌ها نام بردیم؛ روستایی که استعداد شهر شدن را شاید بیش از سایر مناطق سیستان داشت؛ اما به دلایل بسیار چنین نشد. از شگفتی‌های روز گار آن که این روستا در زمان ناصرالدین شاه قاجار نامزد شهر شدن گردید و حتی برای تأسیس منطقه‌ی نظامی دارای کارگاه توپ‌ریزی آمادگی یافت و دست‌کم سه عراده توپ مستقر در سه‌کوهه را در سال ۱۲۳۴ش در همان محل ساخته و پرداخته‌اند(محمدی خمک، ۱۳۹۲: ۱۸۱). در سفرنامه‌های جهان‌گردان خارجی تقریباً همه جا به‌عنوان پای‌تخت (قریه)، به نقل از احمدی، ۱۳۷۸: ۱۰۲) و مرکز سیستان نام‌بردار است؛ گلدسمیت نیز این ابرروستا را «شهر سه‌کوهه» نام می‌نهد.(گلدسمید، به نقل از احمدی، ۱۳۷۸: ۲۸۴).

۲۱ سردار علی‌خان پردلی در دوره‌ی شانزدهم مجلس شورای ملی به عنوان اولین نماینده‌ی مردم سیستان انتخاب شد؛ ولی مدت کوتاهی این سمت را عهده دار بود و بر اثر سکنه‌ی قلبی از دنیا رفت. معروف است که سردار علی خان در کارهای عام‌المنفعه از پیشگامان بود و درسال‌هایی که سیستان با خشک سالی و قحطی مواجه شده بود، ده‌ها خانوار از سراسر سیستان به سکوهه رفته و تا پایان خشک‌سالی روزانه جیره‌ی غذایی دریافت می‌نمودند. برای اطلاعات بیشتر به این نشانی مراجعه نمایید:

۲۲

این مدرسه برای نگارنده یادآور یکی از تأثیرگذارترین مطالبی است که تاکنون شنیده‌است؛ داستان از این قرار است که پدر نگارنده– که در آن تاریخ به‌گفته‌ی خودشان ده–یازده‌ساله بوده، داستان تأسیس این مدرسه را از زبان دایی‌اش، میرزا فداحسین عمرانی– که خودش از نخستین فارغ‌التحصیلان مدرسه‌ی احمدیه و در زمان افتتاح دبستان دوست‌محمدخان معلم دبستان پهلوی زابل بوده– می‌شنود. نام میرزا فداحسین در دو سیاهه‌ی حقوق‌بگیران این نوشته به‌عنوان معلم آمده‌است؛ طبق شواهد موجود و اطلاعات نوه‌ی ایشان، امیر (یعقوب یادی مقدم) ایشان از ۱۳۱۰ به‌بعد به اداره‌ی آمار و ثبت احوال زابل انتقال یافته‌اند. پدر سواد خواندن و تاحدودی نوشتن مکتبی مقدماتی را نزد خانواده‌شان– که به‌شکل سنتی متولی سوادآموزی معمول در روستای ملاعبدهالله میانکنگی و چند روستای نزدیک بوده– در این سن و سال آموخته و نیمه‌سوادِی به‌هم زده و از آن پس موظف می‌شود که تا رسیدن به سنی که بتواند مثلاً مکتب را شخصا سرپرستی کند، به کمک پدر در امور کشاورزی و دامداری بپردازد؛ بنابراین، به روایت خودشان، وظیفه‌ی به‌جرا بردن گوساله‌های متعلق به خانواده به عهده‌ی ایشان و یکی دو هم سن و سال دیگر واگذار می‌شود.

پدر روزهای بلند تابستان آن سال را به چرانیدن گوساله‌ها می‌گذراند که اوایل پاییز خبر گشایش مدرسه‌ی دوست‌محمدخان می‌آید. می‌گوید از وقتی این خبر را شنیدم، چون هیچ تصویری از چنان محیطی نداشتم، کنجکاوانه بر آن شدم که بدانم مدرسه چیست و چه‌گونه جایی است و …؛ روزها این فکر و خیال مرا به خود مشغول می‌داشت؛ مسئولیت مراقبت از گوساله‌های ریز و درشت از یک سو و مسافت تقریباً ده–دوازده کیلومتری میان روستای ما تا روستای دوست‌محمدخان از سوی دیگر موانع مهمی در این قضایا بودند. گفته‌های دایی‌ام، میرزا فداحسین، آن چنان تأثیر ماندگاری در من گذاشته‌بود که یک روز، حس کردم که دیگر نمی‌توانم از پس این کنجکاوی برآیم و باید بروم و مدرسه را از نزدیک ببینم. می‌گوید به هر ترفندی بود، رضایت همراهان را جلب کردم که مسئولتم را به آنان واگذارم و مخفیانه به زیارت مدرسه بروم. آن روز از خوش‌حالی دیدن مدرسه تقریباً تمام آن مسیر را دویدم و نیمه‌جان، خودم را به پشت در اتاقک خشتی درسته‌ی کلاس درس رساندم و بقیه‌ی مدت را فقط از پشت در به سروصدای درهم و برهم دانش‌آموزان گوش دادم؛ اما تأثیری باورنکردنی در خویش یافتم و آرزو کردم من نیز بتوانم در سلک دانش‌آموزان مدرسه درآیم؛ اما چون سیاست فکری بیرجند خدمت کرد و تقریباً ۳۰ دبستان در نقاط مختلف قاننات بنیان که از این مهم با پدرم سخن بگویم؛ درعین حال یک خط در میان– تا آن جا که می‌توانست– به‌هم‌بازی‌ها اعتماد کنم تا رازم را آفتابی نکنند، به مدرسه می‌رفتم و البته مثل همان روز اول، به این امید که هم در آن جا چیزی را از دست ندهم و هم در این جا غیبتم افشا نشود، همه‌ی راه را می‌دویدم. این موضوع دو سه ماهی ادامه

حمل بر جنونش می‌کردند، شروع به کار نموده، در اوایل برای تأسیس و تنظیم کلاس‌های مختلفه علاوه بر اشتغال تمام مدت روز، یک عده از محصلین مستعد را تا پاسی از شب در منزل خود تعلیم داده، برای کلاس‌های چهار و پنج حاضر می‌کرد. با این که اهل منبر نبود، غالباً در مواقع فرصت منبر رفته، اهالی را به تحصیل علم دعوت …».

بقیه‌ی این سند هنوز یافت نشده‌است.

بد نیست در این جا نگاهی به سیاهه‌ی اسامی و حقوق کارکنان مدرسه بیندازیم^{۱۹}:

سید محمد فرزانه	مدیر	600 ریال
سید مرتضی شیوا	ناظم	350 ریال
میرزا ولی‌الله رنوی	معلم	300 ریال
میرزا ابدالله		250 ریال
میرزا		150 ریال
آقا شیخ محمد (مامی)		60 ریال
میرزا فداحسین (عمرانی)	معلم	90 ریال
سید حسین (قانع)		90 ریال
قاسم	فرائض	90 ریال
حسن فرائض		90 ریال
جمع		2040 ریال

سید محمد فرزانه	مدیر	600 ریال
سید مرتضی شیوا	ناظم	350 ریال
میرزا ولی‌الله رنوی	معلم	300 ریال
آقا شیخ عباس		150 ریال
میرزا فداحسین (عمرانی)	معلم	100ریال
حاجی شیخ محمد		80 ریال
شاه قلی خان سرلندی		60 ریال
قاسم	فرائض	90 ریال
حسن		60 ریال
قاسم (فرائض)		40 ریال
جمع		1830 ریال

مدرسه‌ی احمدیه تا سال ۱۳۱۰ پنج پایه‌ی تحصیلی داشته و در همین سال کلاس ششم نیز افزوده شد و تعداد ۸ نفر در این تاریخ اولین کسانی هستند که در زابل مدرک ششم ابتدایی گرفتند و البته این موضوع فصل تازه‌ای در آموزش و پرورش زابل می‌گشاید.

تا این جا در تمام منطقه‌ی سیستان تنها همین یک مدرسه دایر است و اقدامات سید محمد فرزانه برای تأسیس مدارس دیگر، به دو دلیل نقش بر آب می‌شود؛ دلیل نخست، استادگی طبقاتی و فکری و مکتب‌داران ناآگاه است که جداً در این راه مانع‌تراشی می‌کنند و این نوع مدارس را مغایر با هدف‌های دینی قلمداد می‌کنند؛

دلیل مهم دیگر کمبود بودجه‌ایست که پس از دولتی شدن مدارس، گریبانگیر اداره‌ی معارف وقت می‌شود و این موضوع موجبات نگرانی خواستاران مدارس را فراهم می‌آورد؛ اما از سال ۱۳۰۶ باز هم با تشویق‌های فرزان– که حالا دیگر ریاست معارف را به او سپرده‌اند– کوشش‌های پی‌گیرش به بار می‌نشیند و مدارس دیگری در زابل و حومه تأسیس می‌شود؛ نخستین مدرسه‌ی خارج از شهر زابل در روستای سه‌کوهه^{۲۱} دایر می‌گردد. زمین و مخارج ساخت این مدرسه را سردار علی‌خان پردلی^{۲۲} برعهده می‌گیرد.

دومین مدرسه نیز در همان سال ۱۳۰۶ به همت فرزانه و با نام مدرسه‌ی فرخی در روستای دوست‌محمدخان با یک قطعه زمین اهدایی حسین خان سارانی آغاز به کار کرد^{۲۳}. در سال ۱۳۰۷ نیز دبستان نسوان سیستان با

^[1] ۴

^[2] ۱۳۹۱: ۵۸–۵۵) و نیز (سیاسر و رخشانی، ۱۳۸۹: ۲۳–۲۱).

^[3] منظور همان مدرسه‌ی علمیه‌ی «صمصامیه» است.

^[4] ۵

دو کلاس آغاز به کار کرد که بعداً به نام دبستان ۱۷ دی بدل به یکی از معروف‌ترین مدارس زابل شد.

در سال ۱۳۰۸ نیز خان ملک کیانی^{۳۳} مدرسه ی جلال‌آباد سیستان را با هزینه‌ی شخصی بنیاد گذاشت که از نظر طرح و برنامه کاملاً پیرو اداره‌ی معارف سیستان بود؛ اما هزینه‌های آن را خان ملک برعهده گرفت.

خان ملک کیانی، مؤسس مدرسهٔ جلال‌آباد سیستان

گویا مقرر است که به ازای هر سال یک باب مدرسه به مدارس سیستان افزوده شود و در سال ۱۳۰۹ قرعه به نام بنجار،^{۳۴} در مجاورت شهر زابل می‌افتد و یک مدرسه‌ی دو پایه به نام رودکی در این روستای بزرگ مرکزی سیستان احداث می‌شود. این مدرسه بعدها بسیاری از رجال فرهنگی و اجتماعی سیستان را به جامعه تحویل می‌دهد.

شهر زابل و عموماً کلّ منطقه‌ی سیستان تا سال ۱۳۱۵ فاقد دبیرستان است و در این سال است که دبیرستان پهلوی زابل با یازده دانش‌آموز– که همه فارغ‌التحصیلان دبستان پهلوی هستند– تأسیس می‌گردد.

مدرسهٔ پهلوی زابل، سال ۱۳۱۵

مدرسهٔ پهلوی زابل، سال ۱۳۱۵. در این مدرسه، اولین دبیران و دانش‌آموزان مدرسهٔ پهلوی زابل، به‌همراه معلمان و مدیران، به‌تأسیس مدرسهٔ پهلوی زابل پرداخته‌اند.

یافت و من سرمای تاب‌فرسای زمستان را هم چنان تحمل می‌کردم تا مدیر– معلم دبستان تشخیص داد من جدای از بیکاران کنجکاوی هستم که هر روز و هر ساعت اراده کنند، از مدرسه‌ی بدون دیوار داخل می‌شوند و هیاهو راه می‌اندازند و می‌گزیند؛ از این رو گاهی مرا به داخل کلاس دعوت می‌کرد؛ اما همیشه بیم داشتم که مبادا شخص آشنایی در این روستا پی به رازم ببرد و خبر از این طریق به گوش خانواده‌ام برسد.

سال تحصیلی به همین ترتیب، افتان و خیزان به پایان رسید و ایشان لطف کرد و مرا در امتحان پایان سال درشمار شاگردان مدرسه قلمداد کرد و در آزمون‌های پایانی شرکت داد و اعلام کرد که سال بعد می‌توانم بیایم و رسماً در کلاس دوم دبستان بنشینم. این بزرگ‌ترین مژده‌ی زندگی‌م بود؛ اما هنوز هم نمی‌توانستم آن را با خانواده‌ام در میان بگذارم؛ ناگزیر تا اواسط مهر سال بعد دندان روی جگر گذاشتم و تاب آوردم؛ بازگشایی مدارس که انجام شد، به دیدن مدیر رفتم. ایشان یک جلد کتاب که قرار بود به‌عنوان متن درسی کلاس دوم استفاده کنیم، به من هدیه داد.

فرصت نکردم کتاب را حتی ورق بزنم؛ همین قدر به‌خاطر دارم که جمله‌هایی از کتاب فراند الادب در آن نوشته‌بود. تصورم این بود که حالا دیگر خانواده باید برای این افتخار بزرگ، روستا را برایم آذین ببندند و مرا بافتخار در روستا بگردانند تا دیگران ببینند؛ اما نه‌تنها چنین نشد؛ که پدر با اوقات تلخی ماجرا را خاتمه داد ولی در برابر اشک‌های جاری من گفت که باید با عموهایم و بزرگ تره‌ای فامیل مشورت کند.

ناگزیر سحرگاه روز بعد شال و کلاه کردیم و همراه با مدارک جرم به قصد مشورت و کسب اجازه از عموهایم که آن هنگام آن سوی مرز قراردادی در سرزمینی که قرار بود افغانستان شود، یعنی در «علی‌مردان» و «امیران» سکونت داشتند، به راه افتادیم. ناگفته نماند که ما آن زمان مرزهای قراردادی را به‌رسمیت نمی‌شناختیم و جدی نمی‌گرفتیم و با وجود تهدیدهای ممکن، به‌سادگی از آن عبور می‌کردیم و این بار نیز چنین کردیم.

همیشه مسافرت برایم شادی‌آور بود؛ اما این بار دلهره‌ای شدید داشتم و عاقبت هم آمد به سرم از آنچه می‌ترسیدم. عموی بزرگم از این کار و از اقدام نستجیده‌ی خودسرانه‌ی من بسیار برآشف و چنین استدلال کرد که حکومت جدید ایران از دو طریق می‌خواهد رعیت‌هایش را شناسائی کند و آن‌ها را به اجباری ببرد– اجباری نام شایع دوران سربازی در آن دوران بود– یکی ثبت زمین به نام آنان است و دیگری فرستادن بچه‌هایشان به مدارس؛ بنابراین از این دو توطئه برحذر باشید؛ نه زمینی به نام خودتان به‌ثبت برسانید و نه اجازه بدهید فرزندانتان را در مدرسه ثبت نام کنند؛ چون دیگر «آدم» دولت می‌شوید و از خودتان اختیاری ندارید.

پدرم رو به من کرد و گفت نصیحت عمویت را گوش کن که خیر دنیا و آخرت تو در آن است؛ اما من اصرار داشتم که به دیدن عموی دیگرم نیز برویم شاید در این رفتن دریچه‌ای بگشاید. به اصرار من تا ساعت‌های متصادی پیاده راه پیمودیم تا به خانه‌ی عموی دیگرم رسیدیم. او نیز همان مطالب را تکرار کرد و افزود که به همین دلیل ما، در این سوی سیم (آن روزها مرز را سیم می‌نامیدند) مانده‌ایم و این بار نیز سیم می‌شویم و نگران حال شما هستیم که مبادا چنین اشتباهی مرتکب شوید. خدا را شکر که برادرزاده‌ام رسماً درشمار «نوکران» دولت درنیامده وگرنه باید از او قطع امید می‌کردیم.

این دو حجت قوی و مستدل، پدرم را در تصمیمش پابرجاتر ساخت؛ بدون فوت وقت به ایران برگشتیم؛ پدرم نگذاشت عرق پایمان خشک شود؛ همان روز کتابم را برداشت؛ به روستای دوست‌محمدخان برد و پس داد و مبالغی هم با مدیر اوقات‌تلخی کرد که چرا باید باعث بیچارگی کودکی بشود که هنوز خودش دست راست و چپش را نمی‌تواند تشخیص دهد!

داستان تحصیل پدرم به همین جا ختم شد؛ چاره‌ی کار را هم در آن دیدند که با ازدواجی زودرس دست و پایش را در پوست گردو بگذارند تا به‌دلیل پای‌بندی به اهل و عیال، این خیال خام خطرناک را از سر دور کند.

من بارها این موضوع را از پدربزرگ، ملامحمدحسن پرسیده‌ام و هر بار پاسخش این بوده‌است که همه می‌گفتند فرزندت دیگر متعلق به تو نخواهدبود؛ من چه می‌توانستم بکنم؟ همین یک پسر را که بیشتر نداشتم!

گرچه پدرم بعداً زودتر از وقت، به تقاضای خودش به سربازی رفت و با همان نیمه سواد توانست در سربازی برای خودش پست و مقامی دست و پا کند و بعد از پایان خدمت با آن پیشینه به استخدام اداره‌ی دارایی زابل درآید، حسرت آن ناکامی را هرگز نتوانست از لوح سینه بزاید و اگر با مطالعات مستمر، شعر و نثرش مشهور و زبانزد شد و همه را از برکت همان یک سال این پا و آن پا کردن پشت در کلاس می‌دانست، باز هم نتوانست آن ناکامی را به فراموشی بسپارد.

۲۳ [ملک] محمدعلی خان، معروف به خان ملک کیانی نو‌هی ملک محمود سیستانی است و با سه پشت به او می‌رسد؛ ملک محمود همان کسی است که پس از هجوم افغان‌ها در زمان شاه سلطان حسین صفوی توانست قسمت‌هایی از شرق ایران را تحت کنترل خود درآورد و مشهد را به‌عنوان پایتخت انتخاب کرد؛ ولی پس از جنگ‌های متعدد به‌دست نادر شاه به‌قتل رسید.

خاندان کیانی بیش از ۷۰۰ سال بر خطه‌ی سیستان حکمرانی کرده‌بود و این آخرین نفر از این سلاله همیشه سعی داشت نام ایران وسیستان را سر افراز نگهدارد و خاطره‌ی کیانیان باواسطه‌ی حضور او هنوز هم در ذهن مردم سیستان باقیست، دیگرمانند اجداد خود قدرتی برای مقابله با حوادث نداشت؛ زیرا دوران زندگی‌اش مصادف باحکومت رضاشاه و پایان یافتن حکومت ملوک‌الطوایفی ومحلی در ایران بود. ده‌ها داستان معروف از نجابت و سخاوت و شجاعت او هنوز هم بر سر زبان‌ها جاری است و یکی از آن‌ها داستان لگدکوب کردن قاپ عکس محمدرضاشاه پهلوی در مراسم رژه‌ی روز ۲۱ آذر در انظار همه‌ی تماشاگران است که می‌توان آن را در این نشانی خواند: (سیاسر، قاسم، تجدد، گروگان سنت، زاهدان، تفتان، ۱۳۹۴: ۱۳۹)؛ و دیگری ایستادگی شجاعانه‌ی وی برای احقاق حقابه‌ی مردم سیستان از رود هیرمند است که در بحبوحه‌ی فقرت حکومت در ایران، با صدور دستور بسیج عمومی مردم سیستان و گردآوری سپاهی از آنان، پیشاپیش مردم به محل تقسیم آب رفت؛ لباسی شاهانه پوشید؛ دستور داد درست در میانه‌ی رود هیرمند تختی برایش مهیا کنند؛ طبق روایات بر تخت جلوس کرد و پیش چشم عساکر مسلح افغانی دستور داد مسیر آب را به سمت سیستان بکشایند. این اقدام شجاعانه توانست سیستان را دوباره احیا کند.

بازمانده‌های ارگ خان ملک در نزدیک روستای شندل درمنطقه‌ی میانکنگی هنوز هم بر سر پا ایستاده و یادآور خاطره‌ی آخرین روزهای حکومت این خاندان است. خان ملک در سال ۱۳۳۲ هـ.ش وفات یافت. برای اطلاعات بیشتر نیز مراجعه کنید به نشانی زیر:

http://www.mysistan.mahtarin.com/

و نیز به «محمدی خمک، جواد، سیستان و رویداد نوزده بهمن هزار و سیصد و سی خورشیدی، ناشر مؤلف، ۱۳۹۲».

۲۴ بنجار در گذشته بیش از امروز اهمیت بازرگانی و علمی داشته‌است و مورد توجه جهان‌گردانی بوده‌است که به سیستان قدم نهاده‌اند؛ ازجمله‌ی اینان کاپیتان اوئن اسمیت است که از ۱۸۷۰ به بعد چندین بار به این منطقه سفر کرده و از بنجار به عظمت و آبادانی و وفور جمعیت نام برده‌است؛ رک.(احمدی، ۱۳۷۸: ۱۹۲).

منابع

۱. -----، تاریخ سیستان، تصحیح بهار، محمدتقی، ملک‌الشعرا، تهران، ۱۳۱۴.

۲. -----، شهید حجت‌الاسلام سید محمدتقی حسینی طباطبایی به روایت اسناد ساواک، ناشر مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۸۸.

۳. ابراهیم‌زاده، دکتر عیسی، سیستان خاستگاه مدنیت و شهرنشینی در شرق ایران، سازمان اسناد و کتاب‌خانه‌ی ملی، ۱۳۸۹.

۴. احمدی، دکتر حسن، جغرافیای تاریخی سیستان، سفر با سفرنامه‌ها، ترجمه و تدوین، ناشر مؤلف، ۱۳۷۸.

۵. اصطخری، ابواسحاق ابراهیم، مسالک و ممالک، به‌اهتمام ایرج افشار، تهران، شرکت سهامی انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۳۸.

۶. پیری، دکترمحمد، تاریخ سیستان در عصرقاجار، مشهد، سنبله، ۱۳۸۹.

۷. رئیس‌الذاکرین، غلام‌علی، پیشینه‌ی فرهنگ و مدارس سنتی سیستان، از جلد پنجم دانش‌نامه‌ی فرهنگ و تمدن سیستان و بلوچستان، تألیف قاسم سیاسر و دکتر محمدتقی رخشانی، حوزه‌ی هنری سازمان تبلیغات اسلامی سیستان و بلوچستان، تهران، آبنوس، ۱۳۹۱.

۸. سیاسر، قاسم و دکتر محمدتقی رخشانی، تاریخ فرهنگ سیستان، حوزه‌ی هنری سازمان تبلیغات اسلامی سیستان و بلوچستان، تهران، آبنوس، ۱۳۹۱.

۹. سیاسر، قاسم و دکتر محمدتقی رخشانی، تاریخچه‌ی آموزش و پرورش سیستان و بلوچستان، زاهدان، تفتان، ۱۳۸۹.

۱۰. سیاسر، قاسم، تجدد، گروگان سنت، زاهدان، تفتان، ۱۳۹۴.

۱۱. سیاسر، قاسم، سیستان و بلوچستان در روزگار پهلوی، تهران، آبنوس، ۱۳۹۲.

۱۲. سیاسر، قاسم، مجمع نشر معارف سیستان ۱۳۰۰ شمسی، مجموعه‌ی نامواره‌ی استاد عباس باقری، مؤسسه‌ی فرهنگی هنری انتظار، زاهدان، انتشارات تفتان، (۱۳۸۹).

۱۳. صدر حسینی، سید محمد هادی، مهر شرق، تهران، همایش دانش، ۱۳۸۸.

۱۴. عمرانی، غلام‌رضا، گویش سیستان، (حوزه‌ی مرکزی شهر زابل)، جلد نخست، آواشناسی، مجموعه‌ی سیستان (۱)، تهران، نشر دریافت، چاپ ۲، ۱۳۹۱.

۱۵. عمرانی، غلام‌رضا، گویش سیستان، (حوزه‌ی مرکزی شهر زابل)، دستور توصیفی گویش سیستان، جلد سوم، گروه فعلی ۱، مجموعه‌ی سیستان (۳)، نشر دریافت، تهران، چاپ ۱، ۱۳۸۹.

۱۶. مجتهدزاده، پیروز، امیران مرزدار و مرزهای خاوری ایران، مترجم حمیدرضا ملک‌محمدی نوری، تهران، شیرازه، ۱۳۷۸.

۱۷. محمدی خمک، جواد، سیستان و رویداد نوزده بهمن هزار و سیصد و سی خورشیدی، ناشر مؤلف، ۱۳۹۲.

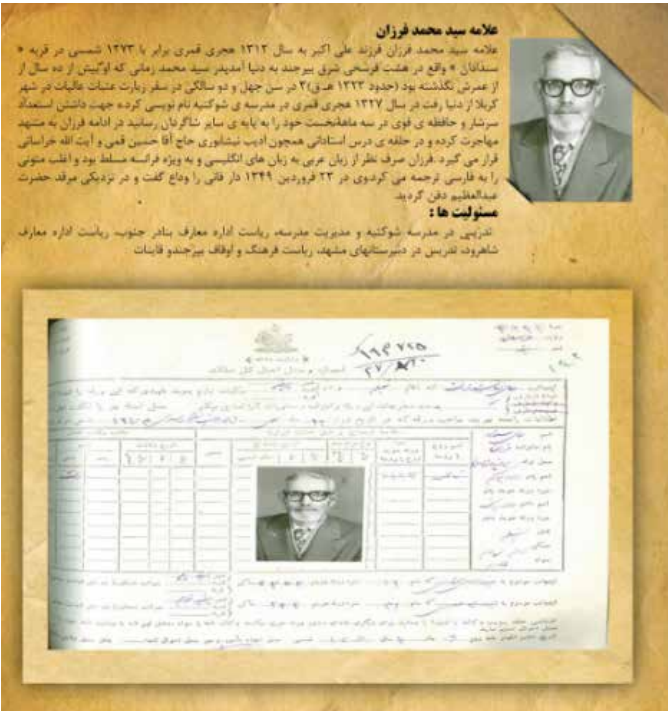
۱۸. محمودی، ابراهیم، بنجارنامه، تهران، نشر امینان، ۱۳۹۴.

۱۹. هدین، سون آندرسن، کویرهای ایران، ترجمه پرویز رجبی، تهران،

مؤسسه‌ی چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۱.

20. http://www.mysistan.mahtarin.com/

21. http://sardaransistan.mihanblog.com/





علیشاه در اواخر عمر – عکس: نصرالله کوهکن

علیشاه داستان یک زندگی ساده و معمولی است. مثل همه‌ی زندگی‌ها پر از فراز و نشیب و پر از اتفاقات مبهم روزگار یک آدم کم‌حرف. شهر پر است از نام‌ها و نشانه‌هایی که هر کدام به دلیلی و مناسبتی روی میدان‌ها و خیابان‌ها و کوچه‌ها جا خوش کرده‌اند. اما تاریخ، بخشی دست‌پخت بزرگان است و بخش دیگر آن آفرینش انسان روزمره...! **چهارراه علیشاه از نمونه‌ی دوم است.**
کودکی‌ام فکر می‌کرد علیشاه باید یک مرد سیل کلفت با یک قطار فشنگ حمایل روی سینه و دور کمرش باشد که هر غروب در غبار با اسب قهوه‌ای‌اش به خانه برمی‌گردد و شکار آن روز را تقدیم خانواده می‌کند و یک عالم داستان دیگر که از نام خیابان‌ها و میدان‌ها و چهارراههایی اینچنین در ذهنم ساخته بودم و سالها با من حمل می‌شد تا امروز که می‌توانم بروم جلو با آدم‌ها حرف بزنم و بخشی از واقعیت‌ها را پیدا کنم. واقعیت‌هایی که گاه بسیار ساده و معمولی هستند. درست مثل علیشاه و دکان کوچکش که انگار بوی قهوه‌اش را با خود به سال ۱۳۹۶ آورده است. امروز میدانم تاریخ علیشاه در زاهدان نه تنها آنقدر طولانی نیست که قطار فشنگ ببندد و گوشت شکار به خانه بیاورد بلکه به نسبت تاریخ و ساخت زاهدان هم خیلی قدیمی محسوب نمی‌شود و اصلا علیشاه ساده‌تر و آرام‌تر از این حرف‌هاست. این را در گفتگو با پسرش نصرالله کوهکن درمی‌یابم. هرچند که با گوش دادن گفتگو درمیابم ما خیلی حافظه‌ی تاریخی خوبی نداریم و از این رو نصرالله کوهکن هم در تخمین سال‌ها و یادآوری عدد درست سال دقیق نبوده است. پس مجبور می‌شوم روایت روح زندگی را به نگارش دقیق تقویم ترجیح دهم.

در شهر زاهدان به تقاطع خیابان مصطفی خمینی فعلی (خیابان شاه سابق) و خیابان میرزای شیرازی(جاده کرمان – خاش سابق –خیابان کامساگ آن وقت‌ها–) می‌گویند چهارراه علیشاه. امروز این منطقه مرکز شهر است اما در آن روزها که علیشاه قصد کرد خانه‌ای در این منطقه بسازد انتهای غربی شهری بود که کمتر از بیست سال قدمت داشت و به بیابان پهلو می زد.

می‌گوید: در سالهای ۱۳۱۷ خشکسالی در زابل روزگار ناجوری برای مردم می‌سازد و باعث می‌شود علیشاه کودکی‌اش را با چوپانی برای

زاهدان؛ چهارراه علیشاه

کلثوم پوی

دیگران بگذراند او کمی بعد در شرکت‌های جاده سازی زابل کارگری کرده است و در جریان ساخت راه زابل –زاهدان مسئول حمل آب و نان و آذوقه برای کارگران بوده. مادرش را در کودکی از دست داده و پدرش در همان سال‌ها به نیت کار و روزگار تازه روستای چونگ مرغو را به قصد زندگی بهتر به سمت زاهدان ترک کرده است و فرزندانش اردوشاه و امیرشاه و بی‌بی شاه هم هر کدام به راهی! علیشاه زندگی‌اش را در چونگ مرغو(چونگ مرغان) به کار برای دیگران گذرانده است. در حدود سالهای ۱۳۲۰، ارباب او را برای وصول طلب‌هایی به لوتک می‌فرستد، بدهکار را نمی‌یابد و تصمیم می‌گیرد مسیر را تا زاهدان ادامه دهد. همسفری می‌یابد و حاشیه‌ی جاده را پیاده راه می‌افتند و شب را در تاسوکی می‌گذرانند، از کسی آرد می‌گیرند و نانی زیر آتش می‌پزند و می‌خورند. می‌رسند به شيله که آن روزها رودخانه‌ی پرآب و خروشانی بوده و از روی پل قدیمی آن می‌گذرند و همسفر پیشنهاد می‌دهد از بیراهه بروند تا زودتر برسند اما علیشاه جاده را ترجیح می‌دهد و راهشان اینجا از هم جدا می‌شود. پیاده راه را ادامه می‌دهد تا دوراهی و شب را در پاسگاه ژاندارمری آنجا به صبح می‌رساند. آن‌روزها اتومبیل یا اتوبوسی نبوده و تنها خودروهای عبوری، هفته‌ای یکبار ماشین‌ها و کامیون‌های ارتش بودند و علیشاه بالاخره در روز سوم پیاده‌روی موفق می شود شب یکی از این ماشین‌ها را ببیند



و باقی راه را سواره بیاید. روزگاری که یک سفر زابل زاهدان ۲۴ ساعت طول می‌کشید و هربار مسافرها باید زیر لاستیک ماشین بُته و تخته پاره می‌گذاشتند تا از چاله‌ها به سلامت گذر کند. صبح روز بعد به زاهدان

می‌رسد. پدرش را که حالا صاحب مغازه‌ای بوده پیدا می‌کند و برای مدت کوتاهی با او مشغول کار می‌شود. احتمالاً علیشاه سر پرشوری داشته که یکجانشینی را تاب نمی‌آورده و بعد از کار در دکان به دکانی دیگر رفته و حتی بساط سیگارفروشی تجربه کرده و درست زمانی که فهمیده برادرش امیرشاه در تنگ سرچه به کاری نظامی مشغول است به تنگ سرچه و ایرانشهر رفته و پیدا کردن برادری که برادر را نمی‌شناخته هم باید جالب بوده باشد. باری در ایرانشهر هم پادویی در مغازه را تجربه می‌کند و همانجا خواندن و نوشتن می‌آموزد و تا کلاس ششم هم درس می‌خواند. مدرسه انگار جای لوکسی بوده و او به موقع موفق نشده بود در کودکی تجربه‌اش کند. سربازی‌اش را در همان ایرانشهر و در هنگ جمار سواران می‌گذراند. هنگ جمارسواران متشکل از گروه بزرگی از شترسوarani بوده که خیلی هم شترسوار نبوده‌اند و اغلب در کنار شترها پیاده می‌رفتند و بار آذوقه و اسلحه از ایرانشهر به چابهار می‌بردند و آن طور که در خاطراتش نوشته یکی از این سفرها با پیاده‌روی و استراحت اتراق‌های طولانی و مراقبت از بارها پانزده روز طول کشیده است. بعد از سربازی وضعیت کار در زاهدان و ایرانشهر را خوب نمی‌بیند به امید کار بهتر پیاده عزم خوزستان می‌کند اما خوزستان هم وضعی بهتر از سیستان و بلوچستان نداشته و تصمیم می‌گیرد به صورت قاچاقی با قایق از اروند عبور کند و زندگی در بصره را تجربه کند. بصره هم که برایش شکل لباس و زبان عربی است و کار در مهمانخانه و رستوران و کازینو و موتورسواری. دو دوره رفت و برگشت و زندگی در بصره را تجربه کرد. گویا بصره هم آنقدرها مدرن تر و آبادتر از زاهدان نبود.

علیشاه کوهکن ثابت، متولد ۱۳۰۸ روستای چومورغوی(چونگ مرغان) زابل، بعد از بازگشت از بصره تصمیم نهایی‌اش را برای ماندن در شهر زاهدان گرفت و بعد از مدتی کار و زندگی در دکانی در میدان مالیه با منصوره کوهکن کیبر ازدواج کرد و در حدود سالهای ۱۳۳۸ در انتهای غربی شهر، همانجا که امروز به نام چهارراه علیشاه می‌شناسیم، زمینی خرید و داد تا معماری یزدی خانه‌ای ساده بسازد و کله‌ی بُزی را به رسم آن روزها بر سردرش آویخت و خیلی زود دکانش را از میدان مالیه(چهارشنبه بازار آن وقتها) و محدوده‌ی حمام توس آورد کنار خانه‌اش و آن چند همسایه‌ای را که همراه با او یا بعد از او در آن محدوده خانه ساخته بودند خوشحال کرد، آنقدر که با گچ روی دیوار دکان نوشتند«چهارراه علیشاه» و بعدها خودش داد روی پارچه‌ای با خط نستعلیق زیبا بنویسند«چهارراه علیشاه» و با سر پیسی سردر دکان نصب و تزیین کرد. تابلو تا سال ۱۳۷۵ سردر دکان ماند و نام علیشاه تا به امروز بر سر زانها. بماند که خاطره‌ای از ۵۷ مانده و قصد انقلابیون برای پایین آوردن تابلوی علیشاه هم مثل مجسمه‌ی میدان مجسمه، اما علیشاه ماند و شاه رفت.

باری گذشته از اینکه نامگذاری چهارراه علیشاه، داستان یک رسم قدیمی است که نام اولین نفری که در یک آبادی ساکن می شود بر منطقه گذارده می شود، دکان علیشاه که هر چهارشنبه مایحتاجش را از قطار کویت– زاهدان که در جایی نزدیکی دادرای اینروزها در خیابان آزادی

ایستگاه داشت، تامین می‌کرد جذابیت زیادی برای مردم داشت. بعدها عمده فروش ها کالاهـا را مستقیم از قطار به میدان مالیه(تقاطع خیابان امام خمینی و خیابان امیرالمومنین) می‌آوردند و دکان دارها از میدان

مالیه. مردم لبنیات، چای، برنج، شکر، قهوه و محصولات مینوشان را از اینجا تامین می‌کردند. پنیـر سنتی که از بیرجند می‌آمد و شیری که از گاوداری‌های کلاته رزاق زاده تامین می‌شد و چای و قهوه‌ای که از کویتـه می‌آمد و دبه‌های خرما که از بلوچستان می‌آمد. خاطره‌ای وجود دارد از پر و خالی شدن سریع گونی قهوه و من با خودم فکر می‌کنم آن روزها مردم چقدر قهوه می‌خوردند!

علیشاه عاشق ورزش بوده و تلوزیون پلر کُمـدی را که عضوی در اغلب خانه‌های آن روز بود به خاطر تماشای ورزش دوست داشت. با دوچرخه تا کلاته کامپوزیا می‌رفت هم به هوای سرسبزی کلاته و هم گفتگو با امیرتوکل کامپوزیا که خیلی خوش صحبت بوده و مهمانپذیر. در محل او را به آرامش و سکوت و سفر می‌شناسند و عشق به دانستن درباره‌ی معماری ایرانی! خاطره‌ای است از چاهی در حیاط خانه‌ی علیشاه که باعث مرگ خانم همسایه شده و تبدیل می شود به روایتی دردناک برای علیشاه و شرمساری و اندوه این ماجرا او را به فکر نوشتن

سرگذشتی از خود می‌اندازد. او داستان را نوشت تا رسیدن به چاه. داستان چاه مرا به یاد روایتی می‌اندازد از حاج غلام محمد خلیلی که خاطره‌ای از جوانی‌اش در سال‌های ۵۲ در زاهدان و محدوده چهارراه علیشاه نقل کرده و از کندن چاهی و رسیدن به یک رشته قنات زیر خانه‌ها و خیابان‌های آن محدوده صحبت کرده است. چاهی به ارتفاع دو متر و خالی از آب اما نمناک و با تهویه مطبوع بوده و ایشان با فانوس در قنات راهپیمایی کردند و تا محدوده گاراژ سلمان‌زاده و رضویه رفتند و هنوز قنات به انتها نرسیده برگشتند.

خانه و دکان علیشاه در سال ۷۵ به هوای ساخت میدانی در محل چهارراه تخریب شد و خانواده به محل دیگری نقل مکان کردند اما هنوز جای خالی خانه با دیوارنویسی‌هایی پر شده است و از میدان تازه هم خبری نیست.

علیشاه در سال ۱۳۸۹ از دنیا رفت و تا آخرین روزها شور و شوق زیاد به سفر داشت و در سفر بود. هنوز هم روی پاکت نامه و بسته ی پستی می‌نویسند زاهدان چهارراه علیشاه...هنوز هم به تاکسی آدرس چهارراه علیشاه می دهند و هنوز هم نصرالله کوهکن ذوق زده می شود اگر شرایطی پیش بیایدکه به شوخی به راننده تاکسی آدرس بدهد: چهارراه بابام!

بدین‌ترتیب آن بخش از تاریخ را که زندگی روزمره ی مردم می‌سازد و می‌شود فرهنگی که تدریجا در جامعه نهادینه می‌شود به راحتی نمی‌توان فراموش کرد.

علیشاه در بصره



علیشاه در مغازه اش در چهارراه علیشاه





مسجد جامع دزک

سیمای معماری مسجد پیامبر (ص) در بلوچستان

حسین سرحدی دادیان: استادیار گروه باستان‌شناسی و مرکز تحقیقات باستان‌شناسی دانشگاه زابل

صابره ملک‌زاده: کارشناس مرمت آثار تاریخی فرهنگی، دانشکده هنر و معماری دانشگاه زابل

چکیده

مقاله پیش رو سعی دارد برای نخستین بار با بررسی و مطالعه ویژگی‌های معماری مسجد جامع دزک سراوان و مقایسه آن با مسجد پیامبر اسلام (ص) در مدینه‌النبی و سایر مساجد صدر اسلام در ایران از دیدگاه سبک و ویژگی‌های معماری به‌عنوان یکی از قدیمی‌ترین مساجد در جنوب شرق ایران بپردازد. با ورود اعراب مسلمان به ایران و پذیرش اسلام توسط ایرانیان، مسلمانان را واداشت تا مبادرت به ساخت مساجد در ایران نمایند. این بنا در سه

کیلومتری سراوان واقع شده است. درون آن را دالانی احاطه کرده، ستون‌های آن مدور و ۱٫۵ قطر دارد و طاق‌های اطراف صحن از خشت خام است. مسجد با نقش‌های مشابه مسجد پیامبر در قرون اولیه اسلام در ایران ساخته شده است. از خشت خام برای ساخت بنا و از تنه و ساقه درخت خرما برای پوشانده شدن سقف آن استفاده شده است. مطالعات اخیر که توسط نویسندگان این سطور انجام‌گرفته نشان می‌دهد که مسجد جامع دزک به لحاظ سبکی تحت تأثیر سبک خراسانی قرار دارد که اولین سبک اسلامی– ایران است. مسجد جامع دزک ازلحاظ پلان، مصالح مورداستفاده و ویژگی‌های معماری ازیک‌طرف مشابه مسجد پیامبر (ص) در مدینه و از طرف دیگر تحت تأثیر مسجد تاریخانه دامغان و مسجد جامع فهرج و نائین قرار دارد که به

آتشکده‌های پابرجا و دومی آتشگاهی نیمه ویران و سومی گیری یا ایوان و چهارمی مهرابه بوده، نمونه‌های خوبی برای این بهره‌گیری شایسته از ساختمان‌های رهاشده هستند. هرچند مسجد شدن آن‌ها دیرگاهی پس از ساختمان مسجد جامع فهرج انجام گردیده است (ویلبر،۱۳۶۵: ۳۷–۳۸)؛ اما دراین‌بین مسجد جامع دزک سادگی و بی‌آلایشی خود را حفظ نموده و عظمت خود را در سادگی باشکوه خود یافته است که در شهرستان سراوان قرار دارد. سراوان در موقعیت ۶۲ و ۳۵ دقیقه عرض جغرافیایی واقع شده است. از شمال غرب به خاش، از غرب به ایرانشهر، از شرق و جنوب شرقی به کشور پاکستان و قسمتی از جنوب به شهرستان سرباز محدود می‌شود. شهرستان سراوان همچنین ۳۸۴ کیلومتر مرز مشترک با کشور پاکستان دارد و ارتفاع آن از سطح دریا ۱۱۶۵ متر است؛ و در منتهی‌الیه شرقی‌ترین نقطه کشور واقع است و به زادگاه خورشید ایران شهرت دارد. به‌طوری‌که طلوع و غروب خورشید در سراوان با طلوع و غروب خورشید در غربی‌ترین شهر کشور یک ساعت و هفده دقیقه اختلاف دارد. آب‌وهوای آن گرم و خشک بوده و درجه حرارت در گرم‌ترین موقع در سال به ۴۴ درجه سانتی‌گراد بالای صفر می‌رسد و در فصل زمستان به ۲ درجه زیر صفر می‌رسد (دهواری، ۱۳۸۸، ۸۴).

وضعیت مساجد در اقلیم گرم و خشک: نکته‌ای که در رابطه با ساختمان مساجد حائز اهمیت است اینکه کالبد فیزیکی مسجد در کلیه نقاط مختلف جهان دارای یک سری مشخصه‌های خاص از قبیل استقرار در جهت روبه‌قبله، قرار گرفتن محراب در سمت قبله به‌عنوان مرکز توجه و اغلب بر روی محور اصلی مسجد، وجود تقارن در پلان و مقطع (در بخش‌های اصلی مسجد) و درون‌گرایی است. بنابراین شرایط اقلیمی نمی‌توانست مانند سایر ساختمان‌ها به‌طور اساسی و تعیین‌کننده در شکل و نحوه استقرار مساجد تأثیر داشته باشد و بسیاری عوامل دیگر که عمدتاً مذهبی و برخی سیاسی بودند، در طراحی ساختمان مسجد اهمیت بیشتر از اقلیم داشته‌اند. البته شایان‌ذکر است که در چهارچوب همین ضوابط مذهبی و گاهی سیاسی نیز در چهار اقلیم مختلف ایران، کالبد مساجد با اقلیم هر منطقه تا حد ممکن تطبیق داده شده تا نیازهای آسایش انسان در داخل مسجد فراهم گردد (توسلی، ۱۳۸۱: ۶۵–۶۴).

روش تحقیق

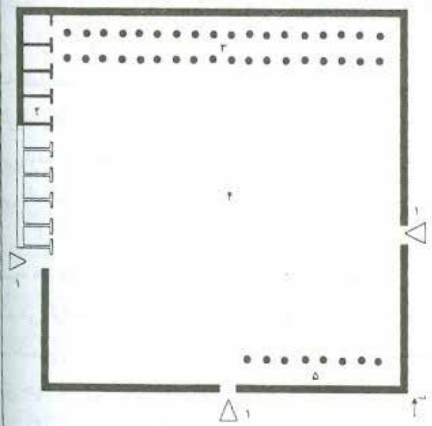
در پژوهش حاضر از دو روش میدانی و کتابخانه‌ای استفاده‌شده است. در روش میدانی ضمن بازدید از مسجد جامع دزک سعی شد تا توصیف دقیقی از ویژگی‌های معماری آن تهیه شود مانند پلان و مصالح به‌کاررفته در ساخت بنا. درروش کتابخانه سعی شد تا بنا ازنظر

سبک‌شناسی بر اساس سبک‌های معماری موردمطالعه قرار گیرد و سپس با مسجد پیامبر اسلام (ص) و همچنین نمونه‌های موردی در ایران مانند مسجد جامع فهرج و مسجد تاریخانه دامغان مورد مقایسه قرار گیرد.

مسجدالنبی

اولین مسجد در زمان پیامبر اکرم (ص) در شهر مدینه و به دست انصار ساخته شد (نقشه ۱). این مسجد که به شکل مربع و مصالح آن از خشت و سنگ لاشه کنده شده از نزدیک‌ترین کوه بود، ابتدا شکل سرپناهی با ستون‌هایی از درخت نخل و پوششی از نی و بوریا و پوست حیوانات برای جلوگیری از برخورد با داشت. ارتفاع ستون‌ها به‌اندازه به‌سوی آسمان بلند کرده، بود. بعدها همین سرپناه به شبستان تبدیل شد، اطراف مسجد نیز صفه‌هایی به این مسجد اضافه شده است. این محل هم مسجد و هم خانه پیامبر بود. در همین محل حضرت محمد (ص) تعلیم اسلامی را به مردم آموزش می‌داد.

یعنی مدرسه پیامبر نیز محسوب می‌شد. تاریخ ساخت این مسجد۶۲۲ میلادی یعنی قرن اول هجری قمری است. ویژگی‌های معماری این مسجد که در ایران نیز موردتوجه قرار گرفت به دلیل ۱ — سادگی بسیار در طراحی ۲ — پرهیز از بیهودگی، کار اضافه و اسراف ۳ — مردم واری و توج ۴ — بهره‌گیری از مصالح محلی و بوم آورد بود (Damlūji, ۱۹۹۸) و به تقلید از آن مساجد در ایران ساخته شد که در ادامه بحث به‌تفصیل به آن پرداخته خواهد شد.

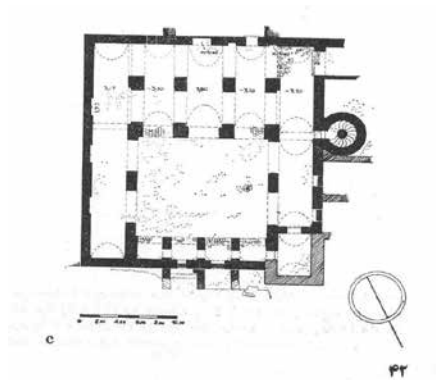


نقشه شماره ۱: پلان مسجد پیامبر در مدینه

مسجد جامع فهرج یزد

این مسجد در ۲۲ کیلومتری یزد در قریه‌ای به نام فهرج، سر راه قدیم یزد به کرمان است و تک مناره گلی آن از فاصله دور دیده می‌شود. بنای این مسجد مربوط به قرن اول هجری و مانند مساجد صدر اسلام و دارای طراحی بسیار ساده و بی‌پیرایه و جزو نادر مساجدی است که

تاکنون در ایران شناخته‌شده است. سبک و شیوه معماری آن را به شیوه پارتی و خراسانی می‌دانند. بنا تماماً از خشت خام ساخته‌شده و پوشش دیوارها کاه‌گل است. آن را اولین بنایی می‌دانند که به‌قصد مسجد ساخته شده است، زیرا تا این زمان مساجد اکثراً بناهای تغییر کاربری یافته بوده‌اند، مانند آتشکده‌های زمان ساسانی که با ورود اسلام به ایران، با تغییراتی چند در ساختارشان به مسجد تبدیل‌شده‌اند؛ اما ظاهراً مسجد فهرج خود بدین منظور ساخته‌شده است. طرح اصلی مسجد بسیار ساده است شبستانی با سه دهانه دارد (نقشه ۲) که دهانه میانی بزرگ‌تر از دهانه چپ و راست است و باز دهانه‌های آخرین که دنباله ایوان‌های شرقی و غربی است دهانه‌ای بزرگ‌تر دارد و قوس‌ها همه ناری (بیضی) است و تاق‌ها نیز ناوی و آهنگ (کوره پوش) است. حیاط و صحن کوچک مسجد از جنوب به سه دهانه شبستان و از شرق و غرب هریک به دو دهانه ایوان محدود می‌شود وبر جانب شمال آن چهار صفه است که با درگاه‌هایی که فعلاً مسدود شده به هم راه داشته است.(کیانی، ۱۳۶۶: ۱۳۷ و ۱۴۰

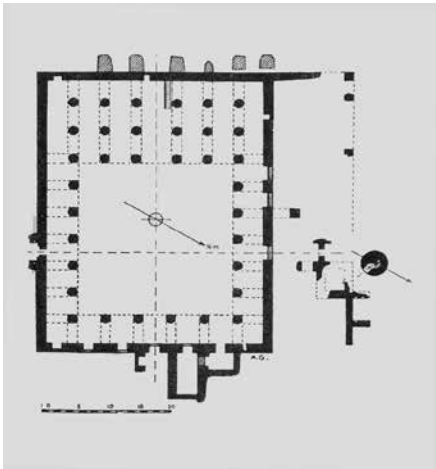


نقشه ۲: پلان مسجد جامع فهرج

یکی دیگر از خصوصیات جالب این مسجد نقش درگاه‌های ساسانی است که با گچ بر روی دیوار شرقی اجراشده است. در انتهای شمال راهروی غربی و نیز درگاه‌های حجره‌ها کنگره‌های تزئینی اجراشده است. ورودی اصلی مسجد فعلاً در کنار مناره است و چندان کهن نیست و گمان می‌رود همزمان با الحاق منار احداث‌شده باشد و مستقیماً به شبستان باز می‌شود. ولی علاوه بر منار و سر در دو اتاق در قسمت غربی مسجد وجود دارد که معماری آن قدیمی است و با توجه به مصالح آن به نظر می‌آید که همزمان با ساختمان مسجد ساخته‌شده، پوشش این دو اتاق، تاق ناوی آهنگ است و ویرانه اتاق دیگری در کنار دیوار شمالی (ورودی قدیم مسجد) نیز موجود است (همان ۱۴۲).

مسجد تاریخانه دامغان

اول قرن ۴ (حدود ۱۶۰ ه‍.ق) بعد از مسجد فهرج قدیمی‌ترین اثر از شیوه خراسانی است. چفدها به مرور تغییر کرده واکون جناغی به سبک پارتی آجرچینی شده است. مسجد تاریخانه در جنوب شرقی دامغان واقع شده و یکی از بهترین نمونه‌های مساجد نخستین در ایران و قدیمی‌ترین بناهای پس از اسلام است. در وجه تسمیه این بنا گفته‌اند که تـاری به معنای خداست و تاریخانه یعنی خدای خانه. عده‌ای بر این باورند که این مسجد قبلاً آتشکده بوده و پس از تسلط اعراب، آن را ناری‌خانه خوانده‌اند و سپس به تاریخانه معروف شده است. نقشه کلی مسجد ساده و بی پیرایه و شبیه یک حیاط اندرونی است. نقشه ساختمان بر پایه همان شیستان ستون‌دار است که بعدها در آن تغییراتی داده‌اند؛ مراحل اولیه شکل‌گیری ایوان در مساجد شیستانی ایران است (نقشه ۳). مسجد تاریخانه دامغان، جزو نخستین مساجد ایران است که در آن، مناره ساخته شده است. حال برای شناخت بیشتر مسجد جامع دزک به تفکیک به معرفی فضاهای مختلف و عناصر معماری موجود در بنا می‌پردازیم (کیانی، ۱۳۹۲: ۱۴۱).



نقشه ۳: پلان مسجد تاریخانه دامغان

تاریخچه مسجد جامع دزک سراوان

اهالی روستای دزک معتقدند که این مسجد درحدود ۱۲۰۰ سال پیش، ساخته شده است؛ اما در هیچ منبع مکتوبی تاریخ ساخت مسجد ذکر نشده، و همچنین به دلیل عدم تحقیق علمی قدمت را تعیین نکرده است؛ اما باتوجه به نوع معماری مسجد که به سبک معماری خراسانی مشهور است، به احتمال زیاد به قرون اولیه اسلام بر میگردد. به نقل از محمد کریم پیر نیا در سایت یزد فردا قدمت مسجد را قرن اول هجری می‌داند. همچنین دکتر محمود شهیدی در سایت (ایران- ایرانیها) باتوجه به ساخت آن به شیوه شستانی و نبود هیچ‌گونه تکلف و صنایعی که بعدها در مساجد مرسوم می‌گردد، قدمت آن

را به قرن اول اسلامی نسبت می‌دهد. باتوجه به سبک معماری مسجد جامع دزک که دقیقاً به سبک خراسانی و مشابه با مسجد پیامبر اکرم و مسجد جامع دامغان ساخته شده است می‌توان زمان ساخت مسجد جامع دزک را نیز به دو قرن اول اسلام نسبت داد. همچنین عدم وجود منار (آتشدان) دراین دوره از مسجدسازی، حکایت از قدمت دیرینه مسجد قبل از رواج منار دارد. مساجد در قرون اولیه فاقد هر گونه تزئینات، ظرافتکاری و تکلیف‌های قرون بعد می‌باشند که این مورد در تمامی مساجد مشترک است و اختصاص به مسجد دزک ندارد. بنای این مسجد را فردی به نام بابا حاجی دزکی و فرزندش شیخ اویس که از اهالی روستایی به نام هیتوک که در چند کیلومتری این شهر ساکن بوده‌اند نسبت می‌دهند البته برخی از اهالی محله معتقدند که ۷ نفر که در عراق کار می‌کردند و از قومیت‌های مختلفی بوده‌اند آنرا ساخته‌اند (دهواری،۱۳۸۸،۸۵).

شناخت ومعرفی مسجد جامع دزک

مسجد جامع دزک در ۳ کیلومتری شرق شهرستان سراوان یکی از قدیمی‌ترین مساجد سراوان استان سیستان و بلوچستان می‌باشد نظیر این مسجد در استان سیستان و بلوچستان مشاهده نشده است و جغرافی‌دانان و جهانگردان مسلمان قرون سوم و چهارم هجری همچون مقدسی نیز در کتابهای خود از آن یاد کرده‌اند (مقدسی ۱۳۶۱)؛ وتا قبل از سال ۱۳۰۷ هجری شمسی یعنی قبل از حمله نیروهای دولتی به منطقه تنها مسجد جامع شهرستان سراوان بوده است. مردم از روستاها و بخش‌های این شهرستان پیاده یا سواره یک روز قبل برای خواندن نماز جمعه حرکت می‌کردند تا روز جمعه خود را به مسجد جامع دزک برسانند. این مسجد از نظر سبک معماری شباهت تام وکامل با مسجد پیامبر (ص) در مدینه و تاریخانه دامغان که بنای آنرا قبل از سال ۲۰۰ هجری تخمین زده اند دارد. طرز بنای مسجد مخلوطی از سبک معماری عربی و ساسانی است دارای صحن مرکزی است که دور آنرا دالانی احاطه کرده است. طاق‌های اطراف صحن از خشت خام ساخته شده است و شباهت به طاق‌های ساسانی دارد (معماریان ۱۳۷۶)؛ ستونها مدور و یک و نیم‌متر قطر دارد و احتمال داده می‌شود برروی یک عبادتگاه قبل از اسلام بنا شده است. این مسجد در یک طبقه بنا شده است و دارای چله خانه‌ای است که سوتیا گفته می‌شود که عارفان و صوفیان به مدت چهل شبانه روز در آنجا به راز و نیاز با خداوند می‌پرداختند و عمق آن به پنج‌متر می رسد. درب چوبی مسجد هنوز در مسجد نگه داری می شود این اثر تاریخی به شماره ۲۰۱۲ در فهرست آثار ملی کشور به ثبت رسیده است.(ارشو سازمان میراث فرهنگی)

شیوه معماری مسجد جامع دزک

با توجه به بررسی به عمل آمده بر روی پلان و سازه بنای مسجد متاثر از شیوه خراسانی بوده است که یکی از شیوه‌های معماری ایرانی می باشد. کاربرد این سبک در معماری ایران از قرن اول هجری آغاز شد و تا قرن چهارم ادامه داشت. تأثیر اصلی را در این مکتب از هنر ساسانیان و خصوصاً بناهای طاق‌قوسی چون ایوان مداین و طاق کسری دریافت کرده بود. در این شیوه مساجد به صورت شیستانی یا چهل‌ستونی هستند. قوس‌ها به صورت بیضی یا تخم‌مرغی هستند و مساجد در این عصر بسیار ساده هستند. از بناهای این دوره می‌توانیم به مسجد جامع فهرج و مسجد تاریخانه دامغان (خدای‌خانه دامغان) اشاره کنیم.

از ویژگی‌های سبک خراسانی – که به سبک ترکستانی هم معروف است– می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

آثار این سبک بر قیدها و سنّت‌های لفظی و صوری تکیه دارد. این آثار از تسلسل‌های منطقی معانی و شکوه الفاظ برخوردار است و به صورتی متین، واقعیت را به شکل دستگاهی منظم و قابل قبول نمایش می‌دهد.

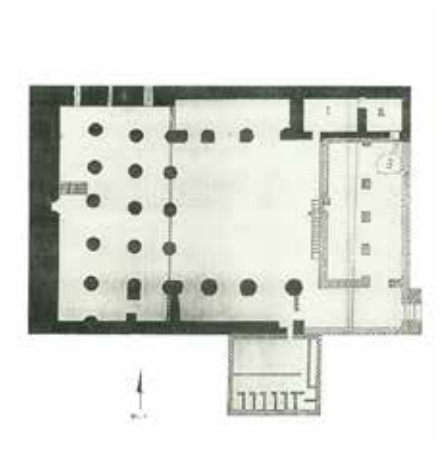
این سبک کمی قبل از سده چهارم تاسده ششم هجری قمری رواج داشت و پس از آن هم ادامه یافت.

تشبیهات این دوره اغلب حسی است و فاقد پیچیدگی. با طلوع اسلام ساخت بناهای مذهبی به خصوص مساجد آغاز گردید. سبک خراسانی اولین سبک معماری اسلامی بوده، چون اولین بناها در خراسان ایجاد شده، لذا به سبک خراسانی معروف است. این سبک در قرون اولین (تا ۱۴ هجری) رایج بوده و تحت تأثیر پلان و نقشه مساجد عربی با ساختمانی ایرانی (پارتی) با فضای ساده (فاقد تزئینات) بنا احداث شده‌اند.

در سبک خراسانی پلان و نقشه مساجد عربی و ساختمان بنا ایرانی است.

ویژگی معماری ۱ – پلان مستطیل شکل
۲ – فضای شیستانی یاچهل ستونی ۳– ساده و بی‌پیرایه (فاقدتزئینات) ۴– مصالح اولیه خشت خام وآجر ۵ – فاقدپوشش و تزئینات یا گاهاً پوشش کاهگل ۶– استفاده ازتک منار منفک با مقطع دایره‌ای در شمال بنا ۷– قوس‌های بیضی، تخم‌مرغی، ناری ۸– درسبک خراسانی پلان و نقشه مساجدعربی و ساختمان بنا ایرانی است، ۹– مردم‌واری بناها ۱۰– دور شدن از تزئینات چه در داخل و چه در خارج ۱۱– اندک تزئینات موجود هم ادامه ساسانی است اما

بسیار کم رنگ‌تر ۱۲– استفاده از گنبد (به خاطر ارتفاع زیاد کم‌تر مصرف می شده است) ۱۳– بوم‌آورد بودن مصالح (پیرنیا ۱۳۴۷: ۵۴–۴۳).



نقشه ۴: پلان مسجد جامع دزک

شناخت فضاهای مسجد جامع دزک

مسجد جامع دزک شامل فضاهای مختلفی ازجمله شیستان جنوبی (قبله)، شیستان‌های شرقی و غربی، شیستان زمستانی (شمالی)، چله خانه و صحن بنا می‌باشد (نقشه ۴).

شیستان جنوبی (قبله)

فضای شیستان جنوبی مسجد شامل سه دهنه شیستان و سه ردیف ستون شش‌تایی است و دو دهنه شرقی و غربی آن به ادامه شیستان‌های شرقی و غرب مسجد منتهی می‌شوند. این فضا شامل عناصر معماری چون محراب و منبر در انتهای سمت قبله شیستان می‌باشد. پوشش فضای شیستان تخت بوده و از تنه درختان نخل و تیرهای اصلی پوشش را تهیه و کار گذاشته‌اند. بر روی تیرها و سرشاخه درختان نخل را قرار داده و با طنابهایی که با الیاف درخت نخل بافته شده‌اند، کاملاً محکم به هم بافته شده‌اند و روی آن حصیری که آن هم از برگ درختان نخل بافته شده است و در آخرین مرحله لایه‌ای از غوره گل و کاهگل روی حصیر را پوشانده است و در ضمن از آن بصورت پنامی در برابر آفتاب و باران استفاده شده است (تصویر ۱). پوشش قوس بین ستون‌ها که تنها در جهت شرق به غرب اجرا شده اکثراً بیز بوده و بعضاً قوسها تیزه‌دار در بین آنها مشاهده می شود که دلیل وجود آنها مرمت قوس‌ها در دوره های مختلف است. محراب تقریباً درمرکز شیستان واقع شده و در دوطرف آن دو طاق‌نما با عمق تقریبی ۱۸ تا ۲۰ سانتیمتر اجرا شده است.



تصویر ۱: نمایی ازفضای شیستان جنوبی

فضای شیستان شرقی وغربی

دو شیستان در ضلع شرقی و غربی صحن وجود دارد که متصل به دهانه‌های شرقی و غربی شیستان بوده است. پوشش فضای شیستان‌ها به طورکامل تخت بوده و همانند شیستان جنوبی اجراشده است؛ اما قوس‌هایی که در بین ستون‌ها در جهت جنوب به شمال اجرا شده در هر دو شیستان بیز و مازده‌دار بوده است و در ضلع غربی نمونه ای از قوس‌های جناغی اولیه مشاهده شود که در نتیجه مرمت آن در دوره‌های بعد ساخت اولیه به صورت تیزه‌دار اجرا شده است. قوسها در زمان اجرا از قسمت پاکارقوس مقداری از روی ستون پیش نشسته است (مانند تاریخانه دامغان). در شیستان جبهه غربی سه طاقماهای دوطرف محراب در شیستان اصلی (جنوبی) وجود دارد که در شیستان شرقی دیده نمی‌شود.

فضای شیستان زمستانی (شمالی)

در ضلع شمالی مسجد جامع دزک، شیستان زمستانی آن قرار دارد (تصویر ۲). این فضا شامل دو دهنه شیستان و پنج ستون (دریک ردیف) در مرکز آنهاست. باتوجه به شواهد موجود این فضا در دوره‌های بعد از ساخت اولیه بنا (دوره قاجاریه) مجدداً بازسازی شده است. پوشش این فضا نیز همانند سایر فضاهای مسجد تیرپوش و تخت است. قوسها اجرا شده و بین ستونها (درجهت شرقی–غربی) بیضی است. محراب درجهت قبله و در مرکز جرز جنوبی شیستان قرار گرفته و درسمت شرقی آن یک طاقنمای عمیق و درسمت غربی محراب دو طاقنمای عمیق ایجاد شده که قرآن و سجاده و…را درون آنها نهاده‌اند. منبری کوچک و خشتی با دوپله در داخل محراب اجرا شده است.



تصویر ۲: نمایی از شیستان زمستانی



تصویر ۳: نمایی از چله خانه

چله نشینی در اعتقادات مردم بومی استان امری شواب و کاری پسندیده بوده و به منظور تهذیب نفس به این امرمبادرت می ورزیده اند. دراکثر نقاط شهری و روستایی استان می‌توان نشانی ازفضای چله خانه را مشاهده نمود. مشهورترین و بزرگترین فضایی که دراستان دیده شده (بنابرنقل قول بزرگان و ریش سفیدان محل) در روستای تمین است. دراین روستا که کلا دارای معماری صخره‌ای بوده، فضای چله خانه صخره‌ای وسیعی وجود داشته که مورد استفاده اهالی محل و روستاهای اطراف قرارمی گرفته است. درگوشه شمال غربی بنای مسجد جامع دزک دو فضای متصل به هم قراردارد که به فضای چله خانه مشهور است. درگوشه شرقی فضای شمالی، دالان کوچکی قرار دارد که به یک فضای کوچک درعمق ۴ متر زمین راه دارد. دراین فضا که حدودا ۴ متر مربع مساحت دارد یک نفر به چله نشینی می‌پرداخته است. اکنون نیز درایام مختلفی از سال افرادی (تصویر ۳) به منظور چله‌نشینی به این فضا پناه می‌برند. پوشش این فضاها نیز همانند سایر فضاهای مسجد تخت و تیر پوش است. با این تفاوت که ارتفاع این بخش از بنا کمی مرتفع‌تر (درحدود نیم متر) از سایر فضاهاست.

فضای صحن

در مرکز مسجد جامع دزک صحن قرار داردکه شیستان‌ها دور تادور آن احداث شده است. براساس گمانه‌ای که درضلع غربی صحن حفرشده، کف اصلی صحن بسیار پایین تراز کف موجود بوده است. پلکانی در جبهه شمالی صحن و چسبیده به جرز جنوبی شیستان زمستانی وجود دارد که دسترسی به بام بنا را آسان می‌کند (تصویر ۴).



تصویر ۴: نمایی از صحن مرکزی مسجد

سایرفضاها

ورودی مسجد را در حال حاضر راهرویی طویل به طول ۷ متر و عرض تقریبی ۲٫۵ متر (که مستقیما به شبستان شرقی مسجدمتصل است) و پیشخان و سر در آن که ۶۰ سانتیمتر (سه پله) از کف معبر بالاتر است، تشکیل می‌دهند (تصاویر ۶ و ۷). کل این بخش جدید است و در دهه‌های اخیر ساخته شده است. دیگر فضاهای وابسته به مسجد، سرویس‌های بهداشتی و وضوخانه آن است که در ضلع شرقی مسجد (دربرون آن) ساخته شده و از طریق درگاهی کوچک درانتهای شمال شرقی شبستان شرقی، به فضای داخلی مسجد راه می‌یابد.



تصاویر ۶ و ۷: ورودی مسجد و راهروی آن

معرفی عناصر معماری موجود درمسجد جامع دزک

این مسجد دارای فرمی کاملا ساده و بی‌آلایش است؛ اما همانند سایر مساجد ایران اسلامی، شامل عناصر معماری زیبایی ازقبیل محراب و منبر می‌باشد که در زیر به شرح مفصل آن می‌پردازیم.

محراب

دیدگاه‌های متفاوتی درباره منشاء محراب و اینکه اولین بار در کجا و در چه زمانی مورد استفاده قرارگرفته ارائه گردیده‌است. بسیاری از محققین مخصوصا خاورشناسان، منشاء آن را مهرابه‌های معابد مهری و برخی دیگر تحت تأثیر کلیساها دانسته‌اند. منشاء محراب و وجه تسمیه آن هرچه باشدعملکرد آن در مسجد کاملا مشخص می باشد و غیر از مهرابه و محرابهای اتاقکی کلیساها است. عملکرد محراب شامل موارد زیراست:

جهت قبله را مشخص میکند. جایگاه امام را در مسجد مشخص می‌کند تا مجبور نباشد هر روز برای پیدا کردن حد وسط مسجد به دقت و جستجو پردازد. صدای امام را رساتر می‌کند. برای این منظور محراب‌های چند طاقچه‌ای مناسب‌تر بوده است. وسیله شناسایی امام جماعت است. درحکم یک عامل وحدت و وسیله ای برای اتحاد مسلمانان است. از آغاز اسلام ازعنصری برای ساخت و تزئین محراب استفاده گردیده که اهم آنها عبارتند از گچ، سنگ، چوب، آجر و کاشی که استفاده از هریک از این عناصرگاهی با یک نوع وگاهی با دوبا سه نوع عنصر دیگر همراه بوده است. گچ ازعنصری است که درکلیه دوران‌ها شاهد بکارگیری مداوم آن هستیم. استفاده از عناصر فوق در سبک خراسانی بسیار ساده و بی‌آلایش بوده است. (سجادی، ۱۳۷۵: ۵۸،۶۳،۴۳)

با این مقدمه کوتاه به بررسی محراب مسجدجامع دزک می‌پردازیم.

توصیف محراب درشبستان جنوبی

قاب در برگیرنده محراب، مستطیلی باریک ومرتفع بدون پیشانی و با حاشیه‌ای باریک و ساده است. در قسمت انتهایی قاب تزئینات دندان موشی، آن را آراسته است. در درون این قاب، طاقمایی باعمق تقریبی ۶۰ سانتیمتر در کف ایجاد شده که در قسمت فوقانی آن عمق کمتری دارد (تصویر ۸).



تصویر ۸: محراب مسجد در شبستان جنوبی

توصیف محراب شبستان زمستانی:

در شبستان زمستانی مسجد، محرابی بسیارساده ایجاد شده است. این محراب

طاقمایی است به عمق تقریبی ۴۰ سانتیمتر که درگوشه غربی آن منبری خشتی با دوپله ساخته شده است.

منبر

از جمله عناصر جالب توجه مسجد، خشتی آن است که دو انتهای شبستان و در کنار محراب اصلی قرار دارد. این منبر را شاید بتوان یکی از منبرهای غیر الحاقی انگشت شمار در مسجدهای ایرانی دانست. نمونه مشابه این منبر، منبرمسجد میدان سنگ کاشان با تزئینات کاشی معرق مربوط به دوره تیموری و منبرآجری مسجد جامع افین با تزئینات گچی گره سازی و گل و بوته و اسلیمی است ().

منبر فاقد تزئینات خاصی است و با اندود گچ سفید شده است. تعداد پله‌های منبر ۷ عدد است شرح مختصر منبر در شبستان زمستانی در توصیف محراب آن آمده است (تصویر ۹).



تصویر ۹: محراب و منبر در شبستان

شبستان جنوبی مسجد که در زمان اولیه ساخت رو به صحن مسجد باز بوده است درحال حاضر با نصب چهار در آلومینیومی از صحن جدا شده است. ستون شرقی ردیف دوم در دوره‌های بعد از ساخت اولیه، تقویت شده و بنابراین بزرگتر و متفاوت با سایر ستون‌های شبستان است. در ساخت و اجرای ستونها عموما ازفرم دایره استفاده شده که ردیف ستون‌های متصل به صحن دستخوش تغییرات اساسی شده و فرم خود را به دلیل انجام مرمت‌های مختلف و متفاوت از دست داده است.

در ضلع شرقی مسجد سرویس‌های بهداشتی و وضوخانه آن را ساخته‌اند و از انتهای شمالی شبستان شرقی دری به سمت آن بازکرده‌اند. البته از پادیاو اولیه مسجد اطلاعاتی در دست نیست. پوشش‌ها تحت بوده و با استفاده از تنه نخل و برگه و سرشاخه‌های آن و اندود نهایی کاهگل پوشیده شده‌اند. بر روی ستون‌های دایره‌ای قوس‌های بیز (مازه دار) اجرا

نموده‌اندکه بعضا بدلیل مرمت انجام شده بر روی آنها در دوره‌های بعدبه قوس‌های تیزه‌دار تبدیل شده‌اند.

فضای چله خانه در ضلع غربی و در گوشه شمالی آن قرار دارد. این فضا در گذشته زیاد استفاده می‌شده است. ولی درحال حاضراستفاده چندانی ندارد و هرچند گاهی فردی از افراد متدین منطقه به منظور چله نشینی آن را مورد استفاده قرار می‌دهد. به همین دلیل زیاد مورد توجه نیست و تقریبا به فضایی آلوده تبدیل شده است.

کفسازی گچی آن نیزتقریبا به طور کامل فرسوده شده است. ارتفاع پوشش‌های این بخش از بنا بیشتر از سایر فضاهاست.

کف‌سازی فعلی بنا در سایر فضاهای مسجد (بجزچله خانه) موزاییک با ملات گل آهک است که در دهه‌های اخیر اجرا شده است (تصاویر ۱۰ و ۱۱).



تصاویر ۱۰ و ۱۱: تصاویری از صحن مسجد در حال حاضر

تحلیل وبررسی تزئینات

همانطور که قبلا ذکرشد، بنای مسجد جامع دزک کاملا ساده و بدون آرایش و تزئین خاصی ساخته شده است. عمده تزئینات این بنا شامل تزئینات دندان موشی بالای حاشیه محراب و طاقنماهای تزئینی که در دوطرف محراب اصلی شبستان جنوبی وشبستان غربی بنا می باشد (تصویر ۱۲). همچنین ردیفی از طاقنماهای تزئینی در دیوار سمت قبله در شبستان جنوبی در ارتفاع ۲/۶۰ متر ازکف شبستان اجرا شده است. قوسی که بر بالای این طاقنماها اجرا شده با پیش آوردن خشت به سمت داخل طاقنما

حالت کنگره‌ای به خودگرفته و درعین سادگی، زیبایی خاصی با این بخش از بنا داده است. به طورکلی از اندود گچ ساده جهت تزئین و سفید کردن فضای داخلی شبستان‌ها و از اندود سیمگل جهت تزئین نمای خارجی در صحن و بدنه خارجی بنا استفاده وسیعی شده است.



تصویر ۱۲: تزئینات ساده دندان موشی در بنای مسجد

نتیجه گیری

مسجد جامع دزک در ۳ کیلومتری شرق شهرستان سراوان یکی از قدیمی‌ترین مساجد سراوان در استان سیستان و بلوچستان می‌باشد نظیر این مسجد در استان مشاهده نشده است و جغرافی‌دانان و جهانگردان مسلمان قرون سوم و چهارم هجری همچون مقدسی نیز در کتاب‌های خود از آن یاد کرده‌اند اما تا کنون تحقیقات جامع و کافی در خصوص این بنا انجام نگرفته است با توجه به بررسی به عمل آمده بر روی پلان و سازه بنای مسجد جامع دزک متاثر از شیوه خراسانی بوده است که یکی از شیوه‌های معماری ایرانی می‌باشد. کاربرد این سبک در معماری ایران از قرن اول هجری آغاز شد و تا قرن چهارم ادامه داشت. تأثیر اصلی را در این مکتب از هنر ساسانیان و خصوصا بناهای طاق‌قوسی چون ایوان مداین و طاق کسری دریافت کرده بود. در این شیوه مساجد به صورت شبستانی یا چهل‌ستونی هستند. قوس‌ها به صورت بیضی یا تخم‌مرغی هستند و مساجد در این عصر بسیار ساده هستند. از بناهای این دوره می‌توانیم به مسجد جامع فهرج و مسجد تاریخانه دامغان (خدای‌خانه دامغان) اشاره کنیم. بر اساس مطالعات انجام گرفته شده توسط نویسندگان این سطور مسجد جامع دزک سراوان از نظر سبک معماری شباهت تام وکامل با مسجد پیامبر (ص) در مدینه و تاریخانه دامغان که بنای آنرا قبل از سال ۲۰۰ هجری تخمین زده اند دارد. طرز بنای مسجد مخلوطی از سبک معماری عربی وساسانی است. دارای صحن مرکزی است که دور آن را دالانی احاطه کرده است. طاق های اطراف صحن از خشت خام ساخته شده است وشباهت به طاق های ساسانی دارد اما این مسجد در دوره های مختلف مورد مرمت غیر علمی قرار گرفته است که بخشی از هویت تاریخی خود را از دست داده است. به احتمال بسیار زیاد به توجه به شواهد

موجود این مسجد در قرون اولیه اسلامی به تأثیر از مسجد پیامبر و مساجد صدر اسلام در بلوچستان ایران به شیوه بسیار ساده و بدور از تزینات وابسته که در آن زمان رایج بود؛ ساخته شده است. روشن شدن هویت دقیق این مسجد نیازمند کاوشها و مطالعات علمی دقیق باستان شناسی و معماری است.

منابع:

- پیر نیا، محمد کریم، (۱۳۴۷)، سبک‌شناسی معماری ایران، باستان‌شناسی و هنر ایران، شماره ۱.

- سجادی، علی، (۱۳۷۵)، سیرتحوّل محراب، انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور، تهران.

- سرحدی دادیان حسین، حکیمه مرادقلی گلی، مهدی امیری، مصطفی ثمره نوری (۱۳۹۳)، ارگ ورمال نماد معماری پایدار سنتی سیستان در شرق ایران»، اولین همایش ملی افق های نوین در توانمند سازی و توسعه پایدار، عمران، گردشگری، انرژی و محیط زیست شهری و روستایی، همدان.

- کیانی، محمدیوسف، (۱۳۹۲)، تاریخ هنر معماری در دوره اسلامی، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت)، چاپ پانزدهم، تهران.

- کیانی محمد یوسف، (۱۳۷۶)، تزئینات وابسته به معماری، انتشارات سازمان‌میراثفرهنگی‌کشور،تهران۱۳۷۶

- کیانی محمد یوسف، (۱۳۶۶)، معماری ایرانی در دوره اسلامی، انتشارات جهاد دانشگاهی، تهران.

- کسمایی، مرتضی، (۱۳۸۱)، اقلیم‌درمعماری،انتشاراتخاک،چاپ‌دوم.

- معماریان، غلامحسین، (۱۳۷۶)، نیارش سازه های تاقی درمعماری اسلامی ایران، انتشارات جهاد دانشگاهی، دانشگاه علم وصنعت، تهران.

- ویلبر، دونالد، (۱۳۶۵)، معماری اسلامی دوره ایلخانی، ترجمه عبدالله فریاد، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.

- دهواری، محمدصدیق، (۱۳۸۸)، سراوان شکوه گذشته، انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور.

- توسلی، محمود، (۱۳۸۱)، ساخت شهر و معماری در اقلیم گرم و خشک ایران، انتشارات پیام پیوند نو، تهران.

- مقدسی، ابوعبدالله محمد بن احمد، احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم، (۱۳۶۱)، ترجمه علینقی منزوی، شرکت مؤلفان و مترجمان ایران، تهران.

- Damlūji, S. S. (Ed). The Architecture of the Prophet’s Holy Mosque, Al Madinah. Hazar Pub...



تاریخچه ی آموزش گردشگری

گیتی کشیان

با گسترش امپراطوری‌های باستان، مسافرت های رسمی دولتی به منظور اعزام نمایندگان حکام به اماکن دوردست، برای جنگ ها و یا دریافت مالیات و خراج آغاز گردید. در دوره‌ی حکومت خانواده‌های سلطنتی در مصر بود که مسافرت با قصد تجارت و تفریح رواج یافت.

این سیر تکامل گردشگری تا به امروز نیز ادامه داشته است و هر روز ابعاد جدیدی در آن ظهور می‌کنند.(دکتر پرویز محمد زاده و دیگران ۱۳۹۲).

پیشینه تاریخی گردشگری و آموزش در ایران

ایران یکی از ده کانون مهم شکل‌گیری تمدن بشری در جهان به حساب می‌آید. قدمت اولین آثار مدنیت که در این سرزمین کشف شده اند، به هزاره‌ی پنجم پیش از میلاد مسیح می‌رسد.

هرچند به مطالعات و تحقیقات در زمینه‌ی گردشگری و مسافرت و شیوه و قوانین مربوط به آن در ایران باستان و حتی در ایران پس از اسلام کمتر پرداخته شده است اما در ایران قبل از اسلام و حتی قبل از ورود آریایی‌ها، حقوق و امتیازات ویژه ای برای مسافران و جهانگردان در نظر گرفته می شد. در حکومت های مختلف نیز حدود و میزان آن یکسان و مشابه نبود و با توجه به انگیزه و هدف مسافر یا جهانگرد تعیین و اجرا می شده است. آثار مکتوب بر جای مانده، حاکی از سفر یونانیان و رومیان به ایران در دوران قبل از اسلام می‌باشد. آثار تاریخی نیز حکایت از گسترش شهرها، راه‌ها و اقامتگاه‌ها در همین دوران دارد.

بعد از پشت سر نهادن یک دوره بحرانی در اوایل ورود اسلام به ایران، رویکرد ادبی، فرهنگی و علمی در ایران از سر گرفته شد و روز به روز رونق بیشتری یافت. شاعران و نویسندگان به سوی سرزمین های اسلامی رفتند و جغرافیا، فرهنگ و تمدن آن روزگار را در سفرنامه هایشان به تصویر کشیدند. ناصرخسرو قبادیانی شاعر، فیلسوف و سفرنامه‌نویس قرن پنجم یکی از همین جهانگردان است.

مقدمه

با رشد صنعت گردشگری، نیاز به جذب و آموزش نیروی انسانی در این صنعت انسان محور، اهمیت ویژه‌ای یافته است. واضح است که تنها فراوانی نیروی انسانی نمی‌تواند ضامن عملکرد خوب برای دستیابی به اهداف این بخش باشد؛ بلکه علاوه بر تعداد، میزان دانش نظری و آشنایی خدمات دهندگان با مهارت‌های حرفه‌ای نیز تعیین کننده است؛ بنابراین تدوین و اجرای استراتژی توسعه‌ی منابع انسانی صنعت گردشگری از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و آموزش مهمترین نقش را در این راستا ایفا می‌کند. در این راستا سعی شده است به تشریح نظام آموزش گردشگری پرداخته و در ادامه راهکارهایی چند در جهت بهبود آن ارائه گردد.

تعریف گردشگری

گاه گردشگری را به عنوان پدیده‌ای نو در تاریخ بشر در نظر می‌گیرند حال آنکه تحرک، جزء لاینفک زندگی انسان‌ها بوده است و شاید گردشگری هم پدیده‌ای برخاسته از همین تحرک همیشگی باشد. به همین دلیل است که قدمت صنعت گردشگری را به آغازین لحظه‌های حیات انسان نسبت می‌دهند که تنها در طول زمان اشکال و اهداف آن دستخوش تغییر شده است.

بسیاری از کارشناسان معتقدند که این صنعت ریشه در تاریخ زندگی جمعی انسان‌ها دارد و از دوره‌های بسیار کهن به صورت‌های مختلف، نوعی از گردشگری و جهانگردی رواج داشته است. مردم در تمدن‌های ماقبل تاریخ هم مجبور به جابه جایی بودند تا غذا به دست بیاورند، از خطر دوری کنند و یا به مناطق دارای آب و هوای بهتر بروند. با گذر زمان انگیزه‌هایی همچون تجارت و تبادل کالا آنها را به مسیرهای دورتری کشاند و ابعاد مسافرت را وسعت بخشید.



دهک، سفره ی رنگین مهمان نوازی!

غروب، آخرین برگ‌های نخلستان‌ها را تیره کرده است که به دهک رسیده‌ایم... روستایی بعد از موزه‌ی زنده‌ی سفال کلپورگان و در جنوب شرق سراوان. کمی بیشتر بروی رسیده‌ای به روستاهای صفر مرزی. قنات دهک آخرین باریکه‌ی آبش را تقدیم تانکرهای آب‌رسانی می‌کند. دعوی آب است بین نخلستان و منازل که لوله‌کشی آب ندارند. از این روست که کشاورزی و نخل‌داری هم جذایتش را در اینجا دارد از دست می‌دهد. اتوبوس گردشگران کنار قنات پهلو گرفته و مسافران پا در خنکای آب فرو برده‌اند و صاحبخانه با حساسیت یک مهمان‌نواز دقیق، سعی در تهیه‌ی آب میوه‌ی پاکتی و پارچ آب و جایی برای نشستن مهمانان دارد. دهک سرزمینی بکر و خاموش است. سر هر تپه خانه‌هایی است و در دامنه و دره نخلستانهایی. مردم هزار قصه‌ی نشنیده دارند و کودکان خردسال با ذوق به هر رهگذری سلام می‌دهند. با خودت فکر می‌کنی سهم دهک از این حجم مسافران که مثل قطار در ایستگاهی متروک بعد از سال و ماهی گذرش به اینجا افتاده و میزبان را سخت دستپاچه و شوریده کرده است چیست؟ میزبانی که

با خودت فکر می‌کنی اینجا پر است از جای خالی آموزش جامعه‌ی محلی! اینکه بدانند در یک تور نیم روزه، مهمان چقدر جان آمدن و دیدن دارد! اینکه بدانند چقدر از آنچه در محل دارد را در این سفر عرضه کند و باقی را بگذارد برای دیدار بعدی! اینکه بدانند بخشی از حضور گردشگر قرار است به رونق کسب و کار مردم محلی بیانجامد و لازم نیست دکان محقر روستا را به رایگان برای گردشگران خالی کند!

خدا را شکر می‌کنی که هنوز **روی خوش**، آموزشی غریزی است که مردم دهک چون میراثی گرانبها از گذشته با خود دارند و این هنوز به کار مهمان‌نوازی و گردشگری می‌آید.



ایران از قرن هفدهم میلادی در دوران حکومت صفویان به عنوان یک کشور، مورد توجه جهانگردان قرار گرفت و اروپاییان را به سوی خود کشاند. اگر صدها مسافری که قبل از قرن هفدهم به ایران سفر کرده‌اند را کنار بگذاریم می توان قرن هفدهم میلادی به ویژه زمان سلطنت شاه عباس اول (مقارن با قرن یازدهم و دوازدهم هجری قمری) را نقطه ی آغازی برای جلب توجه گردشگران خارجی به ایران دانست. در این دوره سیاحان و گردشگران مختلفی از جمله پیتر دلاواله، ژان شاردن، تاورنیه، آنتونی شرلی، مادام دیولافو، جرج کلارک و... به همراه دیگر افرادی که جرج کروزن انگلیسی در پایان قرن ۱۹ میلادی در اثر معروف خود به نام ایران و قضیه‌ی ایران از آنها نام می برد، ایران را از نظر گذراندند. این مسئله نشان می دهد که ایران در طی قرون ۱۷ و ۱۸ میلادی به لحاظ تعداد گردشگران در صدر کشورهای آسیایی جای دارد.

در قرن نوزدهم، بسیاری از سیاحان، دیپلماتها، بازرگانان، باستان‌شناسان، محققان و حتی افراد کنجکاو برای دیدن ایران و آشنایی با آن به مسافرت پرداختند. در نیمه‌ی دوم قرن نوزدهم، لیدی، شل، وانسون، گوپینو و دکتر بروگسی در کتاب های خود تفاسیر خوبی را از ایران ارائه دادند و به نیکی از آن یاد کردند.

با وجود رشد فزاینده‌ی مسافران ایران، باز هم گردشگری به شکل تشکیلاتی منظم با قوانین و مقررات ویژه و درآمدزایی، مورد توجه قرار نگرفت. صنعت گردشگری در ایران از نیم قرن پیش با هدف شناساندن مفاخر ایران و تمدن کهن این سرزمین به صورت رسمی شکل گرفت و از سال ۱۳۱۴ اداره‌ای در وزارت کشور به نام اداره‌ی امور گردشگری کار خود را با چاپ نشریات و کتابچه‌های راهنمای گردشگری ایران آغاز کرد.

بعد از شهریور ماه سال ۱۳۲۰، شورای عالی گردشگری روی کار آمد که زیر نظر وزارت کشور فعالیت می‌کرد. در نهایت در سال ۱۳۴۲ هیأت وزیران تأسیس سازمان جلب سیاحان را در دستور کار قرار داد. با آغاز کار این سازمان تحولاتی در گردشگری ایران حاصل شد چرا که ارائه‌ی طرح‌ها و برنامه‌ریزی‌های وسیع زیربنایی در امر گردشگری محقق گردید.

سازمان جلب سیاحان در سال ۱۳۵۳ به عنوان زیر مجموعه‌ی تشکیلات وزارت اطلاعات درآمد و با عنوان وزارت اطلاعات و گردشگری، مسئول تنظیم امور ایرانگردی و گردشگری شد. در این زمان اداره ای با عنوان ایرانگردی و گردشگری به وسیله‌ی چهار شرکت سهامی با نظارت وزارت اطلاعات و گردشگری ایجاد شد و زیر نظر آنها فعالیت می کرد.

پس از انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۸ به منظور جلوگیری از تداخل وظایف و هماهنگ نمودن فعالیت‌ها و سایر مسائل مربوط به گردشگری، این چهار شرکت در یکدیگر ادغام شد و سازمان مرکز ایرانگردی و گردشگری با بافت و خطمشی‌های جدید و اهدافی کاملاً متمایز از گذشته شروع به فعالیت نمود. این سازمان اداره و بهره‌برداری از واحدهای اقامتی به شکل مهمان‌خانه، مهمان‌سرا، اردوگاه، کلبه، چادر، غذاسرا، چاپخانه، پیست اسکی، تأسیسات کنار دریا، آبهای معدنی، مراکز آموزشی زمستانی و هر نوع محل مناسب دیگری را برای ترویج گردشگری برعهده گرفت.

در سال ۱۳۶۴ سازمان میراث‌فرهنگی نیز شکل گرفت. این سازمان از ادغام ۱۱ واحد پراکنده در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و نیز به صورت سازمانی وابسته به وزارت فرهنگ و آموزش عالی تشکیل گردید. در سال ۱۳۷۲ به منظور هماهنگی و افزایش کارایی و اثربخشی و تمرکز در مدیریت دستگاه های فرهنگی، سازمان میراث فرهنگی کشور از وزارت فرهنگ و آموزش عالی جدا گردید و به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی سپرده شد.

در سال ۱۳۸۳ با مصوبه شورای عالی اداری، سازمان میراث فرهنگی با سازمان ایرانگردی وگردشگری ادغام گردید. در همان سال این سازمان از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی جدا شد و به عنوان زیرمجموعه‌ای از

معاونت‌های ریاست جمهوری به فعالیت خود ادامه داد. در سال ۱۳۸۵ نیز با مصوبه شورای عالی اداری سازمان صنایع دستی با سازمان میراث فرهنگی و گردشگری ادغام گردید و تا به امروز تحت عنوان سازمان میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری به کار خود ادامه می‌دهد و مسئولیت تمامی امور گردشگری را بر عهده دارد.

آموزش در رشته‌های مرتبط با جهانگردی در کشور ما از سال ۱۳۵۲ با تأسیس مرکز آموزش خدمات جهانگردی سازمان سیاحان زیرنظر کارشناسان خارجی و همکاران ایرانی آغاز شد. در آن زمان، علاوه بر پنج آموزشگاه ثابتی که در تهران، تبریز، شیراز، اصفهان و مشهد دایر بود در بقیه مناطق کشور نیز این آموزش‌ها به صورت سیار و گاه در مکان‌های مرتبط با گردشگری نظیر هتل‌ها و آژانس ها صورت می‌گرفت. افزون بر این، با توجه به بورس‌های تحصیلی و کارآموزی که از سوی سازمان جهانی جهانگردی و سازمان جهانی کار در اختیار سازمان قرار می‌گرفت، کارشناسان و کارمندانی که در استخدام سازمان بودند به کشورهای مختلف اعزام می‌شدند و پس از فراگیری آموزش به کشور باز می‌گشتند و در بازگشت با برگزاری سمینار، آموخته های خود را به سایر همکاران منتقل می کردند. در سال ۱۳۵۳، مدرسه عالی خدمات جهانگردی و اطلاعات در ایران تشکیل شد و در رشته‌های مختلف دانشجو جذب کرد. این روند ادامه داشت اما بعد از انقلاب اسلامی این دانشکده تعطیل شد، سپس برای نخستین بار با همکاری سازمان ایرانگردی و جهانگردی و دانشگاه جامع علمی– کاربردی، اولین مرکز آموزش عالی در میگون بر پا شد و متعاقب آن به رغم همه مشکلات، این مرکز به تهران منتقل شد.



تعریف آموزش و تعلیم گردشگری

در سالهای اخیر و خصوصاً پس از ۲۰۰۴ میلادی، رشد گردشگران ورودی شتاب بیشتری گرفت. در محیط بین الملل صنعت گردشگری و در موازنه با مسائلی چون امنیت و ایمنی که این صنعت را بسیار شکننده کرده‌اند، موفقیت نهایی و جهانی آن وابسته به حرفه‌ای‌گری نیروی کار آن است. در این شرایط است که لازم است تا از دبیرستان‌ها تا محیط‌های آکادمیک نسبت به توسعه برنامه‌های آموزشی اقدام گردد. اقدامات بسیاری در زمینه کیفیت خدمات و مشتری‌مداری در گردشگری صورت گرفته است.

مهم‌ترین اتفاق تأمین کنندگان آموزش نیروی انسانی، برخورداری از تعداد کافی نیروی تعلیم دیده، در مکان، زمان و مهارت مناسب می‌باشد. به عبارتی اگر کارفرمایان به اندازه کافی از اهمیت صنعتی که در آن فعالند آگاهی نداشته باشند و نیز اگر تأمین کنندگان آموزش و یادگیری به اندازه کافی از دامنه صنعتی که در آن به آموزش می‌پردازند آگاه نباشند، شانس کمی در هماهنگی میان تعداد و کیفیت نیروی کار مورد تقاضا و نیروی کار عرضه شده وجود دارد.

سازمان‌های بسیاری از گردشگری در جهت اهداف سنجش و تحلیل

استفاده کرده اند که از آن جمله می توان به طبقه بندی بین المللی استاندارد فعالیت‌های گردشگری سازمان جهانی گردشگری توجه نمود. فعالیت‌های تجاری گردشگری در حوزه آموزش عبارتند از آموزش بزرگسالان، مدارس راندگی، مدارس هوانوردی، آموزش قایقرانی، مدارس هتلداری، برنامه‌های آموزش و گردشگری، مدارس پارک و فراغت و نهایتاً راهنمای گردشگری.

تفاوت میان آموزش و تعلیم چیست؟

کوپر بر این عقیده است که آموزش، بلندمدت و تعلیم آنی‌تر است. بام نیز در این‌باره تعلیم را مجموعه‌ای از مهارت‌ها دانسته که در مقابل آن آموزش در مفهومی انتزایی دانش محور است. بام همچنین بر این عقیده پافشاری می‌کند که آموزش و تعلیم هردو برای فرایند توسعه گردشگری ضروری هستند؛ بنابراین توسعه انسانی واژه‌ای واحد است که برای ترکیب آموزش و تعلیم مناسب سطوح مختلف استخدام گردشگری بکار می‌رود.

پوسیک در سال ۱۹۹۳ اینگونه بیان داشت که هم آموزش و هم تعلیم گردشگری بایستی بطور مداوم و با توجه به نیاز آینده و نه دیروز صورت پذیرند. برخلاف تمامی این مطالب، ریچی و پولوک، معتقدند که آموزش گردشگری بیشتر تعلیم شغل است تا اینکه استراتژی توسعه شغل باشد(محمد علی پور، بی‌تا).

اهداف آموزش در گردشگری

دانشجویان در حال شرکت در دوره آموزشی گردشگری

از گذشته همواره بحث سرمایه‌گذاری در صنعت گردشگری مطرح بوده است. این بحث توسط شرکت‌های کوچکی که این صنعت را احاطه نموده‌اند و ناتوانی‌شان در حمایت و یا تشخیص اهمیت سرمایه‌گذاری نیروی انسانی برای بهبود حرفه‌ای‌گری و کیفیت محصولات مشهود است. همواره این مسئله وجود داشته است که صاحبان منافع این سرمایه‌گذاری را نوعی هزینه دانسته‌اند.

سرمایه‌گذاری در منابع انسانی گردشگری

گردشگری مهم‌ترین کسب و کار انسان محور بوده و بر خلاف دیگر صنایع و فعالیت‌ها، این صنعت انسان است که ارزش آفرین است تا تکنولوژی. در این صنعت افراد منابع و محصولات را به تجاری‌بی تبدیل می‌کنند که در نهایت توسط گردشگران مصرف می شود. مدیریت منابع انسانی در حقیقت مدیریت به کارگیری افراد بر اساس نیازهای سازمانی است و شامل برنامه‌ریزی، مدیریت، ارزیابی و کنترل افراد بر اساس اهداف راهبردی سازمان می‌شود. امروزه سازمانی قدرتمند است که به کارکنانش به عنوان سرمایه و دارایی ارزشمند نگاه کند. این سرمایه زمانی حاصل می‌شود که کارکنان بخش از مهارت‌ها و آموزش‌های لازم برخوردار باشند. شاید بتوان مهم‌ترین خصیصه توسعه در کشورهای میزبان و مقصد در صنعت گردشگری جهان را توجه ویژه آنان به آموزش و تربیت نیروی متخصص دانست. انسان‌های ساکن در مقاصد گردشگری و مدیران مربوطه اگر از درک موقعیت‌ها غافل باشند و نتوانند تسهیلات و تبلیغات لازم را برای جذب گردشگر فراهم نمایند قطعاً ناکارآمدی نیروی انسانی رخ می دهد که عاملی خواهد بود برای اتلاف منابع موجود، رویگردانی سرمایه‌ها از بخش و بی‌اعتمادی بخش غیردولتی به سیاست‌ها و برنامه اجرایی دولت‌ها ارزیابی قدرت یک کشور در بازار گردشگری بر اساس در اختیار داشتن منابع انسانی ماهر و جاذبه‌های منحصر به فرد گردشگری صورت می‌گیرد.(علی رحیم پور،۱۳۹۲، ص ۱۲۶ و ۱۲۷)

آموزش در تاسیسات گردشگری

بسیاری از شغل‌های موجود در صنعت گردشگری در بخش هتلداری است که حدود یک سوم کل مشاغل را شامل می‌شود. شواهد تاریخی

نیز که خدمات جا، نوشابه و غذا را نشانی می دهند گواه این مدعاست. لذا صنعت نوازگونه اقامت، بعدها به هدف والاترش یعنی هتلداری به عنوان هنر پذیرش میهمانان و هنر ایجاد حس در خانه خود بودن برای میهمانان نائل شد.

سال‌های متمادی مشاغل گردشگری و هتلداری توسط افراد غیر متخصص انجام می‌گردید. رشد برنامه‌ای آموزشی و تعلیمی و برآورده نمودن نیازهای شغلی این صنعت از لحاظ کیفی، در حال تغییر این روند است. در گذشته دستمزد پایه حتی برای فارغ التحصیلان برنامه هتل، بسیار پایین تر از دیگر صنایع و بخش‌های رقابتی بود. این امر بویژه برای بانوان مشهود بود؛ اما امروزه آموزش دیدگان این صنعت در حال تغییر جایگاه خود به قسمتی سودمند و پرمفعت می‌باشند.



آموزش در نظام عالی

در زمینه آموزش به ویژه آموزش نظری نقش دانشگاهها و موسساتی که به آموزش و تربیت نیروی انسانی مشغول‌اند برای حصول به اهداف راهبردهای منابع انسانی برجسته تر از دیگران است. به بیان دیگر دانشگاهها در نظام آموزش عالی برج فرماندهی علمی و فرهنگی جامعه هستند. از این رو کم اهمیت شدن موقعیت دانشگاهها در عرصه آموزش باعث میدان داری ناآگاهان به ویژه در صنعت خدمات محور گردشگری خواهد شد (محمود ضیایی ۱۳۹۱، ص ۶۱ تا ۸۵).

آموزش ضمن خدمت کارمندان

نقش منابع انسانی کارآمد و ماهر در موفقیت سازمان‌ها به گونه ای است که سازمان‌ها مبالغ زیادی صرف آموزش کارکنان می‌کنند. سازمان ها متناسب به عصر فن آوری اطلاعات به طور مداوم سعی می‌کنند فرصت‌هایی را برای توسعه توانمندی‌های منابع انسانی خود فراهم سازند تا عملکرد آن‌ها بهبود یابد. افزایش کارایی سازمان‌ها در گرو افزایش کارایی منابع انسانی است. آموزش از جمله استراتژی‌های مهمی است که در مدیریت گردشگری نیز مورد تاکید قرار گرفته است(مهدی کاظمی، ۱۳۸۸ ص ۳۴).

آموزش جوامع محلی

مردم و نهادهای محلی اگر آموزش های لازم را فرا گیرند و نسبت به گردشگری توجیه شوند شناخت بیشتری نسبت به منافع شخصی و منافع ملی پیدا می‌کنند، در حفظ منابع، قابلیت ها و امکانات گردشگری می‌کوشند، منافع دراز مدت خویش را مورد توجه قرار می‌دهند، راههای حداکثر استفاده از حداقل منابع را می دانند و یا می یابند و محیط مصنوع و طبیعی خود را همواره به صورتی زیبا و مطلوب نگاه می دارند تا هر لحظه پذیرای گردشگران باشند. آن ها اگر آموزش‌های لازم را فرا گیرند

استفاده بیشتری از مشاوره های تخصصی می‌برند و همکاری نزدیک‌تری با مسئولان و کارشناسان خواهند داشت. ضرورت آموزش هنگامی بیشتر درک می‌شود که اغلب می‌بینیم بسیاری از مردم با مقوله جهانگردی به شکلی احساسی برخورد می‌کنند و چون فرصت اظهار نظر، همفکری و مشارکت ندارند در نهایت بهره‌های لازم را نمی‌برند. پس از آن که مردم آموزش دیدند و به دیدگاه‌ها و ابزار مناسب مشارکت تجهیز شدند می‌فهمند که چه انتظاراتی باید از مسئولان و برنامه‌ریزان داشته باشند و چه اقداماتی را باید خود انجام دهند و این خود زمینه‌ای است برای همکاری متفکرانه مردم و مسئولان (نزهت احمدی، ۱۳۷۶ ص ۳۳۰)

چالش‌های نظام آموزش گردشگری ایران

در بررسی چالش‌های پیش روی ایجاد یک نظام کارآمد در بخش گردشگری ابتدا لازم است میان مشکلات ناشی از کمبود منابع یا ضعف برنامه ریزی در نظام مدیریتی تفکیک قائل شویم. باید توجه داشت که مشکلات روش شناختی قابل ملاحظه ای در تعیین نیازهای آموزشی صنعت گردشگری وجود دارد، عواملی که ممکن است مانع بازده آموزش گردشگری در تحقق تقاضاهای فعلی و آتی شود. این عوامل عبارتند از:

– **چند رشته‌ای بودن گردشگری و پیچیدگی ساختاری آن**

– **پویایی گردشگری و رشد و تغییرات سریع آن**

– **فقدان معیارهای استاندارد و عمومی در سطح بین الملل**

– **عدم وجود شرایط کاری مستحکم نوسانات فصلی کار، نیمه وقت بودن مشاغل**

– **فقدان هماهنگی لازم بین بخشهای مختلف درگیر در صنعت (ضرغام، ۱۳۸۳)**

به منظور فائق شدن بر این موانع نیازمند اتخاذ رویکرد سیستماتیک و بررسی هر چه بیشتر خرده نظامهای تشکیل دهنده سیستم گردشگری هستیم. عدم آموزش کارکنان بدین مناسست که کارکنان از طریق آزمون و خطا اقدام به یادگیری مهارت های شغلی می‌نمایند که به بالا رفتن ضریب خطاهای کارکنان و تداوم خطاها و طولانی‌تر شدن مدت یادگیری که به معنی تداوم ضایعات است منجر خواهد شد (ابطحی ۱۳۸۳)، لذا بنگاههای بخش گردشگری مایلند تا از نیروهای ماهر (علی رغم هزینه بالاتر آنها) بهره گیرند.
معهذا در شرایط کنونی به دلایل زیر نمی‌توان از نظام آموزشی توقع تربیت نیروهای کارا و موثر را در عرصه گردشگری داشت:

– **جوانی رشته و عدم وجود تجهیزات لازم به ویژه در بخش آموزش عملی**

– **عدم تخصیص منابع مالی کافی از سوی دولت به بخش آموزش در مراکز دانشگاهی**

– **کم اعتمادی بخش خصوصی نسبت به افراد آموزش دیده از سوی مراکز موجود(ضرغام ۱۳۸۳)**

عدم اعتمادی که در مورد سوم به آن اشاره شد خود معلول مشکلات و نارسایی‌های دیگری در سطح آموزش است. دلیل عمده بروز این مشکل به ویژه در کشورمان ایران آن است که آموزش کارکنان توسط افرادی برنامه ریزی، اداره و اجرا می شود که کوچکترین اطلاعی از آموزش گردشگری ندارند. یکی از ریشه های این معضل آن است که پس از انقلاب هیچ گونه دوره ای برای تربیت مدرس در این رشته وجود نداشته است.

علت دیگر عدم اعتماد بنگاه ها به تربیت‌شدگان نظام آموزش

گردشگری، ناکارآمدی دانسته‌های این افراد در محیط‌های کاری است چرا که اغلب کارگزاران بخش آموزشی ارزش‌های آموزش نظری را برتر می‌شمارند و در نتیجه به دانشجویان مهارت‌های بسیار اندکی آموخته می‌شود بنابراین بسیاری از دانشجویان شایستگی‌های کمی جهت احراز یک شغل دارند و عملاً در محیط کار قادر نیستند آموخته‌های خود را به کار گیرند و در مواقعی به علت عدم تطابق آموزه‌ها با شرایط موجود ناگزیرند خلاف آنچه آموخته‌اند عمل نمایند.

یکی دیگر از مشکلات بخش آموزش گردشگری ناشی از هزینه‌های آموزشی و تامین تجهیزات اینگونه آموزش‌ها است. امروزه در اغلب کشورهای موفق در زمینه توسعه گردشگری از هزینه‌های آموزشی با عنوان سرمایه‌گذاری بلند مدت یاد می‌شود (انچه‌ای ۱۳۸۳) چرا که نتایج آن در بلند مدت ظاهر می‌شود اما از آنجا که هزینه‌های آموزشی (پویژه در بخش خصوصی) تنها در یک دوره محاسبه شده و نتایج آن در دوره‌های بعدی مشخص می‌گردد معمولاً بنگاه‌ها تمایل چندانی در سرمایه‌گذاری در بخش آموزش‌های بلند مدت ندارند و از سال ۱۳۸۰ که سازمان ایرانگردی و جهانگردی رویکرد نظارتی را نسبت به امر آموزش اختیار کرده است (انوری ۱۳۸۴) صنعت در بخش آموزش‌های بلند مدت با بحران مواجه شده است چراکه بخش خصوصی کمتر تمایل و توانایی برگزاری اینگونه دوره ها را دارد و ساده اندیشی است که گمان بریم تنها با بکارگیری آموزش‌های کوتاه مدت افراد می‌توان به موفقیت در این صنعت دست یافت.



راهکارهای اصلاحی جهت بهبود نظام آموزشی کشور

آموزش نوعی سرمایه‌گذاری مفید و یک عامل کلیدی در توسعه محسوب می‌شود و چنانچه به درستی و شایستگی برنامه‌ریزی و اجرا شود می‌تواند بازده اقتصادی قابل ملاحظه‌ای داشته باشد. ارائه آموزش اثر بخش در یک سازمان مدرن مستلزم تفکر جدید، مدل‌های جدید، رویکرد جدید و ابزارها و مکانیزم‌های جدید است (عباس زادگان و ترک زاده ۱۳۸۳) از آنجا که آموزش به عنوان بخش زیربنایی مدیریت منابع انسانی و مدیریت کیفیت در صنعت گردشگری مطرح است برای اصلاح نظام ساختاری صنعت گردشگری کشور می توان کار را از اصلاح نظام آموزشی آغاز کرد.

گام اول یا به عبارتی خشت اول برنامه‌ریزی آموزشی تعیین (شناسایی و اولویت بندی) نیازهای آموزشی است که اگر بدرستی طرح‌ریزی و انجام شود تمهیدی مناسب و اساسی جهت اثر بخشی کارکرد آموزش و به‌سازی و تبعاً اثربخشی نظام خواهد بود. بدین منظور انواع و محتوای دوره ها، تعداد آموزش دیدگان و تعداد افراد کادر آموزشی باید مورد بررسی قرار گرفته و کمبودها و شکاف‌های موجود میان نظامها و مدل های آموزشی شناسایی شود که برای اینگونه بررسی ها ابتدا لازم است که نظام آماری کارآمدی در اختیار داشته باشیم.

به منظور اثربخشی نظام طراحی شده لازم است بین وظایف اجرایی بخش دولتی و خصوصی تمایز قائل شویم تا در آینده از واگذاری وظایفی که خارج از توان یا صلاحیت هر یک از این بخش هاست خودداری شود. جهت سهولت دسترسی به این هدف می توان یک کمیته یا شورای ملی آموزش ایجاد کرد که گروه‌های دست اندرکار از جمله:

– **موسسات دولتی متولی امور گردشگری**

– **نیروهای کار آموزش دیده**

– **اتحادیه ها و سازمان‌های کاری**

– **اتحادیه‌های تجاری و حرفه‌ای (کارفرمایان)**

و اتحادیه‌های آموزش‌های گردشگری و هتلداری یا سازمان‌های مشابه را گرد هم آورده و وظایف هر یک در امر آموزش را تدوین کند (انچه ای ۱۳۸۳). این شورا باید با کنترل شرایط بازار کار و روندهای مربوط نیازهای فعلی و آتی گردشگری را به کارکنان، مدیریت، سرپرستی، کارکنان ماهر و غیر ماهر را مورد بررسی مداوم قرار دهد و به عنوان رابطی میان دستگاه‌های اجرایی و نظام دانشگاهی عمل کند به گونه‌ای که نظام آموزشی دانشگاهی بر مبنای نیازهای موجود دستگاههای اجرایی و بازار کار صنعت گردشگری طراحی شود. در راستای دست‌یابی به این هدف، شورای مذکور می‌تواند یک بانکِ اطلاعاتی در مورد نیازهای بازار کار گردشگری و منابع انسانی موجود طراحی کند تا به روند عرضه و تقاضای بخش منابع انسانی این صنعت نظم بخشد. از طرفی این شورا می‌تواند با هماهنگی بین بخشی زمینه سخنرانی علمی سخنرانان، مدیران و کارشناسان را در زمینه گردشگری فراهم کند.

– **در راستای تحقق اهداف از پیش تعیین شده دولت می‌بایست وظایف کلان را که اجرای آن از عهده بخش‌های دیگر خارج می‌باشد بر عهده گیرد. لذا دولت در این راستا باید:**

– **برنامه‌ها و دوره های آموزشی، سطوح سرپرستی و مدیریت را ایجاد کند و آموزش دهد.**

– **در زمینه روند استخدام نیروی انسانی و نیازهای آموزشی تحقیقات کند و منبعی برای دستگاه دولتی متولی امور گردشگری باشد و در امر به روز کردن منابع انسانی کمک کند.**

– **کتابخانه‌های مجهز به مراکز اسناد و سایت را فراهم کند**

– **در طراحی و توسعه استانداردهای مهارت‌های حرفه‌ای و برنامه‌های آموزش عملی و طراحی یک سیستم آزمون شغلی و صدور گواهینامه آن منبع مطمئنی ایجاد کند.**

– **به عنوان مرکز مادر در حوزه های تخصصی خاص توسعه گردشگری عمل کند.**

– **و بخش خصوصی باید ضمن اجرای دوره های کوتاه مدت آموزشی به صورت دوره‌ای مطابق با مطالعات نیازسنجی انجام شده در راستای تحقق اهداف کلان آموزشی گام بردارد. بنگاه های بخش گردشگری باید استراتژی منابع انسانی را در تدوین برنامه های اجرایی خود مد نظر قرار دهند و ضمن الزام طی کردن دوره های آموزشی برای افراد جدیدالورود، آموزش ضمن خدمت برای کارکنان شاغل را در دستور کار خود قرار دهند تا بدین طریق از جابه جایی و خروج کارکنان از صنعت بکاهند.**

منابع

– ضیایی، محمود (۱۳۹۱)،جایگاه گردشگری در نظام آموزش عالی ایران»، فصلنامه مطالعات مدیریت گردشگری، شماره ۱۷، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.

– محمد زاده و دیگران، (۱۳۹۲)، مدل سازی تقاضای گردشگری، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری.

– احمدی، نزهت، (۱۳۷۶)،توریسم و رسانه همگانی»، مجموعه مقالات نخستین همایش جهانگردی و جمهوری اسلامی، انتشارات سازمان منطقه آزاد کیش.

– رحیم پور، علی (۱۳۹۲) گردشگری در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری چاپ نخست.

– کاظمی، مهدی (۱۳۸۸) ارزیابی کیفیت دوره های آموزشی ضمن خدمت در صنعت گردشگری استان فارس»، فصلنامه مطالعات جهانگردی، انتشارات علامه طباطبایی.

– ابطحی، سید محمد (۱۳۸۳)، آموزش و بهسازی سرمایه های انسانی، موسسه فرهنگی کتاب لاینز.

– انچه ای، امیرحسین (۱۳۸۳) بررسی راهکارهای توسعه گردشگری در کشور های مالزی، ترکیه وتونس و ارائه راهکارهای مناسب برای ایران»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.

– ضرغام، حمید (۱۳۸۳)، مسیرشغلی و ضرورت آموزش نیروی انسانی در صنعت هتلداری و جهانگردی»، فصلنامه مطالعات جهانگردی، سال ۲، شماره ۶.

– رسول محمد علی پور، تلخیص از کتاب tourism policy and planning.

– http://www.tourismscience.ir



آموزش کیفی گردشگری (سیستم گواهی نامه TEDQUAL)

مصطفی میر

کارشناس ارشد مدیریت بازاریابی جهانگردی – دانشگاه علامه طباطبایی سرپرست مرکز علمی کاربردی میراث فرهنگی. صنایع دستی و گردشگری زاهدان

برای رسیدن به رقابت در واحدهای تجاری جهانگردی اساسی است.

در نتیجه رسیدن به رقابت همچنین به بکارگیری مدیریت حرفه‌ای در تعلیم و تربیت جهانگردی،شکستن عادت‌های سکون در مؤسسه‌های آموزشی و پاسخگویی به نیاز واقعی بازار احتیاج دارد.

برای رسیدن به این مهم تعلیم و تربیت جهانگردی باید دارای (۱) کیفیت : پاسخگویی به نیازهای صنعت جهانگردی و (۲) کارایی : مطالعه و ارزش گذاری هزینه‌ها و درآمدهای گسترء وسیعی از مراحل و روش‌های آموزشی موجود باشد.بنابراین اولین قدم برای رسیدن به یک سیستم آموزشی جهانگردی شناسایی نیازها و توقعات افراد مرتبط مانند: کارفرمایان جهانگردی،دانشجویان و تعلیم‌دهندگان در یک چنین سیستمی جهت تضمین اعتبار آموزش داده‌شده و مراحل درحال انجام است.

در مجموع آموزش برای رقابت و رقابت در آموزش اساسی است.

دلیل ارایه روش آموزش کیفی جهانگردی

در خصوص اهمیت تضمین آموزش جهانگردی به اینکه قادر به جلب رضایت مشتری و بهبود رقابت تجارت ها و مناطق جهانگردی شود، بین کارشناسان صنعت جهانگردی و مسئولان دولتی توافق وجود دارد. طراحی دوره آموزشی و محتوای برنامه آموزشی باید متناسب با تقاضا یعنی نیازهای کارفرمایان، فراگیران و ارایه کنندگان آموزشی باشد.

مشکلات روش شناختی قابل ملاحظه ای در نیازهای آموزشی در صنعت جهانگردی وجود دارد. در واقع عواملی وجود دارد که ممکن است مانع بازده آموزش جهانگردی در راستای تقاضای فعلی و آتی شود. این عوامل به شکل زیر است:

الف) جهانگردی به عنوان یک پدیده چند رشته ای

جهانگردی یک فعالیت اجتماعی– اقتصادی جدیدی است که در برگزیده بخش های اقتصادی و رشته های علمی متنوعی می باشد. پیچیدگی ترکیب آن مشکلاتی را برای ارائه تعاریف قابل قبول جهانی ایجاد می کند.

بنابراین تعریف واحدی از جهانگردی وجود ندارد، اما چندگانگی آن

هر یک بخشی از مطالعات را می پوشاند و بر جنبه های مختلفی از یک فعالیت تأکید می کند. اقتصاددان بر جنبه مصرف، روان شناس بر انگیزه مصرف کننده و جغرافیدان بر مشخصات جغرافیایی آن تأکید می کند (کوپر ۱۹۹۳).

همین مقوله در مورد عرضه و تقاضا در جهانگردی می تواند مطرح شود. تجزیه، تنوع و ناهمگونی اجزای مختلف ما را به تعاریف متفاوتی رهنمون می سازد که هر یک به علایق محققان بستگی دارند. اینها به نوبه خود تعاریف مختلفی از طبقات شغلی ارایه می دهند که به زیرمجموعه های جهانگردی و سطوح حرفه ای تقسیم می شوند.

به علاوه رشد و نمو این روندها در خود صنعت جهانگردی باعث دگرگونی تمرکز در شیوه تعریف شده است. بنابراین در مرحله نخست یا مرحله حرفه ای که جهانگردی با تقاضا و تولید محدود و گسسته مشخص می شود، پیوندی که از اهمیت زیادی برخوردار است پیوند بین صنعت جهانگردی و حمل و نقل می باشد. به هر حال، زمانی که پدیده عظیمی رخ می دهد، تعاریف بیشتر با عادات و فعالیت های دیدارگران (زمانی که از محل اقامت عایشان دور هستند) مطابقت داده می شود.

در پرتو این امر، سازمان جهانی جهانگردی (۱۹۹۴) بر آن شد تا بدنه ای ادراکی و معتبر که جهانگردی را به عنوان مبحثی برای تحقیق علمی و فعالیتی اقتصادی که قابل مقایسه با سایر صنایع باشد، به ثبت برساند. بنابراین جامعه طبقه بندی بین المللی استاندارد فعالیت های جهانگردی (SICTA) به وجود آمد، و تعریف آن برای اهداف در مدت زمانی متوانی و کمتر از یک سال و به منظور گذراندن اوقات فراغت، تجارت و اهداف دیگر انجام ومی شود (سازمان جهانی جهانگردی ۱۹۹۴)

گرچه تعاریف جهانی توسط مسئولان دولتی پذیرفته شده است اما موسسات آموزش جهانگردی و خود بخش جهانگردی هنوز آن را نپذیرفته اند. این امر هم موجب مختل شدن کل رفتار منطقی و سیستماتیک و هم باعث مختل شدن شناسایی و حل مشکلات موجود آموزش می شود. با توجه به این امر علیرغم کوشش های مختلف برای رده بندی محدوده های موضوع مورد مطالعه که باید توسط هر سیستم آموزش جهانگردی فراهم آورده شود از مدل آموزشی جعفر جعفری (۱۹۸۱) گرفته تا جدیدترین طبقه بندی سازمان جهانی جهانگردی درباره رشته های مختلفی که به آموزش جهانگردی مرتبط است– جهانگردی به صورت یک رشته و روش مند ارائه نشده است. جهانگردی مقوله چند رشته ای یک دانش رو به رشد است که با علوم اجتماعی همگرا است. (Ritchie, ۱۹۹۲، سازمان جهانی جهانگردی ۱۹۹۵).

چالش عظیمی در آموزش جهانگردی در ساختن نظام آموزشی است که از به دام افتادن در موضوعات انفرادی و تجزیه شده و وابسته به اصل علمی محقق– مربی مصون باشد و در عوض باعث ایجاد یک هسته مرکب از دانش چند رشته ای شود که یک نگرش را به وجود می آورد.

<p>در حال حاضر حساسیت زیادی در مورد نقش کلیدی آموزش به وجود آمده است و این مسأله ریشه در محوری بودن آن دارد که می تواند فقدان آموزش در زمینه رشته های علمی جهانگردی را با روش های شناور، گسسته و تخصصی جبران کند، که عمده هدف آن یک کار دسته جمعی و وسیع نیست بلکه یکی کردن تلاشهایی است که در قبال تمامی گروه ها وارد جریان کار می شود.</p>

ب) پویایی جهانگردی

بعد از گذشت ۴ دهه از رشد سریع کمی در صنعت جهانگردی، تغییرات ساختاری بزرگی در این صنعت پدید آمده است (فایوس ۱۹۹۳، پون ۱۹۹۳، تتوبالد ۱۹۹۴). این تغییرات عبارتند از:

تقسیم بندی تقاضا: مصرف کنندگان امروزی بیش از گذشتگان تجربه دارند و انگیزه ها و نیازهای آنان در سطح بالاتری است، بنابراین تقاضای آنان از استاندارهای بالاتری برخوردار است. از آنجا که شناخت خوشه های صفات و نیازهای مشتریان در طراحی محصولات و خدمات امری اساسی است که امکان رقابت بیشتر را فراهم می سازد و معرفی این محصولات و خدمات به بازار به شیوه مؤثر امکان پذیر است، بنابراین فنون تجربه بازار امروزه بسیار پیچیده تر از گذشته است.

● جهانی سازی بازار: انتشار اطلاعات جدید و فن آوری های ارتباطی، رقابت بازار را افزایش می دهد.

● تعامل یکپارچه: فن آوری های جدید، جستجو برای سود بیشتر را از طریق ایجاد اقتصادهای سیستمی و همسویی بین فعالیت ها تسهیل می نماید.

● تقاضا برای انعطاف پذیری بیشتر: در تولید، توزیع، ومراحل مصرف و اشکال جدید در مدیریت.

● پیش شرط هایی برای پایداری محیطی و اجتماعی– فرهنگی در فعالیت تجاری توریستی.

نمودار تجاری جهانگردی در عصر جدید جهانگردی خصوصياتی دارد که منجر به ایجاد سیستم های جدید آموزشی در سراسر دنیا می شود. این سیستم ها نیازمند حل اختلاف در مطلوب بودن کل یا بخش خاصی از آموزش هستند بنابراین:

● از یک طرف افزایش تجزیه بازار نیاز به تخصص های بیشتر توسط متخصصان تجاری را می طلبد.

● در عین حال انعطاف پذیری مولد که مورد تقاضای بازار است نیاز به برنامه آموزشی وسیع و ادامه آموزش به صورت حرفه ای در بخش دارد.

● بالاخره، تعامل یکپارچگی و جستجو برای اقتصادهای سیستمی نیاز به پل های حرفه ای به منظور عبور در صنعت را دارد.

با این حال، بیشتر نظام های آموزش جهانگردی در حال حاضر تا حد زیادی غیرپویا و ساکن می باشند که نتیجه اصول ایستای گذشته است. نتیجه این است که عکس العمل نسبت به مسائل مهم استراتژیک، کند می باشد.

ج) فقدان شناخت برای مراحل استاندارد و ویژگی های بین المللی

تغییرات بخش بازار جهانگردی که در بالا توضیح داده شد، نیاز صنعت را برای شاغلان حرفه ای که آموزش آنها متناسب با نیازها و تقاضاهای بخش است افزایش می دهد. این پدیده، ترغیب کننده بنیادها، دانشگاه ها، انجمن ها، اتحادیه ها، تجارت ها، سازمان های بین المللی و غیره در سراسر دنیا جهت تخصصی کردن بخش های مختلف جهانگردی در سطح پایه، میانه و عالی است. نتیجه مستقیم تنوع گسترده آموزش که منجر به رشد آن گردید تجزیه و انتشار تلاش ها بوده است.

به این تجزیه بازده آموزش، باید عدم شناخت متقابل ویژگی ها و فقدان استانداردهای مشترک در مراحل شناخت بین المللی را اضافه نمود. نتیجه نهایی سردرگمی کارفرمایان بخش جهانگردی است در این مورد که چه مهارتی باید جهت این آموزش ها کسب شود. همچنین موانعی که بر سر راه دانش آموزان برای کسب چنین مهارتهایی وجود دارد.

اسپرو و پوپیه لازر (۱۹۹۵) به مطالعات اخیر اشاره می کنند که نشان دهنده کسب توانایی کم در ارتقای مدیریت جهانگردی است. همان طور که کارگیل (۱۹۹۵) می گوید، متخصصان صنعت جهانگردی فکر می کنند توانایی مدیریت تجارت عام بیش داز تخصص در جهانگردی ارزش دارد.

افزایش روزافزون برنامه جهانگردی قابل دسترس با توسعه دامنه توانایی ها و استانداردها همراه شده است و در کنار آن برنامه های آموزشی از استحکام لازم برخوردار نیست. این امر موجب عدم هدایت کارفرمایان و فراگیران آموزش می شود. به عنوان مثال، آمریکای شمالی امروزه دارای ویژگی های متنوع جهانگردی است در حالی که در سال ۱۹۸۰ فقط دو ویژگی داشت (مورسین ۱۹۹۲).

با در نظر داشتن این موضوع، این سازمان جهانی جهانگردی درصدد تدوین چارچوبی برای استانداردهای مشترک می باشد. در مطالعات اخیر (ژانویه ۱۹۹۷) امکان آزمون استاندارد جهانی یعنی آزمون استاندارد (Grad- uate Tourism Aptitude Test) GTAT را تحلیل کرد که هدف آن تعیین استعداد فراگیران جهانگردی برای ادامه تحصیل دانشگاهی و اشتغال در پست های مدیریتی جهانگردی است.

د) عدم وجود شرایط کاری مستحکم

علاوه بر تجزیه آموزش در زمینه جهانگردی، جنبه های زیادی مربوط به اشتغال جهانگردی وجود دارد که شرایط کاری را در دهه های اخیر تعیین کرده و تا حد معینی به عدم اعتبار جهانگردی به عنوان یک حرفه کمک می کند، و باعث هدایت دانش آموزان مستعد به انتخاب دیگر زمینه های تخصصی می شود، سازمان جهانی جهانگردی جنبه های زیر را خلاصه کرده است:

- تعداد زیاد کارگران نیمه وقت.

- تعداد زیاد کارگران موقت.

- تعداد زیاد کارگران دیگر زمینه های اقتصادی بدون اطلاعات تخصصی در زمینه جهانگردی.

- تعداد زیاد کارگران زن در زمینه های فرعی، اما تعداد کم آنها در مسئولیت های کلیدی.

- تعداد زیاد کارگران خارجی به صورت قرارداد نامطمئن.

- تعداد زیاد افراد جوان با مهارت های کم.

- تعداد زیاد کارگران در اقتصاد بازار سیاه.

- سطح پایین درآمد نسبت به دیگر بخش های اقتصادی.

- هفته کاری طولانی.

- سطح پایین اعضای اتحادیه های تجاری نسبت به دیگر بخش ها.

اگرچه شرایط کار در جهان یکسان نیست و نمی توان تعمیم داد، اما می توان گفت شغل های مربوط به جهانگردی اغلب ناامن است و در مواردی حتی قوانین ساعت کار را نیز نقض می کنند. بازتاب این امر تصویری منفی از این بخش ارائه می کند و باعث برگشتن سرمایه هر بخش و پیچیدگی مشکلات موجود در برطرف کردن نیازهای درازمدت می شود.

ه) تفاوت انتظارات در تقاضا برای سیستم آموزش جهانگردی

اگر می خواهیم سیستم آموزش جهانگردی را بنا کنیم نمی توانیم

فراموش کنیم که طبیعت هر بخش و چندگانگی افراد شاغل اجازه نمی دهد که اقدامات آتی به یک نگرش واحد برسند. ما نه با یک مشکل، بلکه با مجموعه ای مشکلات در بهینه سازی آموزش مواجهیم که هریک به علایقی بستگی دارد. در حقیقت طراحی باید متناسب با انتظارات مختلف در تقاضا برای سیستم جهانگردی باشد. در زیر به توصیف بخشی از این انتظارات می پردازیم.

انتظارات جویندگان دانش، کارکنان آینده:
اینها اولین دریافت کنندگان آموزش هستند، آنها هزینه های مستقیم و غیرمستقیم را متحمل شده و به طور فعال در مراحل آموزش نقش دارند، اگرچه سطح توانایی های افرادی که مبادرت به آموزش جهانگردی می نمایند تفاوت می کند، انتظارات و تقاضاهای آنها نیز متفاوت است، و به طور کلی فراگیران می خواهند به رویایشان برای دستیابی به کاری درازمدت جامه عمل بپوشند.

انتظارات کارفرمایان در بخش خصوصی و دولتی
جهانگردی:
اینها مستقیما مصرف کنندگان توانایی های کسب شده توسط فراگیران و اطلاعات واقعی از نیازهای دائمی جهانگردی هستند، بنابراین ضروری است که فرصتی به آنها داده شود تا نیازهای واقعیشان راشرح دهند، و به تعریف درستی از اهداف و خلأهایی که باید پر شود برسندو از نظر زمانی انتظارات این گروه با فراگیران تفاوت دارد. در حالی که هدف فراگیران داشتن شغل دائم می باشد، کارفرمایان عموما به دنبال برآوردن نیازهای کوتاه مدت به صورت موقت هستند.

و) انتظارت کارشناسان آموزشی

نقش کارشناسان در تضمین کیفیت آموزش اساسی است. اگرچه مربیان از سیستم های آموزشی، منابع موجود، ابزارهای کار، آزادی در انتخاب روش ها، نحوه ارزیابی و غیره انتظاراتی دارند اما انتظارات گروه اخیر از دو گروه پیشین متفاوت است. طبق اظهارات «ماکی» و «هیوود» کارفرمایان بر توانایی های عملی دانشجویان مبنی بر عمومی بودن و قابلیت انتقال آن تأکید دارند اما مربیان مطالب درسی را که بیشتر جنبه نظری دارد ارئه می نمایند. از طرف دیگر دانشجویان به دنبال آموزش کیفی هستند، آموزشی که جوابگوی یک دوره شغلی بلند مدت بوده و به نیروی صرف شده برای آموزش ارزش می بخشد، گرچه ممکن است این ارزش نسبت به آنچه که مدرس مدنظر داشته متفاوت باشد.

شناخت انتظارات و نیازهای واقعی تمامی افرادی که در سیستم آموزش جهانگردی هستند مهم است، هدف نهایی باید ارتقاء سطح ارتباط میان تمامی آن افراد باشد، به طوری که بتوان جوابگوی تمامی نیازهای پیچیده آنان بود و این کار آسانی نیست.

ز) فقدان هماهنگی بین گروه های درگیر در مسأله

افزایش سریع و روزافزون تقاضا برای جهانگردی در بسیاری از کشورها موجب توسعه ناهماهنگ طرح های مختلف جهانگردی می شود که از جمله آن در زمینه آموزش جهانگردی است. در حقیقت سرعت این افزایش بیانگر این حقیقت است که بخش عظیمی از مشاغل در بخش جهانگردی توسط کارگران فصلی دیگر بخش های اقتصادی انجام می شود. اکنون این پدیده، آن بی میلی قدیمی را که در بین بسیاری از کارشناسان جهانگردی در موافقت با دادن اهمیت بیشتر به وضعیت جهانگردی موجود بود، تقویت کرده است و آنان بارها و بارها بهای بیشتری به تجربه در مقایسه با آموزش داده اند. این مسأله به نوبه خود صنعت جهانگردی را با آن روش آموزش کارکنان و روش پیشنهادی درباره ابتکارات سیستم آموزشی از یکدیگر جدا کرده است (هیوود و ماکی ۱۹۹۲).

در همین رابطه پویایی جهانگردی به عنوان یک فعالیت اجتماعی، اقتصادی و تسلط SMES در بخش جهانگردی– بخشی که شماری از مدیران در رابطه با آن هیچ گونه آموزشی ندیده اند– فرصت های آموزشی قشر جوان، کارگران و نقش مجامع را محدود کرده است، اما در بخشی دیگر مبنای یک حرکت مثبت جهت شناسایی نیازهای و تسریع در دخالت

دادن مسئولان دولتی در فرایند آموزش کارگران شده است (سازمان جهانی جهانگردی ۱۹۹۵ و ۱۹۹۶).

در حال حاضر حساسیت زیادی در مورد نقش کلیدی آموزش به وجود آمده است و این مسأله ریشه در محوری بودن آن دارد که می تواند فقدان آموزش در زمینه رشته های علمی جهانگردی را با روش های شناور، گسسته و تخصصی جبران کند، که عمده هدف آن یک کار دسته جمعی و وسیع نیست بلکه یکی کردن تلاشهایی است که در قبال تمامی گروه ها وارد جریان کار می شود.

چنین هماهنگی بدون شک عالی خواهد بود، اگر به یاد داشته باشیم که به یک بسیج جهانی کار در گرو عالمگیر شدن بازار جهانگردی و روند استانداردسازی دستاوردهای پیشرفت و توسعه و تجارت نیاز باشد. طبق بیانات «برگر» و «ریچی» صنعت رقابت برانگیز جهانگردی توسعه راه های گفت و گو و همکاری را میان مقامات کشورها، صنعت جهانگردی و مؤسسات آموزشی فراهم می کند. تجسم توابع عمودی دستگاه هایی چون دولت، صنعت، آموزش بدون تابع اولیه افقی بین سطوح مختلف دستگاه های دولتی که عموماً نمود خارجی ندارند کار را دشوار خواهد ساخت (بوام ۱۹۹۵).

همه این عوامل بر سر راه آشنایی با نیازهای آموزشی در بخش جهانگردی وجود داشته و برای تبدیل چنین معلوماتی به برنامه ها و روش های مؤثر آموزشی موانعی ایجاد می کند. علیرغم این مشکلات، سلسله اقداماتی برای شناسایی نیازها در بخش آموزش و تربیت جهانگردی به وجود آمد که نمونه نهایی از آن در ذیل آمده است:

- یکی از تلاش های انجام شده در اواخر دهه ۱۸ توسط مرکز (CEDEFOP) جهت شناسایی دانش و مهارت و آموزش مورد نیاز برای مشاغل خاص بوده است. هدف از آن ارتقای شایستگی استانداردسازی جهانگردی اروپایی می باشد.

- اقدام دیگری از سوی (CHRIE) برای توسعه و انجام استانداردهای ملی داوطلبانه از مهارت و توانایی های لازمه جهت کار در صنعت جهانگردی انجام گرفت.

کار انجام شده دیگر از سوی شورای جهانی جهانگردی و سفر (WTTC) و اتحادیه جهانگردی آسیا و اقیانوسیه در سال ۱۹۹۴ بر روی عوامل حساس با توجه به سرمایه انسانی در SME جهانگردی حوزه اقیانوسیه می باشد.

این تحقیقات اثبات کرده اند که برای شناسایی و توصیف توانایی های لازم جهت ایفای نقش خلاق در جهانگردی مؤثر بوده اند. اگرچه آن چیزی که به طور عام جهت انجام تحقیقات برای نیازهای آموزشی تا این تاریخ صورت گرفته عموماً فاقد یک اساس نظری می باشد که مولد یک روش قابل اطمینان جهت نیل به شناسایی ضعف های آموزش است؛ چرا که تمامی تحقیقات برگرفته از روش مشاهده تجربی بودند. به علاوه تمایل به دادن خدمات به بخش های منزوی تر صنعت جهانگردی بیشتر بوده و به عناصر اصلی آموزش جهانگردی با عنوان یک جمع در نظر گرفته نشده اند و کاری در زمینه مشکلاتی که ممکن است در سطوح مختلف حرفه ای، مناطق جغرافیایی و جداول زمانی پیش آید انجام نگرفته است.



روش آموزش کیفی جهانگردی (TEDQUAL) که از حمایت سازمان

جهانی جهانگردی برخوردار است معرف یک ابزار بسیار مطمئن برای مقاصد جهانگردی، دستیابی به کشورها و مناطق از طریق یک کیفیت مطلق می باشد. اطلاعاتی چه برای حال و چه برای پیش بینی نیازها در آموزش جهانگردی و نیز کشف ضعف های اساسی که در بازده آموزش وجود دارد مورد نیاز است. وقتی این نواقص در بخش آموزش مشخص شد اولویت هایی که از فوریت برخوردار هستند نیز معلوم خواهد شد.

روش آموزش کیفی جهانگردی دارای امتیازاتی نسبت به روش های تحقیقاتی قدیمی برای تعیین نیازهای آموزشی است. از آنجا که با پیچیدگی تحلیل صنعت جهانگردی مرتبط است، نه تنها راه را برای مشخص ساختن ضعف های کیفی کلی باز می کند، بلکه این نواقص و کمبودها را روی یک نقشه سه بعدی که بخش های گوناگون صنعت و سطوح مختلف حرفه ای و مناطق جغرافیایی را مشخص مرتده تعیین می کند.

روش آموزش کیفی جهانگردی قادر به نوآوری در آینده خواهد بود، بنابراین در جهت تحقق آموزش بلند مدت و در جهت رسیدن به این اهداف، اجتناب از خطر کردن در این دوره های بلند مدت لازمه این امر است و در ضمن این روش خیلی زود منسوخ نمی گردد.



هدف نهایی سیستم گواهی نامه TEDQUAL

سازمان جهانی جهانگردی نسبت به این موضوع آگاهی دارد که شرایط جدیدی در صنعت جهانگردی بوجود آمده است که به جای استفاده از تخصص حرفه ای از شهود و خرد جمعی استفاده می شود.

شرایط جدید بازارهای گردشگری موجب تقاضای بیشتر مؤسسات و سازمان های گردشگری برای افراد حرفه ای که برای نیاز های بخش آموزش دیده اند، شده است.

اگر چه بسیاری از سیستم های آموزشی و تربیتی موجود در ادامه انعطاف ناپذیر و ایستا هستند و گنجایش بسیار محدودی برای مواجهه با مسائل اساسی استراتژیک دارند.

کمبود منابع انسانی آماده برای پاسخگویی به چالش بازار جهانگردی پویا و متقاضی حاضر، باعث افزایش ناگهانی دوره های تخصصی در قسمت های مختلف جهانگردی در مقاطع تحصیلی مختلف و ارائه شده توسط واحد ها و سازمان های مختلف شده است.

این پدیده باعث پراکندگی محسوس تلاش ها و چند پارگی عظیم در منابع آموزشی شده است که با عدم وجود استاندارد سازی مدارک مختلف داده شده در سطح بین المللی و فرایند مجوز گیری یکسان، تشدید شده است.

در مواجه با این موقعیت گیج کننده، سازمان جهانی جهانگردی از طریق بنیاد WTO.THEMIS FONDATION سیستم گواهی نامه-TED QUAL را توسعه داده است، تا کیفیت و کارایی آموزش های جهانگردی را ارتقا دهد. گواهی نامهTEDQUAL یک روش شناسی و استاندارد های

داوطلبانه ای با وسعت جهانی پیشنهاد می دهد، تا کیفیت سیستم آموزشی جهانگردی را واضح تر تعریف کند.

بنابر این سیستم مدرکTEDQUAL یک سیستم تضمین کیفیت برای آموزش و تربیت جهانگردی است. تمامی مؤسسات و شرکت های آموزشی، چه خصوصی و چه عمومی، که مایلند گواهی نامه خاص برنامه های آموزش جهانگردی(TEP) داشته باشند، می توانند داوطلبانه برنامه های خود را با این فرآیند تطبیق دهند.

هدف های خاص سیستم گواهی نامهTEDQUAL عبارتند از:

۱. ایجاد یک مدل تضمین کیفیت، از طریق استاندارد سازی داوطلبانه آموزش ها و سیستم های آموزش و تربیت جهانگردی،

۲. هموار سازی راه در آموزش گردشگری برای کارایی و اثر بخشی بیشتر

عواقب یک سیستم بی کیفیت در آموزش های گردشگری

همانطوری که قبلاً اشاره شد، تلاش های اخیر در جهت اصلاح نقص های ساختاری در سیستم آموزش جهانگردی، باعث توسعه خود به خود گستره وسیعی از مدارک و روش های آموزش شده است که هدف های منسجم بلند مدت را تأمین نمی کنند و مشکل کمبود حرفه ای بودن منابع انسانی را حل نمی کنند.

متأسفانه یک سیستم بی کیفیت در آموزش ها و تربیت جهانگردی در بسیاری از موارد ریشه دوانده است. مانند سیستم هایی که قادر به تأمین نیاز های استفاده کنندگانشان نیستند، که واضح ترین عواقب آن به طور خلاصه به صورت زیر است:

الف) کمبود اعتبار در جهانگردی به عنوان یک شغل حرفه ای، که باعث هدایت دانشجویان با توانایی های فکری بسیار به سمت انتخاب سایر رشته های تحصیلی، متروک شدن جهانگردی به عنوان یک گزینه و کاهش محسوس منابع انسانی ارزشمند در این بخش می گردد.

ب) تربیت و آموزش منابع انسانی به عنوان یک نیاز واقعی در بخش محسوب نمی شود. این یک تأثیر منفی بر سطح رضایت کارفرمایان جهانگردی و انگیزه خود کارکنان است. هر دوی این عوامل باعث عدم امنیت در استخدام و جابجایی کارکنان می گردد.

ج) منابع انسانی آمادگی بسیار کمی دارند و بنابر این قادر به تأمین توقعات تقاضای فزاینده جهانگردان نیستند که این موضوع مستقیما توانایی کسب و کارها و مقاصد گردشگری را برای جذب مشتری و در نتیجه درجه رقابت آنها را تحت تأثیر قرار می دهد.

د) همیشه تلاش ها و هزینه هایی وجود دارد که هیچ سودی ندارد.

ه) کمبود ثبات در طراحی برنامه تحصیلی، برای دانشجویان بالقوه و کارفرمایان جهانگردی گیج کننده است. کارفرمایان، کارمندان خود را توسط معیارهای برنامه ریزی نشده انتخاب می کنند و بنابر این شانس دانشجویان دارای توانایی رقابتی را برای یافتن شغل مناسب خود کاهش می دهند.

و) در آخر، اعتبار مؤسسات آموزشی ارائه دهنده برنامه های آموزشی جهانگردی(TEP) کاهش می یابد و در نتیجه آن، اعتبار و مشتریان خود را از دست می دهند.

- سیستم گواهی نامه TEDQUALچه مزایایی می تواند برای مؤسسه یا برنامه آموزشی شما در جهانگردی داشته باشد.

سیستم گواهی نامه TEDQUALمزایای داخلی و خارجی خاصی نسبت به سیستم های کیفیت سنتی که بر پایه انطباق ساده با مشخصات داده شده است، دارد.

از دیدگاه خارجی، سیستم مدرکTEDQUAL به مؤسسات آموزشی قدرت تشخیص کیفیت برنامه هایشان را در بازار آموزش گردشگری می دهد. از دیدگاه داخلی، به آنها توانایی می دهد که از مزایای خودارزیایی پیوسته با استفاده از یک مدل شناخته شده بین المللی بهره ببرند.

این مزایا، فواید زیر را ایجاد می کند:

الف) تطبیق محتوای داده شده در طی فرآیند آموزش با انتظارات واقعی تقاضا، که باعث تأمین نیاز آن و بنابر این به دست آوردن وفاداری و اعتبار مثبت می شود.

ب) برقراری بهبود مستمر از طریق ممیزی منظم که باعث تصحیح و ساده سازی فرآیند حاضر، بازسازی نقص های فعلی و به روز سازی محتوا و روش های آموزشی و حداقل ساختن هزینه های ناشی از کیفیت پایین(حذف اشتباهات) می شود، که این باعث افزایش اثربخشی عملکرد مؤسسات آموزشی است.

ج) بهبود ارتباطات درونی بین اجزاء مختلف مؤسسه، از طریق تحکیم اندیشه نقش مهم تمام اعضا در کسب کیفیت که باعث باروری انگیزه کارکنان می شود.

د) کسب یک سطح کیفیت یکسان و پایدار در آموزش های داده شده از طریق استاندارد سازی فرآیند در مؤسسه، که در حقیقت اطمینان بیشتر را برای مصرف کننده تضمین می کند، که این باعث بهبود موقعیت یابی مؤسسه و برنامه های آموزشی جهانگردی تأیید شده آن می شود.

ه) تضمین اعتبار مدرک آکادمیک گرفته شده توسط فارغ التحصیلان مؤسسه، که به طور مثبتی ورود آنها یا پیشرفت آنها را در بازار کار جهانگردی تحت تأثیر قرار می دهد و بنابراین شهرت مؤسسه را میان دانشجویان بالقوه افزایش می دهد.

و) حرکت به سمت استاندارد سازی تصاعدی انواع مختلف اعتبار دهی و مدارک جهانگردی که باعث پایان یافتن سرگشتگی دانشجویان و کارفرمایان جهانگردی شده و پویایی آکادمیک و حرفه ای ایجاد می کند.

ز) ایجاد امکان همکاری پیوسته با WTO از طریق استاندارد سازی خدمات آموزشی طرح شده توسط این سازمان(مانند کلاس ها و آزمون های GTAT).

ح) مؤسسه آموزشی به عنوان یک مرکز وابسته به -WTO.THE MIS FONDATION مسئول است که TEP ها را در همه برنامه های ترفیع بین المللی که WTO انجام می دهد، تأیید نماید ، با حق ذاتی برای استفاده ازلوگو گواهی نامه هم در اسناد مربوط به برنامه آموزشی جهانگردی که شرکت آنرا سازگار می داند، و امکان الحاق WTO به عنوان یک عضو وابسته در شورای آموزش.

اجزای سیستم گواهی نامه TEDQUAL

سیستم مدرک TEDQUAL بر اساس سه محتوای اصلی بنا شده است:

۱- استاندارد های کیفیت:

استاندارد های سیستم گواهی نامه TEDQUAL

مشخصاتی را داراست که توسط WTO و شبکه مراکزش وضع شده و

با توجه به عرضه جهانگردی مورد نظر می تواند سنجیده شود.

استاندارد های کیفیت یک پایه را فراهم می کنند که بر اساس آن می توان تعیین کرد که آیا خصوصیات یا توضیح داده شده یا از پیش تعیین شده در TEP ها رعایت شده اند یا خیر.

هر کدام از استاندارد های کیفیت ،ارزیابی هایی را در بر می گیرند:فرآیند ایجاد انطباق با استاندارد ها.

در مورد سیستم مدرک TEDQUAL ، استاندارد ها برای هریک از فرآیند ها، زیر فرآیند ها و رویه های لازم برای رسیدن به نتیجه نهایی TEP تعیین شده اند.

بنابر این، این استاندارد ها باید نقطه مرجع الزامی را در ساختار و سازمان TEP تعیین کنند که مدرک بر مبنای آن است.

۲- ممیزی کیفیت:

ممیزی کیفیت شامل یک تحلیل و مطالعه TEP است، به منظور تأیید کردن و برای تعیین اینکه آیا(و تا چه حدودی) به استاندارد های مورد نیاز سیستم گواهی نامه TEDQUAL به طور راضی کننده ای پرداخته شده است.

ممیزی توسط یک سازمان تخصصی مستقل انجام می شود که یک گزارش ممیزی در هر مورد منتشر می کند.

شرکت ممیزی ملزومات رسمی تعیین شده توسط WTO را داراست که به ظرفیت ممیزی سیستم های کیفیت و تجربه های قبلی آن اعتبار می دهد.

۳- گواهی نامه کیفیت:

گواهی نامه کیفیت مرحله ای است که در آن یک طرف سومی گواهی می دهد که یک محصول، فرآیند یا خدمت، یک یا چند استاندارد یا خصوصیت را داراست.

اینجا لازم است مفهوم گواهی نامه و استاندارد سازی،تمیز داده شوند که این آخری به یک نوع الزامی از ارزیابی(که برای مؤسسه یا مشتری لازم است) اشاره دارد، در حالیکه مدرک یک مکانیزم داوطلبانه است.

وقتی صحبت از یک طرف سوم می شود، منظور یک واحد بی طرف است، که دارای استاندارد های لازم بیطرفی، رقابت و امانت است. در مورد سیستم گواهی نامه TEDQUAL ، این واحد مستقل کمیته گواهی نامه TEDQUAL است که توسط WTO به رسمیت شناخته شده است و از متخصصین بین المللی که گزارش ممیزی صادر شده توسط شرکت ممیزی مربوط را ارزش گذاری می کنند، تشکیل شده است.

۴- ساختار استاندارد های کیفیت TEDQUAL:

سیستم مدرک TEDQUAL یک مدل سازماندهی توسط فرآیند های برگزیده است که هریک از استاندارد های کیفیت که باید به آنها رسید توسط فرآیند ها، زیر فر آیند ها و رویه هایی که TEP را تشکیل می دهند، تعریف می شود.

فرآیند ها

یک فرآیند می تواند به عنوان یک ساختار، فعالیت یا وظایف تعریف شود که ارزش افزوده برای مشتری و کارایی بیشتر در مدیریت آموزشی ایجاد می کند.

در این ارتباط فرآیند های پایه در TEP عبارتند از:

۱. کارگزینان(جامعه و صنعت):

هدف TEDQUAL در این فرآیند، تضمین کیفیت TEP، توسط تصدیق این موضوع است که برنامه کاملاً به نیازها و توقعات کارفرمایان در محیط اجتماعی-اقتصادی که در آن توسعه می یابد پاسخ می گوید.

۲. دانشجو:

هدف TEDQUAL در این فرآیند، تضمین کیفیتTEP از طریق تصدیق اینکه برنامه و مؤسسه آموزشی یک روش استراتژیک برای دانشجو(به عنوان مصرف کننده مستقیم محصول آموزش، که برخی هزینه های مستقیم و برخی هزینه های ضمنی را یکسان می پندارد، و به طور کلی فعال در فرآیند آموزش دخالت دارد) انتخاب کرده است، و به عنوان یک مرجع الزامی تمام فعالیت ها و وظایف را انجام می دهد.

۳. برنامه آموزشی(سیستم وابسته به آموزش و پرورش):

هدف TEDQUAL برای این فرآیند تضمین کیفیت TEP از طریق تحلیل تعریف و عملکرد یک سیستم آموزشی است که به اندازه کافی محتوای آموزشی سطح بالا را با روش شناسی آموزش مناسب ترکیب می کند.

۴. هیئت علمی:

هدف TEDQUAL برای این فرآیند تضمین کیفیت TEP از طریق تأیید این موضوع است که معیار های مربوط اجرا می شوند و آمادگی کافی هیئت علمی برای توسعه راضی کننده محتوای تدریس برنامه و روش تدریس انتخاب شده را تضمین می کنند.

۵. زیرساخت:

هدف TEDQUAL برای این فرآیند تضمین کیفیت TEP از طریق تأیید این موضوع است که فعالیت های برنامه در یک زیر ساخت که بهترین شرایط را برای آموزش فراهم می کند توسعه یابند.

۶. مدیریت:

هدف TEDQUAL برای این فرآیند تضمین کیفیت TEP از طریق تأیید این موضوع است که یک مدل مدیریت مناسب برای رسیدن موفقیت آمیز به اهداف و مأموریت ها، انتخاب شده است.

زیر فرآیند ها و مراحل

فرآیند ها به واحدهای فعالیت کوچک تر تقسیم می شوند، زیر فعالیت ها، که در حقیقت از یک سری از وظایف پشت سر هم تشکیل شده اند و مراحلی که باید انجام شوند تا نتیجه دلخواه بدست آید.

با هدف کسب کیفیت در TEP ها، WTO یک چارچوب از ۶ فرآیند تعیین کرده است که در آن باید به زیر فرآیند ها و مراحل زیر رسیدگی کرد.

۱. در چارچوب فرآیند کارگزینان(جامعه و صنعت)، زیر فرآیند ها و مراحل زیر باید بررسی شوند:

مأموریت شرکت:

- وجود
- تدوین استراتژی ها
- تحلیل بیرونی
- تحلیل درونی

- توسعه و استراتژی های رقابتی برنامه عملیاتی
- تعریف اهداف
- برنامه ریزی منابع،کنترل و ارزشگذاری سیستم

. در چارچوب فرآیند دانشجویان، زیر فرآیند ها و مراحل زیر باید بررسی شوند:

جذابیت TEP برای دانشجویان:

- مراحل اداری و مالی
- ارتباطات

ارتباط با دانشجویان:

- معیار های پذیرش
- مدیریت اداری و آکادمیک
- مدیریت مالی و اداری
- خدمات مکمل

ارزیابی دانشجویان:

- تعیین رضایت دانشجو
- پذیرش صنعت
- پرونده آکادمیک اداره

۳. در چارچوب فرآیند برنامه آموزشی، زیر فرآیند ها و مراحل زیر باید بررسی شوند:

محتوا:

- برنامه درسی یکدست
- ساختار برنامه درسی

روش شناسی آموزش:

- معرفی برنامه درسی
- روش شناسی و شیوه ارائه
- فرآیند ارزیابی

منابع درسی:

- خدمات و تجهیزات درسی
- زیر ساخت های درسی

۴. در چارچوب فرآیند هیئت علمی، زیر فرآیند ها و مراحل زیر باید بررسی شوند:

سازمان آموزش:

- انتخاب
- همکاری
- شرایط کاری آموزش

به روز سازی مستمر:

- تربیت مستمر

تحقیق و توسعه:

- تسهیلاتی برای تحقیق و توسعه

۵. در چارچوب فرآیند زیر ساخت، زیر فرآیند ها و مراحل زیر باید بررسی شوند:

زیر ساخت های فیزیکی:

- سازگاری اهداف

۶ در نهایت در چارچوب فرآیند مدیریت، زیر فرآیند ها و مراحل زیر باید بررسی شوند:

اطلاعات و تحلیل ها:

- سیستم اطلاعات استراتژیک

ساختار:

- سازمان
- بررسی سیستم مدیریت

سیستم کیفیت:

- سیاست کیفیت
- شاخص ها و وسایل کیفیت

تجهیزات و تدارکات:

- تجهیزات
- تدارکات

فرآیند گواهی نامه روش آموزش کیفی جهانگردی:

فرآیند گواهی نامه روش آموزش کیفی مراحل روشن و واضحی دارد که همه آنها برای دستیابی به استانداردها به شکل مؤثری تعریف می شوند:

۱. در خواست اطلاعات:

همه مؤسسات آموزشی که می خواهند TEP های خود را با توجه به معیار هایی که توسط سیستم TEDQUALتعیین شده ، تأیید کنند، باید یک درخواست کتبی به WTO.THEMIS FONDATION بفرستند.

- زمانی که فرم درخواست رسید، -WTO.THEMIS FONDA TION یک سری اطلاعات مجانی مربوط به سیستم گواهی نامه-TED QUAL به همراه یک فرم قبل از ثبت نام می فرستد.

۲. درخواست پیش از ثبت نام:

زمانیکه اطلاعات دریافت شد، هر مؤسسه ای که علاقه به ادامه دادن دارد، باید مواردی را که می خواهد در سیستم گواهی نامه اش TEDQUAL باشد، به فرم پیش از ثبت نامش ضمیمه کند.

فرم پیش از ثبت نام فقط یک سری تشریفات بوروکراتیک نیست، بلکه کمک می کند هرگونه ناسازگاری یا مشکلی که در فرآیند گواهی نامه تأثیر می گذارد، در همین مراحل اولیه کشف شود.

WTO.THEMIS FONDATION این درخواست ها را حداکثر در ۳۰ روز چک می کند که باید پذیرفته شوند یا نه.

۳. پذیرش توسط فرآیند ممیزی

اگر پذیرفته شد، مؤسسه باید شهریه TEP های تأیید شده که در پیش از ثبت نام آمده بود را پرداخت کند، که از هزینه های گواهی نامه کم خواهد شد.

به محض دریافت فرم پیش از ثبت نام و هزینه آن، WTO.THEMIS FONDATIONسازمان ممیزی را برای اقدام کردن راهنمایی می کند.

سازمان ممیزی هزینه ممیزی را تخمین می زند.

۴. ممیزی:

زمانیکه با شرایط ممیزی موافقت شد، شرکت باید شهریه را به حساب WTO.THEMIS FONDATION پرداخت کند(که از مقدار هزینه پیش از ثبت نام کسر می شود).

به محض اینکه پرداخت دریافت شد، -WTO.THEMIS FONDA TION معمولاً به شکل الکترونیک باقیمانده راهنمای سیستم گواهی نامه TEDQUALکه شامل موارد زیر می شود را می فرستد:

- راهنمای مفاهیم ،
- راهنمای رویه ها،
- یک نمونه
- راهنمای هویت شرکت

به محض اینکه این اطلاعات دریافت شد، شرکت می تواند انتخاب کند که:

الف) به زودی شروع کند؛

ب) فرآیند را برای ایجاد ممیزی بهتر تا حداکثر ۶۰ روز متوقف کند؛

ج) فرآیند را برای درخواست از مشاورین متخصص WTO برای ممیزی بهتر، به مدت حد اکثر ۹۰ روز متوقف کند؛

د) قبل از اینکه ممیزی شروع شود به طور کلی فرآیند را متوقف کند.

سپس در چارچوب زمانی و شرایط موافقت شده، سازمان ممیزی، شروع به ممیزی می کند. سازمان باید مدارک مورد نیاز را فراهم کند و همانطوری که توافق شده ممیزی را تسهیل بخشد. تمام مدارک با حداکثر محرمانه بودن مورد استفاده قرار می گیرند.

۵. گواهی نامه:

بعد از انجام شدن ممیزی، شرکت ممیزی گزارش ممیزی را به WTO.THEMIS FONDATION می فرستد، تا برای ارزیابی به کمیته گواهی نامه فرستاده شود.

زمانیکه کمیته ارزیابی اش را انجام داد، -WTO.THEMIS FONDA TION گزارش نهایی را آماده می کند و مؤسسه را برای دریافت TEP های نتیجه ممیزی، در حداکثر ۳۰ روز از تاریخ نشست کمیته آگاه می کند.

چه نتایج مثبت باشد، چه منفی، WTO.THEMIS FONDATION گزارشی با یک سری ملاحظات صادر می کند.

گشودن درها به سمت رهبری آموزش گردشگری:

توسعه منابع انسانی در گردشگری جایگاه کلیدی در استراتژی های گردشگری شرکت ها و مقاصد دارد.

کاهش شدید هزینه اطلاعات و رشد دسترسی به تکنولوژی، این دو عامل را به نیاز های اساسی فعالیت گردشگری تبدیل کرده است. در عین حال، اطلاعات و تکنولوژی در حال از دست دادن نقش هدایت کنندگی خود به عنوان عوامل استراتژیک برای رقابت پذیری و متمایز ساختن محصولات، هستند.

فقط از طریق توسعه منابع انسانی گردشگری می توان به یک پایه محکم برای ایجاد ارزش و رقابت پذیری دست یافت. به این دلیل مؤسسات آموزش گردشگری نقش اساسی در رقابت پذیری بخش گردشگری دارند.

سرمایه گذاری در آموزش و تربیت گردشگری در حال افزایش است ولی توجهی به تعیین چه؟ چگونه؟ چه زمانی؟ و متدولوژی وابسته به آموزش و پرورش نمی شود.

سیستم گواهی نامه TEDQUALاین فرصت را به مؤسسات آموزشی گردشگری می دهد که یک گواهی نامه از WTO که اعتبار آموزش گردشگیشان را تصدیق می کند و به آنها امکان بهبود مستمر در فرآیند می دهد دریافت نمایند.این سیستم همچنین به آنها اجازه می دهد جایگاه خود را در بازار آموزش و تربیت گردشگری بدست آورند، و اعتبار و شهرت مدرک خود را هم از لحاظ دانش آموز و هم کارکنان افزایش دهند، بدست آورند و این همچنین یک پیش شرط برای ملحق شدن به شورای آموزشی WTO می باشد.

تبعیت مؤسسه شما از سیستم گواهی نامهTEDQUAL موجب شفافیت مدرک گردشگری و روشنی محتوای برنامه آموزشی می شود و به منابع انسانی این صنعت جایگاهی را که لایقش می باشند ، اعطا می کند.

منابع

UNWTO–Themis (۲۰۰۷), TedQual Certification System: Executive Introduction, UNWTO, Madrid.	۱
Becket N., Brookes M. (۲۰۰۸), “Quality management practice in the higher education: what quality are we actually enhancing?”, Journal of Hos pitality, Leisure, Sport & Tourism Education, ۷(۱), ۴۰–۵۴.	۲
Airey D., Tribe J. (Eds.) (۲۰۰۵), An International Handbook of Tourism Education, Elsevier, Oxford.	۳
Fayos–Solà, E. (۲۰۰۲). Globalization, tourism policy and tourism education. Acta turistica, ۵–۱۲.	۴
Fayos–Solá, E., Cooper, C., Hawkins, D., & Spivack, S. (۱۹۹۶). TEDQUAL.	۵



مشکلات عمده آموزش گردشگری

با توجه به اهمیت روزافزون صنعت گردشگری در دنیای امروز و نظر به اینکه گردشگری در مقایسه با صنایع دیگر یک صنعت کاربر است یعنی برای ارائه خدمات به گروه‌های مختلف گردشگران متکی به نیروی انسانی است. بدیهی است برای ارائه بهترین و مطلوب‌ترین نوع خدمات، آموزش نیروهای شاغل در این حوزه از اهمیت خاصی برخوردار است. در این متن سعی بر این است که به برخی از مشکلاتی که عمدتاً آموزش حوزه گردشگری با آن مواجه است اشاره شده و در هر مورد راهکاری برای مرتفع ساختن این مشکلات ارائه نمود. ازجمله مشکلات آموزش گردشگری می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱ - آموزش‌های حوزه گردشگری معمولاً حالت سنتی دارند یعنی در آن مدرس صرفاً به تدریس پرداخته و افراد تحت آموزش هیچ‌گونه مشارکتی در برگزاری دوره‌های آموزشی ندارند. گردشگری حوزه‌ای است که با توجه به ماهیت آن بهتر است دوره‌های آموزشی به‌صورت کارگاه‌های آموزشی با تعداد محدودی از شرکت‌کنندگان و به‌صورت هدفمند برگزار گردد. همچنین در این کارگاه‌های آموزشی به دلیل متفاوت بودن مخاطبان از نظر تفاوت در نوع ارائه خدمات، باید گروه‌های شرکت‌کننده از هم تفکیک‌شده و از برگزاری کلاس‌ها به‌صورت گروه‌های ترکیبی اجتناب نمود.

۲ - در این حوزه آموزش‌ها تا حد امکان باید به‌صورت onsite برگزار گردند. بهتر است آموزش‌های هر بخش در محیط کاری مربوط به خود برگزار شود. برای مثال آموزش نیروهای شاغل در واحدهای اقامتی در محیط کاری مربوط به خود برگزار گردد تا گروه‌های مخاطب به نحو مطلوب بتوانند از این آموزش‌ها بهره‌مند گردند. وقتی آموزش‌ها به‌صورت مقدماتی و در قالب عکس و پاورپوینت برگزار می‌شوند هم از لحاظ کیفیت آموزش و هم از نظر درک مفاهیم توسط گروه‌های هدف با مشکل مواجه خواهیم بود. پس بهتر است آموزش‌ها به‌صورت عملی برگزار شوند تا همزمان امکان مشاهده موارد آموزشی برای افراد تحت آموزش فراهم گردد.

۳ - از دیگر مواردی که از اهمیت خاصی برخوردار است ولی درعین حال کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد این است که در میان آموزش نیروهای شاغل در این صنعت، آموزش تخصصی کارشناسان به‌منظور به‌روز نمودن اطلاعات آن‌ها در حوزه کاری خود معمولاً نادیده گرفته می‌شود. بسیاری از کارشناسان در زمینه‌ی موضوعات مربوط به حیطه شغلی خود به‌روز نمی‌باشند و از این نظر با مشکلات جدی مواجه هستند البته این مسئله مستلزم توجه ویژه از سوی واحد آموزش است.

۴ - در صنعت گردشگری و مخصوصاً در بحث موضوعات تخصصی، آموزش‌های کاربردی و عملیاتی باید در کنار آموزش‌های

آکادمیک وجود داشته باشد. آموزش‌های آکادمیک در صورت همگام و همسو شدن با تجربیات است که خروجی مناسبی داشته و منجر به تحولات مثبت در این حوزه خواهد شد.

۵ - مهارت‌هایی که در طول دوره آموزشی کسب می‌شود انطباق لازم با انتظارات و نیازهای شاغلین این حوزه ندارند و معمولاً پس از اتمام دوره آموزشی نمی‌توان این آموزش‌ها را در حیطه شغلی استفاده نمود پس بهتر است نظام آموزشی در صنعت گردشگری به نحو مطلوبی به‌روزرسانی شده و قبل از برگزاری به محتوای دوره موردنظر و نیازهای گروه‌های هدف توجه ویژه نمود.



گردشگری آموزشی کودکان و جوانان در نواحی روستایی*

ترجمه: فرشید فیروزان



* این مطلب توسط سازمان گردشگری صربستان با همکاری سازمان ملل متحد جهت توسعه پایدار در روستاها در سال ۲۰۱۲ نگاشته و منتشر گردیده است.





برای یادگیری درباره فرهنگی جدید هیچ راهی بهتر از تجربه آن نیست. گردشگری ارتباطی بسیار شگفت انگیز مابین بازدید کننده و جامعه میزبان برقرار می کند و گفتگو و تعامل را افزایش می دهد. چنین ارتباطی بین افراد با زمینه های متفاوت فرهنگی و اجتماعی پایه و اساس مدارا است. بانکی مون رییس(سابق) سازمان ملل متحد در نامه خود به مناسبت ۲۷ سپتامبر ۲۰۱۱ روز جهانی گردشگری، به سازمان جهانی گردشگری اینگونه نگاشته است: در تلاش های جهانی جهت همزیستی صلح آمیز، گردشگری می تواند پل های ارتباطی را بنا و به گسترش صلح کمک کند



گردشگری روستایی چیست؟

گردشگری روستایی مارا قادر می سازد تا با ترک محیط شهری از زیبایی طبیعی، تنوع محصولات کشاورزی، آرامش و غنای فرهنگی روستا ها لذت ببریم و برای تسکین فشارهای زندگی شهری در فعالیتهایی از قبیل پیاده روی، کوهنوردی، تورهای ماجراجویانه، تجربه غذاهای محلی، شناخت زبان و آداب و رسوم محلی، اسب سواری، ماهیگیری و تماشای پرندگان شرکت نماییم. گردشگری روستایی شامل انواع گردشگری همچون گردشگری ورزشی یا گردشگری سلامت، سفرهای آموزشی، گردشگری هنری و فرهنگی و گردشگری قومی و بومی که در محیط روستایی بیشتر نمود پیدا می نمایند می باشد. گردشگری روستایی ترکیبی از فعالیت های سرگرمی و آموزشی، مدرن و سنتی را ارائه می دهد. یکی از جنبه های اساسی گردشگری روستایی ارتباط گردشگران با مردم محلی است که با مهمان نوازی و برخورد صمیمی آنها گردشگران را مشتاق به بازگشت و بازدید دوباره از آن محل می نماید.

گردشگری کودک و جوانان چیست؟

اگر چه طبقه بندی گردشگری کودک و جوان در کشورهای مختلف به عنوان نوعی جداگانه از گردشگری تعریفی خاص ندارد و تعیین محدوده سنی کودکان و جوانان بین نهادهای مختلف ملی و بین المللی متفاوت است، گردشگری کودک و جوانان به عنوان گردشگری گسترده ای تعریف

می شود که نیازهای گروه های سنی ناهمگون از دینفعان از ۳ تا ۳۰ سال را مورد توجه قرار می دهد.

کودکان و جوانان در این محدوده سنی بازدید کننده های بسیار ارزشمندی هستند و در محدوده هایی که گردشگری ارائه می دهد می توانند دانش خود را گسترش و مهارت های شخصی خود را (به ویژه اجتماعی و فرهنگی) افزایش دهند و تجربه های وسیعی بدست آورده و با هم سالان خود ارتباط برقرار کرده و اقتصاد پایدار مناطقی را که از آنجا بازدید می کنند توسعه بخشند. گردشگری برای کودکان و جوانان بخشی از گردشگری روستایی، یا به عبارت دقیق تر انواعی از گردشگری وابسته به گردشگری روستایی را ارائه می دهد.



ارتباط بین گردشگری و آموزش

هر سفر گردشگر اقدام جهت کسب آگاهی است. با سفر مردم خودشان را با مناظر، جمعیت ها، زبان ها، فرهنگ ها و آداب رسوم جدید آشنا می سازند. با این حال اهداف آموزشی گردشگری ممکن است به معنی بهبود کیفیت آموزشی برای کودکان و جوانان بیشتر نمود پیدا نماید. گردشگری با هدف کسب آگاهی از طریق برنامه های طراحی شده، گردشگری آموزشی نامیده می شود. گردشگری آموزشی جنبه بسیار مهم گردشگری کودکان و جوانان می باشد. الگوهایی که در این نوشتار به آن اشاره می کنیم به این شاخه خاص گردشگری بستگی دارد.

طرح ساختاری گردشگری کوک و جوانان



بر طبق تعریف ارائه شده از اصطلاح گردشگری کودکان و جوانان یک طرح ساختاری روش مند برای این شاخه از گردشگری می توان ارائه نمود:

این طرح به وضوح نشان می دهد که گردشگری مدرسه و آموزشی، زیر

مجموعه های گردشگری کودکان و جوانان هستند که می توانند با هم هم پوشانی داشته باشند، اما نه لزوماً فقط مواقعی که فرآیند آموزشی همچنین بیرون از مدرسه اتفاق بیافتد.

خدمات در گردشگری کودکان و جوانان

خدمات مورد نیاز در گردشگری کودکان و جوانان، فرصتهایی را برای تحقیق و آشنایی آنها با امکانات و ظرفیت های فرهنگی و تاریخی، کسب و افزایش آگاهی هایشان، بهبود سلامتی شان، تکمیل مهارت هایشان و کسب شخصیتی جدید، شرکت در رویدادهایی که به آنها حس خودباوری می دهد، شناخت مکان های جدید، شناخت آداب و رسوم و محیط های طبیعی، کسب روابط جدید و توسعه شبکه ایی از شرکت کنندگان و دوستان را فراهم می آورند. همزمان خدمات گردشگری کودکان و جوانان در افزایش حس فهم و همکاری میان جوانان از نواحی و کشورهای مختلف کمک می نماید و تا حد زیادی منابع آموزشی، فرهنگی طبیعی کشورها و نواحی دیگر را ترویج می کند. خدمات در گردشگری کودکان و جوانان ویژگی های مادی و غیر مادی خود را دارند، که هر دوی آنها برای توسعه موفقیت آمیزشان به یک اندازه مهم هستند.

ویژگی های خدمات در گردشگری کودکان و جوانان

با توجه به رویکردی که بر مبنای دسته بندی های سنی دینفعان قرار دارد، خدمات گردشگری می تواند دو رویکرد اساسی را اتخاذ کند:

- تحقق خدمات به عنوان بخشی از یک بسته گردشگری متنوع خارج از نظام آموزش رسمی

- نیازها، علایق و آرزوهای کودک و جوانان را در همه گروه های سنی فراهم می آورد و شامل انواع خدمات مختلف است.

تحقق خدمات در نظام آموزش رسمی (پیش دبستانی، آموزش ابتدایی و دبیرستان)

به طور مستقیم به اهداف آموزشی برنامه درسی موسسات آموزشی، به اثر بخشی آموزش و همچنین رشد کلی شخصیت کودکان کمک می کند.



نقش مدرسه در گردشگری کودک و جوان



مدارس می‌توانند و باید دارای اهمیت ویژه‌ایی در توسعه گردشگری کودکان و جوانان خصوصا در بهبود کیفیت برنامه درسی گردش‌های علمی مدرسه در فضای باز و آموزش‌های تفریحی باشند.

مشارکت مدارس روستایی در توسعه این نوع گردشگری در مناطق روستایی حیاتی است، زیرا آنها می‌توانند از امکانات خود که بی‌استفاده مانده است برای تسهیل گردشگری کودکان و جوانان از طریق کارگاه‌های آموزشی، آموزش در طبیعت، کار عملی و غیره با کمک مردم محلی آگاهی‌هایشان را بالا ببرند.

الگوها

گردشگری کودکان و جوانان از طریق مفاهیم و الگوها گسترش می‌یابد. هر کدام از مفاهیم از طریق الگوهای توسعه یافته در تطابق با ویژگی‌ها و خصوصیات هر محیط و جامعه محلی درک می‌شود. الگوها بوسیله ارائه‌کنندگان خدمات و دیگر نمایندگان و اجراکنندگان (مدارس، دولتهای محلی، سازمان‌دهندگان گردشگری، شاغلین گردشگری و غیره) مطابق با ویژگی‌ها و خصوصیات محیط توسعه می‌یابد. دامنه و هدف الگوها به قابلیت‌هایشان و توانای‌های اجراکنندگانشان بستگی دارد. در ادامه این نوشتار الگوهایی ارائه خواهند شدکه قابلیت اجرا در قسمت‌های روستایی را دارند. آنها چارچوب‌های مفهومی اساسی برای توسعه گردشگری کودکان و جوانان ارائه می‌دهند، و هر یک از آنها شامل جزیی آموزشی می‌باشند. مهم است که در این الگوها کودکان و جوانان مهارت‌های مختلفی را که اغلب به آن آگاه نیستند کسب کنند، و این یادگیری از طریق فعالیت‌های سرگرم کننده اتفاق می‌افتد. هر کدام از الگوهای ذکر شده ممکن است شامل فعالیت‌های مشخص شده‌ای باشد، محتوای الگوها بسته به آنچه که مقصد ارائه می‌دهد متفاوت است. علاوه بر این، الگوها به منظور ایجاد مقصدی که بسیاری از محتوا و فعالیت‌ها را ایجاد می‌کند می‌توانند ترکیب شوند. هر الگو می‌تواند یادگیری را مطابق با برنامه درسی رسمی مدرسه همراه با دریافت مهارت‌ها و تجربیات غیرمرتبط با برنامه درسی ارائه دهد.

مزارع آموزشی



این الگو برای کودکان پیش دبستانی و مدارس ابتدایی و خانواده‌هایشان طراحی شده است.

کودکان می‌توانند درباره زندگی روستایی یاد بگیرند و تفریح کنند، آنها می‌توانند درباره زندگی در مزرعه از طریق انجام فعالیت‌های کشاورزی از قبیل غذا دادن به حیوانات، مراقبت از گیاهان و محصولات کشاورزی، تماشای زنبورهای عسل، استخراج عسل، تولید محصولات لبنی، پی گیری

فرآیند پخت نان از کاشت دانه تا تبدیل آرد به نان یاد بگیرند.

–آنها همچنین می‌توانند دانش خود را از زندگی در حومه و مناطق روستایی با حضور در مزارع، بازارها و کارگاه‌های روستایی و آموختن نحوه بافت و ساخت کفش و سفال از صنعتگران محلی افزایش دهند.

–در این مزارع، کودکان تنها به تولید محصولاتی با مواد محلی می‌پردازند.

مراکز سرگرمی آموزشی

–این الگو برای کودکان پیش‌دبستانی، ابتدایی و دبیرستانی و خانواده‌هایشان طراحی شده است.

–این مراکز شبیه مزرعه آموزشی هستند، اما دامنه وسیعی از فعالیت‌هایی را ارائه می‌دهند که لزوما مربوط به کسب مهارت زندگی در روستا نیستند.



–در این مراکز یادگیری کودکان از طریق فعالیت‌های عملی صورت می‌پذیرد. به عنوان مثال: یادگیری باغبانی و رشد میوه و سبزیجات، دانش ریاضی و فیزیک که در ساخت کلبه‌های روستایی استفاده می‌شود، دانش زبانی که از طریق جستجو در گویش محلی و نام مکان‌ها توسعه می‌یابد، دانش هنری بوسیله آماده‌سازی نمایشگاه‌ها، بافتن یا ساخت اشیا سرامیکی و دانش موسیقی با مطالعه آلات موسیقی سنتی افزایش می‌یابد.

مراکز مختلف موضوعی روستایی

این مراکز برای کودکان و جوانان در تمام سنین بخصوص برای جوانان طراحی شده است. امکانات عبارت‌اند از:

مراکز هنر روستایی

– علاقه و استعدادی که کودکان و جوانان به هنر دارند طبیعی است.



–کودکان با کمک هنرمندان محلی می‌توانند نقاشی کنند، حجاری کنند و اشیا مفیدی را ساخته و مهارت‌های خود را کامل کنند.

–ممکن است کانون‌های هنری در این مراکز سازماندهی گردد

–همه فعالیت‌ها مرتبط با طبیعت سازماندهی می‌شود.

مراکز بازیافت روستایی

آگاهی از اهمیت حفاظت از محیط زیست از طریق بازیافت برجسته می‌شود.

– آثار هنری ممکن است از اشیایی که برای بازیافت استفاده می‌شوند ایجاد گردند و در نتیجه خلاقیت و آگاهی زیست محیطی را پرورش می‌دهند.

مراکز زیست محیطی روستایی

– دراین مراکز آگاهی از اهمیت حفاظت از طبیعت، اهمیت استفاده از منابع

انرژی تجدیدپذیر، کاهش آلودگی و غیره برجسته می‌باشد.

–همه فعالیت‌ها طبیعت‌دوستانه هستند، ساختن مخلوط‌ها و داروهای شفابخش از عناصر طبیعی، حفاظت از منابع آب آشامیدنی، ساختن ژئراتور بادی کوچک یا نشان دادن خواص صفحات انرژی خورشیدی از فعالیت‌های این مراکز هستند.

مراکز ماجراجویی روستایی

–کودکان و جوانان از طریق ماجراجویی، مهارت‌های زنده ماندن در طبیعت و قوانین مربوط به آن را می‌آموزند.

–فعالیت‌ها در این مراکز باعث تقویت قوای فکری و جسمی کودکان و جوانان خواهد شد چون اکثر این فعالیت‌ها با طبیعت ادغام شده‌اند و نیاز به استفاده از مواد طبیعی همچون چوب و سنگ و غیره باعث تقویت قوای جسمی می‌شوند.

–فمایت‌ها شامل کوه‌نوردی، دوی صحرانوردی، یادگیری روشن کردن آتش جهت کشف گیاهان و جانوران جهت زنده ماندن در طبعت یا جستجوی اشیا از طریق حل معما است.

مراکز اکتشافی



این مراکز برای کودکان و جوانان در تمامی رده های سنی قابل استفاده می‌باشد.

–این فعالیت‌ها به کودکان و جوانان فرصت کشف و یادگیری از طریق ارائه برنامه‌هایی با محتوای نظری و عملی می‌دهند.

–مراکز اکتشافی فعالیت‌های آموزشی از طریق سرگرمی را خواهند داشت.

–مراکز ممکن است از یک یا چند ساختمان با امکانات لازم تشکیل شده باشند که به وسایل فنی لازم برای اجرای فعالیت‌های مورد نظر تجهیز شده باشند.

–آنها ممکن است فعالیت‌هایی را که مربوط به باستان‌شناسی یا حفاظت از طبیعت، سفرهای طبیعت‌گردی، کاوش‌های تاریخی یا فرهنگی، اکتشافات و آزمایش‌های علمی را سازماندهی کنند.

مراکز تفریحی



این مراکز برای کودکان و جوانان در تمام سنین، به ویژه افراد ۷تا ۱۵ ساله طراحی شده‌اند

– آنها فعالیت‌های ورزشی تفریحی را با توجه به منابع موجود در محیط

محلی ارائه می‌دهند.

– آنها همچنین برنامه‌های مختلفی برای بهبود، درمان‌های مرتبط با آب و هوا، استراحت و تفریح عرضه می‌کنند.

– امکانات عبارتند از:

مرکز ورزش‌های زمستانی

مرکز ورزش‌های درمانی

مرکز ماجراجویی جنگلی برای ورزش‌های خطرناک

این مراکز باید شامل هر دو منطقه فعال و غیر فعال باشند، زیرا کودکان و جوانان همچنین نیاز به امکاناتی برای استراحت تفریح، یادگیری و سرگرمی دارند.

چگونه خدمات گردشگری کودکان و جوانان را ایجاد و گسترش بدهیم؟

آماده‌سازی برای ایجاد و توسعه خدمات برای گردشگری کودکان و جوانان ممکن است به سه مرحله تقسیم شود:

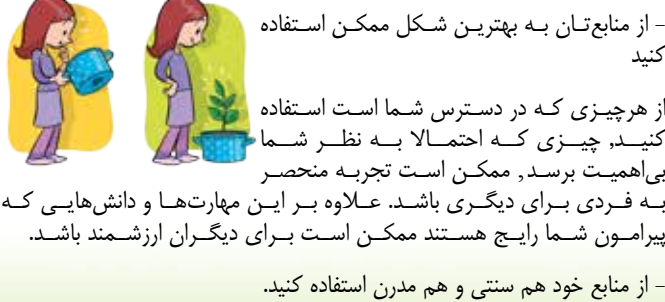
۱– اگر شما علاقمند به سازماندهی گردشگری کودکان و جوانان هستید، ابتدا لازم است که ایده‌هایی را که می‌خواهید تحقق یابد در نظر بگیرید. سپس شما نیاز به تجزیه و تحلیل فرصت ها برای تحقق آن دارید، یعنی تعیین کنید که آیا نیاز به چنین خدمات و یا قابلیت‌هایی، منابع و امکانات موجود برای تحقق آن وجود دارد. هنگام پردازش این ایده بسیار مهم است تا تاثیر اقتصادی و مالی آن را بر محیط ارائه کنندگان خدمات و توانایی ذینفعان بررسی کنید. در طی این تجزیه و تحلیل شما باید تعیین کنید که آیا خدمات مشابه در اطراف شما وجود دارد و یا خیر و تاثیر آنها را ببینید.

۲– در این مرحله یک طرح کلی از برنامه یا پروژه پیشنهادی خود را در نظر بگیرید که دارای دو جنبه باشد:

از نیازهای متقاضیانی که بدنبال جذب توان با لقوه محیط محلی هستند، اطمینان حاصل شود که آنها با اهداف و وظایف، مفهوم و الگوهای تعیین شده برای گروه‌های سنی خاص سازگار هستند. اگر برنامه هایی برای جوانان پیش‌بینی شده باشد که مستقما به اجرای برنامه درسی مدرسه مربوط نمی‌شود، اطمینان حاصل شود که اهداف و محتویات آن برنامه مطابق با آنچه که برای همه خدمات در گردشگری روستایی مورد توافق قرار گرفته است، تعریف شده است. برنامه‌های پیشنهادی باید کلیه ویژگی‌های مشخص شده خدمات گردشگری کودکان و جوانان را بر آورده کرده و با تمام مقررات و هنجارهای مربوط به تحق خدمات گردشگری سازگار باشند.

۳– اگر شما با موفقیت تمام مراحل را در دو مرحله اول تحقق بخشیدید با تمام پیش شرط‌های لازم برای ایجاد یک ساختار سازمانی برای خدمات و شروع اجرای آن آشنا شده‌اید. به طور همزمان شما باید تمام فعالیت‌های تبلیغاتی را بهبود بخشید. به منظور حفاظت و حفظ کیفیت ارائه خدمات ضروری است به طور مداوم نظارت و ارزیابی خدمات و در نتیجه شناسایی نقاط ضعف و مشکلات و همچنین راه های غلبه بر آنها است، صورت پذیرد.

نکات:



– از منابع‌تان به بهترین شکل ممکن استفاده کنید

از هرچیزی که در دسترس شما است استفاده کنید، چیزی که احتمالا به نظر شما بی‌اهمیت برسد، ممکن است تجربه منحصر

به فردی برای دیگری باشد. علاوه بر این مهارت‌ها و دانش‌هایی که پیرامون شما رایج هستند ممکن است برای دیگران ارزشمند باشد.

– از منابع خود هم سنتی و هم مدرن استفاده کنید.

ترکیب سنت و مدرنیته، ترکیبی از تجربه و نوآوری که همیشه ثابت شده موفق است.

- خلاق باشید.

تخیل خود را رها کنید. سعی کنید برنامه‌های اصلی و کاربردی ایجاد کنید که گردشگران جوان بیشتر می‌خواهند به آنجا بروند.

- همکاری کنید. هنگامی که از فرصت‌های ارائه شده توسط افراد و موسسات دیگر در محل استفاده می‌کنید، پیشنهاد شما جذاب‌تر خواهد شد.

- دانش و خدمات خود را توسعه دهید

- بهبود مستمر کیفیت تنها راه موفقیت است.



آموزش گردشگری در استان سیستان و بلوچستان

مریم خسروی

عکس: نصرالله کوهکن

سراوان، پسکوه

گوشه گوشه ی استان سیستان و بلوچستان پر از نقاط کشف ناشده است. شناساندن این ناشناخته ها و جذابیت های بکر به پژوهشگران، دانشمندان و به طور کلی علاقمندان حوزه های مختلف تنها و تنها از جریان دانشی می گذرد که با عنوان علم گردشگری شناخته می شود. لازم است ساکنان بومی این سامان، شاغلین در سطوح مختلف مربوطه و دانشگاهیان با تازه ترین روش های مهمان پذیری و مهمان نوازی با هر نیتی که باشد آشنا شوند. رونق کسب و کار کشف رمز و راز کویر و اوهام اقیانوس و سفر در پیچاپیچ دره ها و نخلستانهای این سامان بسته به این است که سردمداران آموزش گردشگری چگونه برنامه ریزی کنند و چگونه پیگیر آموزش باشند. آنچه در این شماره می خوانید گفتگوی کوتاهی است با خانم شمسی دهمرده مسئول آموزش گردشگری معاونت گردشگری و آقای اسحاق پردخته فعال گردشگری در حوزه بوم گردی در چابهار:

گفتگو با شمسی دهمرده مسئول آموزش گردشگری:

۱-شاغلین گردشگری در بخش خصوصی، سازمان های مردم نهاد دولتی چه آموزش هایی دیده اند؟
عناوین این دوره ها و تاثیر آن ها به چه شکل بوده است؟

در سال ۹۵ برای متقاضیان ایجاد واحد بوم گردی (انفرادی، گروهی) دوره برای آشنایی با تاسیسات بوم گردی برگزار شده است و این متقاضیان به شکلی مجزا آموزش دیده اند. این روند همچنان ادامه دارد و تعداد افراد آموزش دیده ۶۳ نفر می باشد.

در نیمه دوم سال ۱۳۹۵، ۸ دوره آموزش های گردشگری با عناوین مختلف برگزار شده است که در این دوره ها آژانس های گردشگری، دانشجویان رشته های مدیریت جهانگردی و توریسم، جوامع محلی، فعالان و علاقمندان به حوزه گردشگری شرکت کرده اند.

۲- دوره های آکادمیک آموزش گردشگری سالانه چند بار و با چه عناوینی برگزار می شود؟

دوره های آکادمیک (رسمی) ۲ بار در سال برگزار می شود که عناوین این دوره ها به شرح ذیل می باشد:

۱- دوره راهنمایان ایرانگردی و جهانگردی

۲- دوره جامع زمین-گردشگری

۳- دوره مدیر فنی دفاتر خدمات مسافرتی

۴- دوره راهنمایان طبیعت گردی

۳- چه آموزشهایی برای جوامع محلی برگزار شده است؟

در سال ۹۵ سه دوره برای دهیاری ها و فعالین حوزه گردشگری با عناوین ذیل برگزار شده است:

۱- راهنمایان گردشگری

۲- عوامل پلیس و راهبر برای تاکسیرانی

۳- آموزش دهیاری های جوامع محلی

و در سال ۹۶ دوره مقدماتی آموزش گردشگری در شهرستان های زاهدان (خاش و میرجاوه)، زابل (زهک و هامون) و چابهار برگزار شده است.

۴- آخرین دوره آموزش گردشگری در چه تاریخی برگزار شده است؟

آخرین دوره آموزشی برای دهیاری های شهرستان خاش و روسای بخش مرکزی خاش با مشارکت بخشداری و فرمانداری شهرستان خاش در تاریخ ۲۸ تیرماه ۱۳۹۶ برگزار شده است.

گفتگو با اسحاق پردخته، فعال حوزه گردشگری(بوم گردی)

۱- فعالیت شما در چه زمینه ی گردشگری است؟

فعالیت اینجانب بیشتر در زمینه بوم گردی در منطقه رمین می باشد. در زمینه موج سواری هم با شرکت هایی برای جذب تورهای گردشگری به استان قرارداد بسته شده است و در این زمینه هم فعال هستیم.

۲- تا به حال چه آموزش هایی در این زمینه دیده اید؟

من آموزش خاصی در این زمینه ندیده ام اما با توجه به این که سابقه



فعالیت ۱۵ساله با عنوان دهیار و نیز شرکت در سمینارهایی با موضوعات مختلف گردشگری باعث کسب تجربیاتی در این زمینه و کمک به فعالیت بهتر برای بنده شده است.

۳- مشاغل، جوامع محلی و گردشگرانی که آموزش لازم را ندیده باشند یا شناختی از محیطی که به آن وارد می شوند نداشته باشند معمولاً با چه مشکلاتی مواجه می شوند؟

یکی از مسائل مهم و اساسی چگونگی برخورد و رفتار مناسب با گردشگران می باشد. اینکه رفتار مناسب با گردشگران باعث استمرار گردشگری و بازگشت دوباره گردشگران به منطقه خواهد شد و در این مورد آموزش نقش مهمی دارد، زیرا مردم بومی مهربان و مهمان نواز هستند و با این آموزش ها می توانند به نتایج بهتری در این زمینه دست یابند و اگر از چگونگی مواجهه با گردشگران اطلاعات کافی نداشته باشند ممکن است نتوانند به نتیجه مطلوب برسند.

۴- در زمینه توسعه و بهبود ارتباط شما با مسائل گردشگری استان چه آموزش هایی را مورد نیاز تصور می کنید ؟

از جمله آموزشهای مورد نیاز آموزش برنامه ریزی در زمینه جذب گردشگر، چگونگی ارتباط با گردشگران در جهت رفع نیازهایشان و از بین بردن مشکلات موجود در این زمینه، همچنین آموزش هایی در زمینه آسیب شناسی غذاهای بومی و اینکه تهیه چه نوع غذاهایی مخاطبان بیشتری را جذب خواهد کرد را لازم می بینم. بسیاری از افرادی بومی مناطق هنوز مطمئن نیستند مثلاً گردشگرانی که از شهرها و کشورهای مختلف مهمان خانه و شهرشان می شوند، مشتری چه نوع غذای بومی هستند و با توجه به تند بودن اکثر غذاها چقدر تندی غذا برایشان مطلوب است. آموزشهایی حتی تا این حد جزئی می تواند مفید باشد. درباره غذاهای گوشتی و توجه به خوراک رژیم های گیاه خواری هم به همین ترتیب نیاز به آموزش های لازم هست.





معرفی روستا

روستای دزک

محمد صدیق دهواری

پس از بازدید ناظران خارجی در مردادماه گذشته از روستای جهانی سفالگری کلپورگان سراوان، کوشش می نمائیم تا روستاها، مناطق و آثار ارزشمند تاریخی مسیر گردشگری سراوان به کلپورگان را معرفی نمائیم امید است که گردشگران داخلی و خارجی در فرصت بازدید از روستای سفالگری جهانی کلپورگان نیز از این آثار ارزشمند بازدید نمایند

پس از بیرون رفتن از شهر سراوان به‌سوی کلپورگان در مسیر سراوان-آسپیچ-کلپورگان، نخستین روستا که در کیلومتر سه این محور قرارگرفته است، روستای دزک است. از این روستا می‌توان به‌عنوان یکی از کهن‌ترین آبادی‌های بلوچستان یاد کرد که بیشتر مورخان و جغرافی‌دانان ایرانی وانیرانی در سده‌های نخستین اسلامی از آن، در کنار دیگر نقاط و آبادی‌های همچون خواص (خاش) فهره (ایرانشهر) بن پور (بمپور) یادکرده‌اند؛ ولی امروزه روستایی است که در شمال و جنوب محور یادشده واقع‌شده است که با بافت قدیم مسکونی خشتی و گلی و کوچه‌های تنگ وباریک و آثار تاریخی ارزشمند پیش و پس از اسلام به‌عنوان یکی از مناطق گردشگری استان سیستان و بلوچستان از سوی سازمان میراث فرهنگی صنایع‌دستی و گردشگری کشور به ثبت رسیده است.

می‌توان گفت دزک محل استقرار و سکونت پیش‌ازتاریخ تاکنون بوده است و پس از اسلام با ساخت مسجد جامع دزک هویت اسلامی و تاریخی خود را حفظ نموده و با احداث موزه مردم‌شناسی و مجتمع گردشگری توسط بخش خصوصی در سالیان اخیر هم چنان در جذب گردشگر در میان‌آبادی و روستاهای استان پیشتاز است.

روستای دزک که در طول جغرافیائی ۶۲ درجه ۲۲ دقیقه و ۱۹ ثانیه و عرض جغرافیائی ۲۷ درجه ۲۱ دقیقه و ۵۲ ثانیه واقع‌شده است دارای یک قنات

پر آب بوده که توانائی پر نمودن خندق قلعه روستا را درگذشته داشته است ولی امروزه به دلیل حفر چاه‌های غیرمجاز در بالادست روستا کم آب‌شده وبسیاری از نخل‌های سر به فلک کشیده نخلستان جنوبی روستا خشک‌شده‌اند و دیگر از باغات میوه چند دهه گذشته خبری نیست. کشاورزان با نهایت کوشش، نخلستان خویش را حفظ کرده اند و از آن می‌توان به‌عنوان یکی از جاذبه‌های گردشگری روستا یاد کرد که در کنار پوشش گیاهی و جانوری موجود می‌تواند به‌عنوان یکی از سکونت گاههای بشری مورد استفاده قرار گیرد.

ویژگی‌های جمیعت این روستای شش هزار و پانصد نفری هم چون دیگر نقاط بلوچستان است که به زبان بلوچی گفتگو می‌نمایند و پیر و مذهب حنفی هستند.

آثار تاریخی و جاذبه‌های گردشگری روستای دزک

۱-تپه روباهک: این تپه یکی از تپه‌های باستانی پیش‌ازتاریخ روستا است که در ورودی روستا واقع‌شده و در سال ۱۳۴۵ به شماره ۵۴۵ در فهرست آثار ملی کشور به ثبت رسیده است.

۲- قلعه دزک : که به قلعه بلقیس نیز مشهور است. این قلعه یکی از بزرگ‌ترین سازه‌های خشتی گلی مکران است که دور تا دور آن را خندقی فراگرفته است. تا سال ۱۳۰۷ ه.ش مسکونی بوده که در آن سال در درگیری بین نیروهای دوست‌محمد خان بارک زهی آخرین حکمران قلعه با نیروهای ارتش پهلوی اول به فرماندهی امان‌الله جهانبانی به توپ بسته شد. در این نبرد سرهنگ باقر داور پناه یکی از فرمانده هان قشون پهلوی کشته می‌شود و تا پایان رژیم گذشته در مکاتبات دولتی نام روستا را به داور پناه تغییر دادند ولی هرگز دزک از اذهان مردم زدوده نشد. مردم نام قدیم دزک را به فراموشی نسپردند. این اثر ارزشمند به شماره ۱۱۰۹۵ در سال ۱۳۸۳ در فهرست آثار ملی کشور به ثبت رسیده است.

۳- مسجد دزک یکی دیگر از آثار ارزشمند تاریخی و دیدنی این روستا است که بیش از هزار سال است سجده‌گاه مومنان است ودرآن نمازهای

روزانه و جمعه اقامه می‌گردد. معماری مسجد آمیزه‌ای از معماری اسلامی عربی و ساسانی است که همه مصالح آن بومی است این اثر ارزشمند در سال ۱۳۷۷ به شماره ۲۰۱۲ در فهرست آثار ملی کشور به ثبت رسیده است. مصالح به‌کاررفته در دیوارها و ستون‌های مسجد، بومی منطقه هم چون خشت و گل است و پوشش سقفی شیستان‌های تابستانی و زمستانی نیز از تنه نخل و شاخه آن به نام کرز و گز و کنار است. ابعاد مسجد ۷/۷۳ در ۴۲ متر نیز برآورد شده است. از ویژگی‌های این بنای ارزشمند تاریخی وجود چله خانه‌ای به صورت زیرزمینی است که درگذشته عابدان و عارفان به مدت چهل شبانه‌روز در آن به ریاضت مشغول بوده‌اند.

۴-قلعه خیرآباد: در بخش جنوبی روستا در میان نخلستان واقع‌شده که به صورت هشت‌ضلعی است. تفاوت معماری قلعه تا آنجاست آن به‌عنوان یک مقبره یا عبادتگاه و خانقاه نیز یاد می‌شود.

۵- موزه تاس وکپل: این موزه که با هزینه شخصی توسط آقای عبدالله سپاهی یکی از فرهنگ دوستان این روستا ساخته‌شده است بیش از دو هزارشی مردم‌شناسی از آداب‌ورسوم و فرهنگ مردم بلوچ را هم چون

گنجینه ارزشمند وبی بدیلی در خود جای‌داده است که گردشگران داخلی و

خارجی زیادی را به خود جذب نموده است. استاد عبدالله سپاهی که خود گنجینه‌ای از تاریخ و فرهنگ بلوچستان است از سال ۶۲ آغاز به گردآوری وسایل مردم‌شناسی نموده است که تاکنون موفق شده است بیش از دو هزار شیء که نشان‌دهنده آداب‌ورسوم بلوچ درگذشته‌های دور بوده در این موزه گردآوری نماید و آن‌ها را به صورت سنتی در فضای ساخته‌شده به صورت کپر در معرض دید علاقه‌مندان و بازدیدکنندگان قرار دهد.

۶- مجتمع گردشگری: این مجتمع به صورت سنتی در کنار محورسراوان آسپیچ کلپورگان نیز توسط بخش خصوصی راه‌اندازی شده است و پذیرای مهمانان است.

این روستا به دلیل داشتن آثار تاریخی مناظر و جاذبه‌های طبیعی نخلستان‌های باشکوه بافت قدیم مسکونی خشتی گلی قرارگیری در مسیر گردشگری روستای جهانی کلپورگان و نزدیکی به شهر سراوان و دیگر آثار تاریخی روستاهای هم جوار می‌تواند سهم بزرگی در جذب گردشگر در سطح استان سیستان و بلوچستان داشته باشد.

روستای دزک در سه کیلومتری سراوان، بیست‌ودو کیلومتری کلپورگان و ۳۳۳ کیلومتری زاهدان واقع‌شده است.





ثبت روستای کلپورگان
در شهرستان سراوان، به
عنوان روستای جهانی سئال،
مسئولیت فرهنگی تازه برای
مردم و مسئولان استان است.





گالری

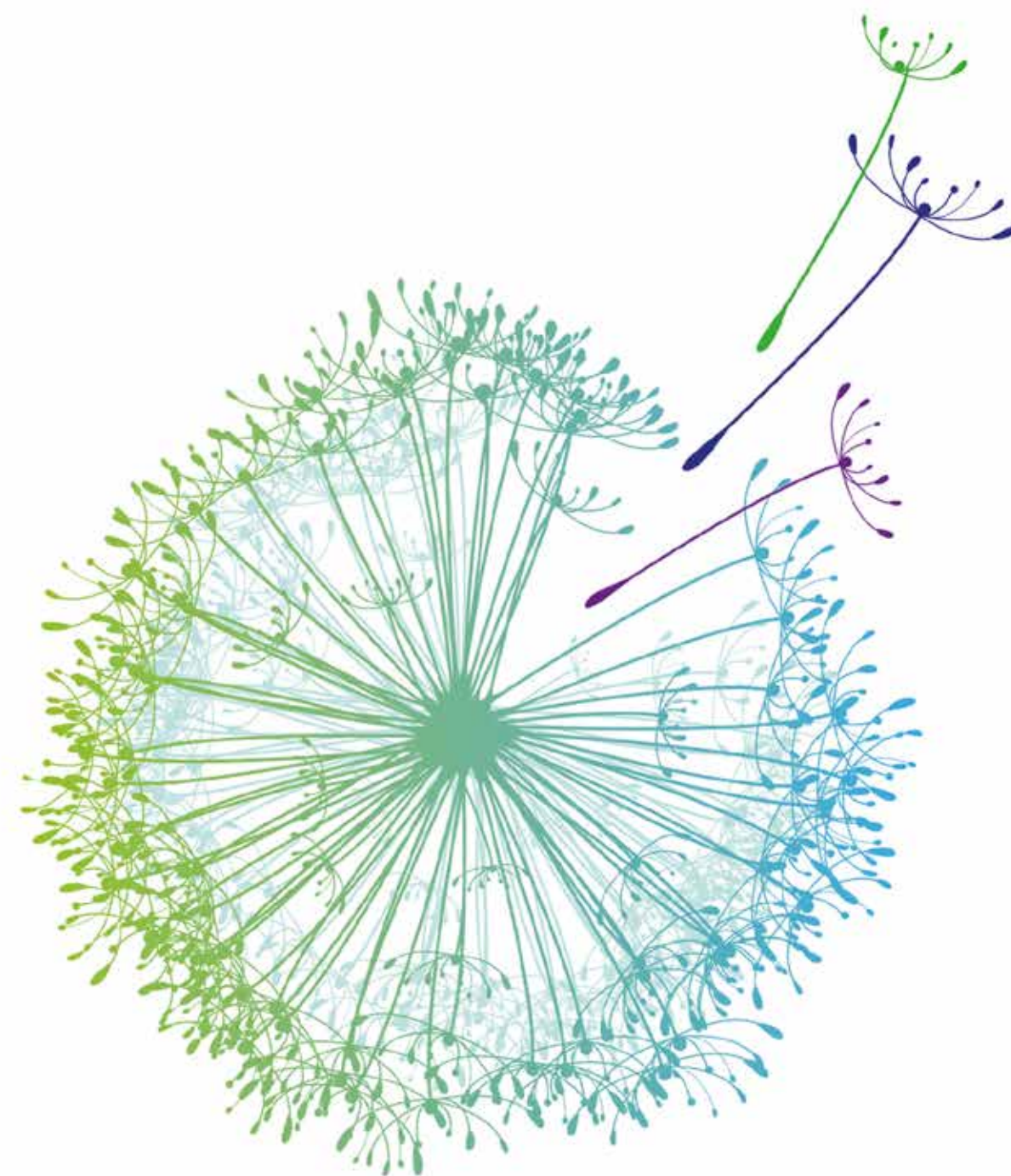
موزه ی منطقه ای جنوب شرق

« برپایی نمایشگاه در نگارخانه موزه منطقه ای جنوب شرق برای عموم آزاد و رایگان است »

از کلیه هنرمندان رشته های هنرهای تجسمی دعوت می شود در صورت تمایل به برپایی نمایشگاه نقاشی، مجسمه سازی، ویدئو آرت، پرفورمنس، اینستالیشن، خوشنویسی، عکاسی، مولتی مدیا، اسناد و کتب خطی، نگارگری و کلیه شیوه های هنرهای زیبا و آثار میراث کهن، به موزه ی منطقه ای جنوب شرق واحد انتشارات و تبلیغات مراجعه نموده و یا با شماره تلفن های زیر تماس حاصل نمایند:

۰۹۳۹۴۴۹۱۴۸۷

داخلی ۲۷۵ ۰۵۴-۳۳۲۲۵۳۰۲



۲۰۱۷
سال جهانی
توریسم پایدار
برای توسعه

سال ۱۳۹۶

سیستان و بلوچستان

مقصد گردشگری ایرانیان

